



ما یک رژیم بی کفایت، فاسد، وابسته، بی دین، سوءاستفاده‌چی و خودخواه و دارای دیگر ممیزات زشت را برکنار کرده‌ایم؛ ولی به مردم معرفی نمی‌کنیم که این‌ها چه کار کردند. بی کفایتی آن‌ها یک کتاب است. وابستگی آن‌ها یک کتاب است. فسادهای اخلاقی و شهوانی‌شان یک کتاب است. فسادهای اقتصادی‌شان یک کتاب است. هر کدام از این بخش‌ها یک فصل مشبعی است. خوب؛ این‌ها باید به نسل جوان داده شود تا آن‌ها دیگر جرئت نکنند نقاط منفی و تاریک خودشان را پنهان سازند و یک تاریخ مجهول و غلط را خلق نمایند و به ذهن جوان ناآشنای ما منتقل کنند.



- مژارش | مرور یادها و خاطره‌های انقلاب اسلامی ۶
- مژارش | پویش مطالعاتی «کتاب‌شارژ» ۹
- مژارش | یتیم‌خانه ایران قصه هولوکاست ایرانی است ۱۰
- گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار ۱۵

کتاب

ماهنامه تخصصی کتاب و کتابخوانی
دوره جدید، شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶
| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |
| www.mananashrir |
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:
مجمع ناشران انقلاب اسلامی
مدیر مسئول:
یاسر احمدوند
سر دبیر:
حسین شاهمرادی
دبیر تحریریه و امور هنری:
محمد مهدی عسکرزاده
اعضای تحریریه:
لیلا منصوری و زینب محبی آشتیانی
ویراستار:
سعیده بقایی
همکاران این شماره:
زینب محبی آشتیانی، لیلا منصوری،
سیدعلی سیدان، رضا شاعری، سعید ناصری،
محمدعلی مرادیان
عکس جلد:
عبدالمجید قوامی
سازمان آگهی‌ها:
۰۲۱-۶۶۹۸۰۴۴۲



پرونده ویژه

(جریان تطهیر پهلوی در نشر)

- کلام نور | پنج ویژگی خاندانی تطهیرنشدنی ۲۰
- گفت‌وگو با موسی حقانی | ترویج تفکر آمریکایی و غربی؛ سیاست نشر دوران پهلوی ۲۲
- گفت‌وگو با قاسم تبریزی | فعالیت‌های اسلامی در حوزه نشر، زیرزمینی و مخفیانه بود ۲۷
- میثم نیلی | بازشناسی ماهیت طاغوت؛ نیازمند یک نهضت فرهنگی ۳۲
- گفت‌وگو با محمد مهدی اسماعیلی | دانشجو تاریخ انقلاب را از زاویه دید و عینک دشمنان ما خوانده است ۳۳
- گفت‌وگو با مرتضی احمد آخوندی | دیکتاتوری پهلوی، نشر را به سمت خودسانسوری سوق داده بود ۳۶
- محمدعلی مرادیان | لزوم تبیین ابعاد مختلف رژیم پهلوی، برای مقابله با جریان تطهیر پهلوی‌ها ۳۹
- مژارش | وزرا قبل از انقلاب در ازای وزارت، به شاه ماهانه پول می‌دادند ۴۱
- سیدروح‌الله امین‌آبادی | این چهره، تطهیرشدنی نیست ۴۴
- یادداشت | نمایندگان چگونه از صندوق دربار بیرون می‌آمدند؟! ۴۵
- یادداشت | کلبه وحشتی به نام کمیته مشترک ۴۷
- یادداشت | دلارهای بی حساب نفتی چگونه جیب مستشاران آمریکایی را پر می‌کرد؟! ۴۹



با افتخار، مطالب شما عزیزان را برای استفاده در نشریه شیرازه کتاب و تارنمای منانشر می‌پذیریم.



تهران . خیابان انقلاب . خیابان دوازده
فروردین . خیابان شهدای زاندارمری .
پلاک ۱۴۰

تلفن: ۶۶۹۷۶۴۸۲

رایانامه: info@mananashr.ir

با آثار و گفتاری از: مرتضی
احمدآخوندی، محمد اسماعیلی، سیدروح‌الله
امین‌آبادی، قاسم تبریزیان، موسی حقانی،
محمدعلی گودینی، محمدعلی مرادیان،
منوچهر محمدی، رحیم مخدومی، میثم نیلی



طعم کتاب

- مزارش | اگر کسب اخلاق نباشد، توفیقی برای کسب حلال حاصل نمی‌شود ۵۲
- معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای فروردین ۵۵
- بسته پیشنهادی | تاریخ فساد خاندان پهلوی ۶۰
- رحیم مخدومی | انقلاب دوازده‌ساله‌ها ۶۵
- معرفی کتاب | کتاب جمعه ۶۶



خانوادهٔ نشر

گفت‌وگو با محمدعلی گودینی | مسئولین در زمینهٔ ادبیات مقاومت، دغدغهٔ فرهنگی ندارند ۷۲



کتاب‌هایی برای بَرک

دو. ضعف نظارت بر عرضه کتاب: علاوه بر ضعفی که وزارت ارشاد در نظارت بر تولید محتوا و دادن مجوز نشر دارد، ضعف بیشتر و چشم‌گیرتری نیز در نظارت بر فروشگاه‌های فیزیکی و اینترنتی کتاب وجود دارد. این ضعف و بدتر از آن، عدم اهتمام بر مقابله با آن، باعث شده که کتاب‌های تظہیرکننده جریان پهلوی که در نبود نظارت تولید شده‌اند، در نبود نظارت، به راحتی نیز عرضه شوند.

سه. نفوذ کلام کتاب: ویژگی‌های کتاب در جامعه، یکی دیگر از این عوامل است. نفوذ کلام کتاب، بیش از سایر رسانه‌ها است؛ یعنی نخبگان و مردم، آنچه را در کتاب می‌خوانند، بیش از آنچه در سایر رسانه‌ها است، می‌پذیرند و این به دلیل جایگاه کتاب در جامعه است.

چهار. مرجعیت کتاب: کتاب‌ها مهم‌ترین منبع تأمین محتوای سایر رسانه‌ها هستند. به عبارتی، وقتی یک کتاب تولید می‌شود، علاوه بر مردم، سایر رسانه‌ها نیز از محتوای آن بهره می‌برند و آن را منتشر می‌کنند.

دلایل فوق و دلایل دیگری از این دست، باعث شده است که ظهور و بروز جریان تظہیر پهلوی در عرصه کتاب، بسیار پررنگ و جدی باشد.

این موضوع را دست‌مایه این شماره از نشریه شیرازه کتاب قرار داده‌ایم تا با بررسی جریان تظہیر پهلوی در نشر و همچنین برخی مباحث محتوایی مرتبط با این حوزه، بتوانیم گامی هرچند کوچک، در جهت مقابله با این جریان و تقویت معارضان آن برداریم.

حسین شاهمرادی: مقام معظم رهبری، ۱۷ دی ۱۳۹۳، در دیدار با مردم قم فرمودند: «امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف؛ یعنی سعی می‌کنند چهره خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌روترین عناصر خُگام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند.»

ایشان چند بار دیگر نیز نسبت به تلاش‌هایی که برای تظہیر سلسله پهلوی می‌شود و همچنین لزوم مقابله با این جریان، هشدار داده و سخنانی را ایراد کرده بودند.

البته امروز، پس از چند سال از آن سخنان، این راهبرد دشمن به قدری آشکار شده است که درک آن نیاز به تیزبینی و هشیاری خاصی ندارد.

همه رسانه‌های دیداری و شنیداری و مکتوب، به شکل عام، عرصه فعالیت کسانی‌اند که همه هم‌وغمشان ناامید کردن مردم از جمهوری اسلامی است و ابزارشان هم استفاده از ضعف اطلاعاتی مردم و جوانان برای کارآمد و پاک جلوه دادن رژیم پهلوی از یک سو، و ناکارآمدنشان دادن جمهوری اسلامی از سوی دیگر است.

یکی از مهم‌ترین این رسانه‌ها کتاب است که از قضا، جریان تظہیر پهلوی، تکیه زیادی به آن دارد. به چند دلیل مهم، کتاب یکی از مهم‌ترین رسانه‌هایی است که این جریان آن را برگزیده است. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

یک. ضعف نظارت بر تولید کتاب: ضعف نظارتی وزارت ارشاد و همچنین وجود راهکارهایی فراقانونی برای دورزدن ممیزی در این وزارتخانه و همچنین خارج از آن، کتاب را به بستری سهل برای سخن گفتن با مردم و انحراف تاریخ تبدیل کرده است.



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



گزارش | مرور یادها و خاطره‌های انقلاب اسلامی ۶

گزارش | پویش مطالعاتی «کتاب‌شارژ» ۹

گزارش | یتیم‌خانه ایران قصه هولوکاست ایرانی است ۱۰

گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته | خط اخبار ۱۵

مرور یادها و خاطره‌های انقلاب اسلامی

آیین اختتامیه سومین دوره شب‌های شعر انقلاب اسلامی با حضور جمع کثیری از شاعران انقلاب در حوزه هنری برگزار شد.

ایشان کاری نکردیم و وقتی به رحمت خدا رفتند هم برنامهای که در شأن ایشان باشد، برگزار نشد. وی همچنین اعلام کرد: پس از وقوع حادثه پلاسکو و شهادت جمعی از آتش‌نشانان کشورمان، تصمیم گرفتیم تا اشعار مرتبط با این حادثه را در نشر فصل پنجم و در قالب کتابی غیرقابل فروش، به چاپ برسانیم و نیمی از این کتاب‌ها را در سازمان آتش‌نشانی و نیمی دیگر را در نمایشگاه کتاب سال ۹۶ در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم. کسانی که علاقه‌مند هستند، اشعارشان در این کتاب منتشر شود، شعر خود را برای نشر فصل پنجم ارسال کنند.

ناصر فیض، مدیر دفتر طنز حوزه هنری، دیگر شاعری بود که در این مراسم اثر طنزی را برای مخاطبان خواند که به شرح زیر است:

سهل است که استان بکنی یک‌شبه ده را
با آتش کبریت کنی آب، زره را
از پیچ‌وخم گردنه حیران با باد
با بادبزنجو محو کنی توده مه را

سومین دوره شب‌های شعر انقلاب اسلامی با حضور پیش‌کسوتان شعر و ادب پارسی و شاعران مطرح انقلابی کشور سه‌شنبه ۱۲ بهمن‌ماه و هم‌زمان با آغاز ایام دهه فجر برگزار شد.

در ابتدای این مراسم محمود اکرامی، شاعر مصرع معروف «یا علی گفتیم و عشق آغاز شد» به شعرخوانی پرداخت. بخشی از اشعار این شاعر را در زیر می‌خوانید:

با تو پاییز خوش و با تو زمستان خوب است
سردی بهمن و دی، زردی آبان خوب است
بی‌تو آغوش گل سرخ کویر است، کویر
با تو این دود و دم دائم تهران خوب است

پرویز بیگی حبیب‌آبادی، شاعر خاطره‌ساز دوران دفاع مقدس، نیز با اشاره به اینکه در سال‌های ۱۳۵۹ و دهه شصت، شاعرانی همچون زنده‌یاد مهرداد اوستا تأثیر به‌سزایی بر شعر شاعران انقلاب گذاشتند، اظهار کرد: اگر زنده‌یاد اوستا نبود، شاید شعر انقلاب و حوزه هنری به این بالندگی نمی‌رسید. متأسفانه قدر اوستا ناشناخته مانده است. در زمان حیاتشان برای

پرویز بیگی
حبیب‌آبادی، شاعر
خاطره‌ساز دوران
دفاع مقدس، با اشاره
به اینکه در سال‌های
۱۳۵۹ و دهه شصت،
شاعرانی همچون
زنده‌یاد مهرداد اوستا
تأثیر به‌سزایی بر
شعر شاعران انقلاب
گذاشتند، اظهار کرد:
اگر زنده‌یاد اوستا نبود،
شاید شعر انقلاب و
حوزه هنری به این
بالندگی نمی‌رسید



برگزاری این مراسم، جلسات نقد شعر با حضور بزرگان شعر انقلاب برگزار شود.

هادی سعیدی کیاسری شعری از حال و هوای پس از دفاع مقدس خواند که بخشی از آن به شرح زیر است:

از تمام قصه باری، غصه نان ماند و ما
پاره‌هایی از جگر در زیر دندان ماند و ما
طرحی از لبخند تابان شهیدان
جابه‌جابر در و دیوار دلگیر خیابان ماند و ما
علی محمد مؤدب، شاعر و مدیرعامل موسسه شهرستان ادب، نیز بخش‌هایی از یک مثنوی را که یادکردی از شهید بابارجب محمدزاده بود برای حضار خواند:

نه، نبین که چنین آب رفته لبخندم
هنوز غرقهٔ امواج سردالوندم
در این شبانه که غواص درد مواجم
به دستگیری یاران رفته محتاجم
کسی نگفته و مانده است ناشنیده کسی
منم شبیه کسی، آن که خواب دیده کسی
منم که با سندن زخم اعتبار خودم
منم که چهرهٔ تاریخی تبار خودم
شبیه سوختن ایل داغدار خودم
منم که با سندن زخم اعتبار خودم
سیدعلی موسوی گرمارودی، شاعر پیش کسوت
کشورمان، نیز در حالی که برای شعرخوانی بر روی صحنه
آمده بود، اظهار کرد: هر چه خداوند به آقای اسفندقه
حافظه داده است، به بنده بی‌حافظگی داده است. البته
ناشکری نمی‌کنم، اما از کل شعرهای خودم، تنها دو شعر
کوتاه را از حفظ هستم.

منم که می‌رسدم نوبه‌نوز خویش غمی

کاری کنی از قحط بزه هر چه بزه‌کار
یک‌عمر بگردند نیابند بزه را
یا طبق یکی از نسخ خطی نایاب
از هم نشاسند پس از این، مه و که را
با تیر و کمان آرش اگر زنده شود باز
جرات نکند لمس کند مرکز زه را
طوری بشود فخر کنند دانش امروز
بشکافی به جای اتم هسته به را
از گوجه به رب می‌رسد آدم نه به انگور
گر دیگ بجوشاند اگر گوجه له را
از قفل گذشتیم بماند که نشد باز
حاشا که کلید تو کند باز گره را

مرتضی امیری اسفندقه، دبیر علمی سومین دوره شب‌های شعر انقلاب اسلامی نیز، ضمن تقدیر و تشکر از کسانی که برای برپایی این همایش در شهرها و مکان‌های مختلف فعالیت داشته‌اند، اظهار کرد: دوازده سال داشتم که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و می‌اندیشم که این انقلاب چقدر کریم است که من امروز می‌توانم در جایگاه دبیر علمی شعر انقلاب سخن بگویم.

وی ادامه داد: همیشه از قبول مسئولیت‌ها گریزان بوده‌ام و در واقع شعر، مزاحم پذیرش مسئولیت من بوده است و به‌شخصه نیز شعر را عاشق‌ترم. اینکه دبیر علمی سومین دوره شعر انقلاب اسلامی هستم به دلیل لیاقت و توانایی‌هایم نبوده، بلکه دوستانم امر کردند و من از روی ادب و اطاعت قبول کردم.

امیری اسفندقه خاطر نشان کرد: امیدوارم شب‌های شعر انقلاب اسلامی در دوره‌های بعد به ۱۰ شب برسد و از ۱۲ بهمن آغاز شود و در ۲۲ بهمن و هم‌زمان با سالروز پیروزی انقلاب به پایان برسد. همچنین در هر شب

“امیری اسفندقه: دوازده سال داشتم که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و می‌اندیشم که این انقلاب چقدر کریم است که من امروز می‌توانم در جایگاه دبیر علمی شعر انقلاب سخن بگویم





۹۹ براتی پور:

سیمین دخت وحیدی اشعار بسیار زیادی را راجع به انقلاب اسلامی و شهدا و همچنین اشعار ولایی بسیاری دارند. افتخار داشتیم که راجع به ایشان صحبت کنیم. ۳۵ سال با ایشان شعر خوانی داشتیم و از حضورشان بهره می بردم. خانم وحیدی یکی از ستاره های درخشان ادب فارسی در ادبیات معاصر هستند و عمر پربرکتشان در راه اعتلای ادبیات انقلاب و ادبیات آیینی گذشته است

همچنین در بخش تجلیل و تقدیر از حجت الاسلام سیدعبدالله حسینی، شاعر و فعال فرهنگی، ادبی و دینی کشورمان، هادی سعیدی کیاسری، با اشاره به اینکه نخستین باری که با حجت الاسلام حسینی روبه رو شدم، او را فردی آراسته دیدم که از قضا شاعر بود، اظهار کرد: ایشان شاعری بود که نگاه متفاوتی به شعر داشتند. حسینی، طلبه فاضلی بود، به این معنی که بر آنچه خواند و آنچه قرار بود بخواند مشرف بود.

وی ادامه داد: او در شعر خود بسیار کارکردی از مصطلحات اصول، فقه و... استفاده می کرد. شاعری بود که زبان و بیانش برای روایت مضامین و آرمان های انقلاب اسلامی به زیباترین شکل بیان کرد. برای همین هم کاملاً متمایز شد. همچنان که همه شعرا به دنبال تمایز هستند تا دیده شوند. چنان که وحشی بافقی شاید شاعر شگفتی نباشد، اما شاعری متفاوت بود. ایشان هم این تمایز را از ابتدا تا به حال داشت.

کیاسری تصریح کرد: وی در حیثیت یک مدیر هم، مدیر متفاوتی بود و جزو نخستین کسانی بود که تشکیلاتی فکر کرد و کنگره شعر طلاب را راه اندازی کرد. کنگره شعر طلاب یکی از هدفمندترین کنگره ها بود. سیدعبدالله حسینی به عنوان یک سفیر نیز بسیار فعال بود و به سرعت زبان انگلیسی را فرا گرفت و به آفریقا رفت و به تبلیغ دین پرداخت.

علی انسانی، فاطمه طارمی، محمد علی پور، فاطمه نانی زاد، فریبا یوسفی، قادر طراوت پور، مجید سعدآبادی و جواد نوربخش از دیگر حاضران این مراسم بودند. موسیقی عرفانی و فنوازی حافظ ایمانی، شاعر و خواننده کشورمان، نیز از دیگر بخش های این مراسم بود. سعید بیابانکی در خلال اجرای این مراسم، اشعار خاطره انگیزی از شاعران مطرح دهه شصت را برای حضار می خواند.

ز دست خویش نیاسوده ام به عمر، دمی گیاه آبی ام، بی بهار می رویم مگر همان گذرد گاه از سرم بلمی در این صحیفه رنگین و پر نگار وجود به قدر سایه نیفتادم از سر قلمی به کوه نیز نرسیده ام غم خود را هنوز با غم ای کوه سرفراز کمی چو فجر کاذب انگار و هیچ سوی نیام نه در پگاه وجودی نه در شب عدمی چو موج هر چه سر خود به سنگ می کوبم ز پای خویش فراتر نمی نهم قدمی

در بخش تجلیل و تقدیر از مقام سیمین دخت وحیدی، شاعر پیش کسوت کشورمان، عباس براتی پور با اشاره به اینکه در دهه ۶۰ به همراه سیمین دخت وحیدی و تعدادی از شاعران انقلاب اسلامی در جلسات شعر حوزه هنری حاضر می شدیم، اظهار کرد: مدیریت آن جلسات با مرحوم سیدحسن حسینی بود و مرحوم مهرداد اوستائیز نقد آثار را بر عهده داشتند.

وی ادامه داد: سیمین دخت وحیدی از بانوانی است که مردانه وارد شعر شدند. در زمان جنگ تحمیلی، وقتی به جبهه می رفتیم، خانم سیمین دخت وحیدی هم حضور داشتند و به شعر خوانی برای رزمندگان می پرداختند. گاهی پسرشان هم با ایشان همراه می شدند و کمک مادر بودند. براتی پور خاطر نشان کرد: سیمین دخت وحیدی اشعار بسیار زیادی را راجع به انقلاب اسلامی و شهدا و همچنین اشعار ولایی بسیاری دارند. افتخار داشتیم که راجع به ایشان صحبت کنیم. ۳۵ سال با ایشان شعر خوانی داشتیم و از حضورشان بهره می بردم. خانم وحیدی یکی از ستاره های درخشان ادب فارسی در ادبیات معاصر هستند و عمر پربرکتشان در راه اعتلای ادبیات انقلاب و ادبیات آیینی گذشته است.



نرگس

پویش مطالعاتی «کتاب شارژ»

مجمع ناشران انقلاب اسلامی، به منظور معرفی کتاب‌های خوب و توسعه کتابخوانی در کشور، سال گذشته، هم‌زمان با آغاز دهه فجر، پویش کتابخوانی «کتاب شارژ» را برگزار کرد.

در اولین مرحله از این پویش، کتاب نرگس، نوشته رحیم مخدومی به مخاطبان معرفی می‌شود. از سوی دیگر، وجه تمایز این پویش با دیگر پویش‌هایی که از سوی مجمع برگزار شده، انتخاب مخاطب نوجوان و جوان به عنوان مخاطب هدف است.

مخدومی در کتاب نرگس، به حوادث

منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. او در زمان نرگس ماجرای «اسماعیل» را شرح می‌دهد که خواهرش نرگس به دلیل محبیه بودن از مدرسه اخراج شده است. اسماعیل به هر دری که می‌زند نمی‌تواند خواهرش را به مدرسه بفرستد؛ حتی به سر کار می‌رود تا بتواند برای نرگس معلم خصوصی بگیرد. اما این تنها دغدغه اسماعیل نیست. شخصیت اصلی این داستان، از یک سودایی روحانی‌ای دارد که مدام در تعقیب و گریز با نیروهای ساواک است و از سوی دیگر، پدر اسماعیل و خود او به دلیل فعالیت‌های انقلابی دستگیر می‌شوند؛ زمانی هم که پدرش به زندان می‌افتد، تأمین معاش خانواده بر دوش اسماعیل می‌افتد. رخ دادن همه این اتفاقات به همراه شهادت دایی و یکی از معلمان مدرسه، اسماعیل را مصمم می‌کند که حتی بیش از گذشته به مبارزه و تلاش برای فرستادن نرگس به مدرسه بپردازد.

در اکران یتیم‌خانه ایران مطرح شد؛

یتیم‌خانه ایران قصه هولوکاست ایرانی است

خانواده بزرگ مجمع ناشران انقلاب اسلامی، برای تماشای فیلم ممتاز «یتیم‌خانه ایران» گرد هم آمدند. این فیلم در سالن سوره حوزه هنری با حضور اعضای مجمع ناشران انقلاب اسلامی به نمایش درآمد. در این مراسم، علاوه بر اکران فیلم، دکتر موسی حقانی، استاد دانشگاه و رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، درباره نقش استعمار انگلستان در قحطی بزرگ سال‌های جنگ جهانی اول، به ایراد سخنرانی پرداخت.

سال ۱۹۰۰ میلادی حدود چهارده میلیون نفر جمعیت داشته است. آمار دیگری از آمریکایی‌ها که انگلیسی‌ها هم آن را تأیید می‌کنند این است که در سال ۱۹۲۷ ما تقریباً ده الی ۱۰/۵ میلیون نفر جمعیت داریم یعنی به جای اینکه از ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۷ ما رشد جمعیت داشته باشیم، چهار میلیون نفر هم از ما کم می‌شود.

حقانی اهمیت آمار آمریکایی‌ها را تسلط آنها در جنگ جهانی دوم بر اوضاع مالی ایران دانست و افزود: اهمیت آمار آمریکایی‌ها از این حیث است که آمریکایی‌ها بعد از مشروطه و در جریان جنگ جهانی دوم تقریباً مسائل مالی ایران را در دست داشتند. چون مسائل مالی ایران در دستشان بود، مخصوصاً در جنگ جهانی دوم که کوپن برای خواروبار توزیع می‌شد، یک سرشماری کرده بودند، آمریکایی‌ها جمعیت ایران را در سال ۱۹۰۰ حدود چهارده میلیون نفر ذکر می‌کنند.

حقانی در این باره ادامه داد: ما اگر یک رشد یک‌ونیم درصدی برای جمعیت ایران قائل باشیم که به نظر من بیشتر از این حرف‌ها است، ما در بعضی از دهه‌ها رشد سه درصدی را هم تجربه کردیم. اگر پایه چهارده میلیون را بپذیریم، حالا می‌توانیم دوازده میلیونی را که انگلیسی‌ها اذعان دارند هم مبنا قرار دهیم. در هر صورت یک جنایت رخ داده است. یعنی یک کشتار در کشور ما رخ داده است که من هم کفش را عرض می‌کنم و هم سقشش را عرض می‌کنم. اگر ما رشد ۱/۵ درصد را بپذیریم، با مبنای چهارده میلیون نفر، ایران در سال ۱۹۱۷ و سال ۱۹۲۰ که تقریباً پایان قحطی است، می‌بایست ۱۷/۵ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. اگر دو درصد را بپذیریم، ۱۹/۵ میلیون

موسی حقانی در مراسم اکران فیلم «یتیم‌خانه ایران» درباره اتفاق اصلی فیلم و بحث‌های بعد از اکران فیلم که آیا اصل واقعه صحت توضیحاتی را ارائه کرد. حقانی در این باره گفت: وقتی فیلم اکران شد بحث‌هایی در گرفت در خصوص اصل واقعه که آیا اصلاً این اتفاق در کشور ما رخ داده است؟ بعد روی آمار و ارقام بحث شد که بالاخره فرصت خوبی را پیش آورد که این بحث مرور شود و در جامعه ما مطرح شود. البته قبل از اینکه این فیلم بخواهد این بحث را به وجود بیاورد، کتاب قحطی بزرگ نوشته آقای مجد که به زبان‌های دیگر هم ترجمه شد، یک مباحثی را در فضای مجازی و در فضای علمی کشور به وجود آورد که آیا این اتفاق در کشور رخ داده است و چقدر این آمار و ارقام می‌تواند واقعیت داشته باشد؟

حقانی در ابتدای صحبت‌هایش به صحت و سقم آمار ارائه شده در فیلم یتیم‌خانه ایران و این اتفاق اسفناک پرداخت. او در این باره گفت: کتاب قحطی بزرگ براساس اسنادی که آمریکایی‌ها از بایگانی خودشان درآوردند و منتشر کردند، بیانگر این است که نزدیک به نه تا یازده میلیون نفر به واسطه قحطی که در خلال جنگ جهانی اول در کشور ما به وجود آمد، از بین رفتند. از این واقعه در برخی از رسانه‌ها به عنوان هولوکاست ایرانی هم یاد می‌کنند. از کشوری که هیچ دخالتی در جنگ نداشته است، یک رقم قابل توجهی از بین می‌روند. ما در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرده بودیم و در جنگ جهانی دوم هم همینطور و در هر دو مورد کشورمان اشغال شد و تلفات زیادی به ما تحمیل شد. در جنگ جهانی اول بیشتر ولی در جنگ جهانی دوم کمتر. آمار آمریکایی‌ها می‌گوید که ایران در

”کتاب قحطی بزرگ

براساس اسنادی که آمریکایی‌ها از بایگانی خودشان درآوردند و منتشر کردند، بیانگر این است که نزدیک به نه تا یازده میلیون نفر به واسطه قحطی که در خلال جنگ جهانی اول در کشور ما به وجود آمد، از بین رفتند. از این واقعه در برخی از رسانه‌ها به عنوان هولوکاست ایرانی هم یاد می‌کنند

”ما در جنگ جهانی

اول اعلام بی‌طرفی کرده بودیم و در جنگ جهانی دوم هم همینطور و در هر دو مورد کشورمان اشغال شد و تلفات زیادی به ما تحمیل شد. در جنگ جهانی اول بیشتر ولی در جنگ جهانی دوم کمتر



۹۹ آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم وقتی می‌بینند که روس‌ها و انگلیسی‌ها ایران را اشغال می‌کنند، بعد از مدتی که علائم قحطی معلوم می‌شود، هشدار می‌دهند که مبادا آن اتفاقی که در جنگ جهانی اول رخ داد، دوباره تکرار شود. آمریکایی‌ها تأکید می‌کنند در جنگ جهانی اول، یک سوم جمعیت ایران کشته شدند

۹۹ خیلی صحنه‌های وحشتناکی هست؛ از آدم‌خواری تا خون‌خواری. بعضی از خانواده‌ها به کشتارگاه‌ها می‌رفتند و اگر گوسفندی یا شتری کشته می‌شد، خونش را به خانه می‌بردند، می‌جوشانند و آن را به بچه‌ها پشان می‌دادند. از این مسائل زیاد داریم

چهارده میلیون نفر، از ۱۷/۵ میلیون نفر، از ۱۹/۵ میلیون نفر و از ۲۲/۵ میلیون نفر؛ از هر کدامشان حساب کنید، آمار بالاست. یعنی از کف ۴/۵ میلیون نفر شروع می‌شود تا نزدیک ده میلیون نفر. ما یک رقم دهمیلیونی فقدان جمعیت در خلال این سال‌ها داریم؛ یعنی از ۱۹۱۷ تا ۱۳۳۵ شمسی. اگر کشورهای دیگر اطراف خودمان را مثل پاکستان فعلی و بعضی از کشورهای که از لحاظ رشد جمعیت با ما برابر بودند، با خودمان تطبیق بدهیم، این فقدان ده میلیون نفر را می‌بینیم. حالا عرض کردم حداقل چهار میلیون نفر و حداکثر نه میلیون تا ده میلیون نفر، در کشورمان نقصان آمار داریم.

موسی حقایق گزارش‌هایی را که از آن دوره شده است، وحشتناک خواند و گفت: گزارش‌هایی که آوردند صحنه‌های وحشتناکی را به تصویر می‌کشید که در فیلم «یتیم‌خانه ایران» شما بخشی از آن را می‌بینید. گزارشگری که از شمال غربی ایران وارد کشور شده بود، وقتی به همدان می‌رسد، از تل کشته‌های کنار جاده‌ها یاد می‌کند که بعضی‌هایشان توان جویدن علف را هم ندارند. خیلی صحنه‌های وحشتناکی هست؛ از آدم‌خواری تا خون‌خواری. بعضی از خانواده‌ها به کشتارگاه‌ها می‌رفتند و اگر گوسفندی یا شتری کشته می‌شد، خونش را به خانه می‌بردند، می‌جوشانند و آن را به بچه‌هایشان می‌دادند. از این مسائل زیاد داریم.

حقانی درباره عدم ارائه اسناد توسط انگلیسی‌ها و روس‌ها گفت: انگلیسی‌ها و روس‌ها اسناد این مقطع را کامل منتشر نکردند. تقریباً زیر بار هم نمی‌روند. یکی دوجا به این کشتار اعتراف دارند. یکی در همین جنگ جهانی دوم است. آمریکایی‌ها وقتی انگلیسی‌ها و روس‌ها وارد خاک ایران می‌شوند، یک مقدار نگران می‌شوند؛ چون آمریکایی‌ها از تقریباً ۱۸۷۳ تلاش دارند در ایران نفوذ کنند. مکاتباتی بین آن‌ها و مقامات انگلیسی انجام می‌شود. هم مکاتبات

جمعیت و اگر سه درصد را بپذیریم ۲۳/۵ تا ۲۴ میلیون نفر جمعیت می‌بایست داشته باشد.

رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران درباره تقریبی بودن آمار گفت: این آماری را که عرض می‌کنم تقریبی است؛ چون ما در سال ۱۳۳۵ شمسی اولین سرشماری را در کشور داشتیم؛ البته سرشماری رسمی اداره آمار. و گرنه برخی منابع از دوره قاجار خیلی دقیق آمار می‌دهند. من همین امروز برخی منابع دوره قاجار را می‌دیدم، از همه نظر آمار می‌دهند. از محلات بگیرد تا کسبه، تا تعداد آقایان، تا تعداد بانوان، تا تعداد اقلیت‌ها. چند تا یهودی داریم. چند تا زرتشتی داریم. چقدر از جمعیت ایران شیعه است. چقدر از جمعیت ایران سنی است. این‌ها همه برای دوره قاجار است. این‌طور نیست که برخلاف تبلیغات پهلوی‌ها، ایران برهوت بوده و این‌ها آمده‌اند این‌گونه نظامات را در کشور راه انداختند. این‌طور نیست. ما آمار دقیق داریم. منتها خیلی احصا نشده است. الان خوشبختانه یک کارهایی شروع شده است برای احصا همین آمار از منابع مختلفی که داریم. منتها آن سرشماری رسمی که هم ثبت و هم منتشر شد در سال ۱۳۳۵ است. این استاد دانشگاه ادامه داد: در جنگ جهانی، هم آمریکایی‌ها، هم انگلیسی‌ها، هم روس‌ها اقرار کردند که در ایران کشتار وحشتناکی شده است، البته مقامات رسمی‌شان نه؛ ولی آن‌هایی که به ایران سفر می‌کردند و مأموریت‌هایی داشتند، اذعان می‌کنند که در خلال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰ در ایران کشتار وحشتناکی صورت گرفته است.

حقانی گفت: آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم وقتی می‌بینند که روس‌ها و انگلیسی‌ها ایران را اشغال می‌کنند. بعد از مدتی که علائم قحطی معلوم می‌شود، هشدار می‌دهند که مبادا آن اتفاقی که در جنگ جهانی اول رخ داد، دوباره تکرار شود. آمریکایی‌ها تأکید می‌کنند در جنگ جهانی اول، یک سوم جمعیت ایران کشته شدند. از

انگلیسی‌ها نه تنها با خودشان برای مردم ایران و آن محلی که اشغال می‌کنند آذوقه نیاوردند، حتی برای سربازان خودشان هم آذوقه نیاورده و از آن منابع غذایی مردم استفاده می‌کردند. به خانه‌ها می‌رفتند و حتی آن آذوقه اندکی را که خانواده برای خودش ذخیره کرده بود، غارت می‌کردند و کشتی‌هایشان را با نیروهای هندی پر می‌کردند برای اشغال ایران

در اسنادی که انگلیسی‌ها منتشر کردند با صراحت می‌گویند که اگر هند نبود، ما به این کشور عقب‌مانده و این مردم وحشی هیچ کاری نداشتیم. این را رسماً می‌گویند. در منابعشان وجود دارد؛ یعنی به خاطر هند به ما توجه می‌کنند. چون دسترسی به هند از ایران خیلی آسان است

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

و هم مذاکرات. شرح این مذاکرات در اسناد آمریکایی‌ها آمده است که با انگلیسی‌ها صحبت می‌کنند. در یک سند می‌گویند یک سوم جمعیت ایران کشته شده است و در یک سند دیگر می‌گویند مبادا آن کشتار وحشتناک اتفاق بیافتد. سفیر انگلیس در ایران می‌گوید نه مادیگر آن اشتباه را تکرار نمی‌کنیم. هم برای سربازان خودمان آذوقه می‌آوریم و هم برای مردم ایران آذوقه می‌آوریم. ظاهراً یک حرکت‌های نمایشی در این زمینه کرده بودند. در آن مقطع هم داریم که از ایران آذوقه خارج می‌شد. بخش عمده این کار را خود رضاشاه کرد؛ چون می‌دانید اغلب اراضی حاصلخیز ایران دست رضاشاه بود. رضاشاه قبل از اینکه آتش جنگ دامن ما را بگیرد مقادیر زیادی از برنج و گندم و جو و آن مزارعی را که خودش داشت، به روس‌ها و آلمانی‌ها فروخته بود. گزارش‌های رسمی‌ای در این باره وجود دارد.

رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ ایران، کشتار رخ داده در جنگ جهانی اول در ایران را، عمده دانست. او در این باره گفت: در جنگ جهانی دوم، ما از قحطی، گرسنگی، تیفوس، بیماری و این‌ها کشته دادیم؛ ولی اصلاً قابل مقایسه با جنگ جهانی اول نیست. آن‌جا انگلیسی‌ها می‌گویند مادیگر آن اشتباه را تکرار نمی‌کنیم. به نظر من اشتباه نبود؛ عمده بود. اشتباه چه بود؟ اشتباه این بود که وقتی آن‌ها وارد ایران شدند، خاک ایران را در جنگ جهانی اول اشغال کردند؛ نه تنها با خودشان برای مردم ایران و آن محلی که اشغال می‌کنند آذوقه نیاوردند، حتی برای سربازان خودشان هم آذوقه نیاورده و از آن منابع غذایی مردم استفاده می‌کردند. به خانه‌ها می‌رفتند و حتی آن آذوقه اندکی را که خانواده برای خودش ذخیره کرده بود، غارت می‌کردند و کشتی‌هایشان را با نیروهای هندی پر می‌کردند برای اشغال ایران. در حالی که معمول این بود، وقتی سرباز می‌آوردند، آذوقه آن‌ها را هم بیاوردند. نه تنها برای مردم ایران چیزی نیاوردند، آذوقه سربازانشان را هم از ما تأمین کردند.

حقانی در ادامه به بیان سیاست انگلیس خبیث درباره کشورمان که بستر اصلی این فیلم است، پرداخته و گفت: من خواهم این است که شما این فیلم را از این منظر هم نگاه کنید. ما وقتی سیاست‌های انگلیس و روس را در قبال کشور خودمان بررسی می‌کنیم، از ۱۸۰۰ میلادی به بعد متوجه می‌شویم که این‌ها بنایشان نابودی ایران است. تا امروز هم همین حرف‌ها را می‌زنند.

این استاد دانشگاه عامل اصلی تجاوز به ایران را همسایگی ایران با هند دانست و گفت: سال ۱۸۰۰ میلادی انگلیسی‌ها هند را گرفته بودند و هند شده بود منازعه بین المللی که هر کس هند را می‌گرفت، آقای جهان می‌شد. امپراطوری بریتانیا اصلاً با اشغال هند شکل‌گرفت و امپراطوری‌ای شد که آفتاب در سرزمین‌هایش غروب نمی‌کند. هند خیلی اهمیت پیدا کرد. ما را هم به واسطه

اینکه همسایه هند بودیم، در این مناقشه وارد کردند. ما شدیم موضوع درگیری که انگلیسی‌ها با فرانسوی‌ها داشتند، فرانسه با انگلیس داشت، روس‌ها با این‌ها داشتند و آلمانی‌ها و... وارد معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی‌ای شدیم که رجال ما خیلی با آن آشنا نبودند. اگر هم آشنا بودند، متأسفانه نفوذی که در کشور ما صورت گرفت، همه زمینه‌ها را برای دخالت آن‌ها فراهم کرد.

در اسنادی که انگلیسی‌ها منتشر کردند با صراحت می‌گویند که اگر هند نبود، ما به این کشور عقب‌مانده و این مردم وحشی هیچ کاری نداشتیم. این را رسماً می‌گویند. در منابعشان وجود دارد؛ یعنی به خاطر هند به ما توجه می‌کنند. چون دسترسی به هند از ایران خیلی آسان است. روس‌ها می‌خواهند هند را بگیرد، بنایشان این است که در ایران دخالت بکنند، در ایران نفوذ داشته باشند. انگلیسی‌ها می‌خواهند مانع از هجوم به هند بشوند، بنابراین انگیزه پیدا می‌کنند در ایران حضور داشته باشند و این در دسره‌های زیادی برای ما تولید می‌کند.

حقانی علت جدانشدن قفقاز و هرات از ایران و بسیاری از اتفاقات دیگر را همسایگی با هند دانست و گفت: اگر قفقاز را از ما جدا کردند، برمی‌گردد به همین نگاه و همین سیاست. اگر هرات را از ما گرفتند، برمی‌گردد به همین سیاست. اگر امیر کبیر را کشتند، برمی‌گردد به همین سیاست. اگر نگذاشتند ما جاده بکشیم، برمی‌گردد به همین سیاست. اگر نگذاشتند ما روی کارون سد بزنیم، برمی‌گردد به همین سیاست.

حقانی ادامه داد: طرح و کتابچه‌اش الان موجود است؛ زمان ناصرالدین شاه ایران می‌خواست در خوزستان روی کارون سد بزند که انگلیسی‌ها مانع شدند. می‌خواستیم جاده بکشیم انگلیسی‌ها مانع شدند. این‌ور می‌خواستیم جاده بکشیم، راه آهن بکشیم بین رشت و انزلی که روس‌ها مانع شدند. آنقدر وضع خراب شد که ناصرالدین شاه آن جمله معروف را گفت که مرده‌شور مملکتی را ببرد که شاهش می‌خواهد جنوب برود، باید از انگلیسی‌ها اجازه بگیرد. می‌خواهد شمال برود باید از روس‌ها اجازه بگیرد. یک همچنین فشاری این‌ها به ایران آوردند. بنایشان نابودی ایران است. برای این هم سند داریم. انگلیسی‌ها یک سفیری به نام سرگور اوزلی به ایران می‌فرستند. شاید بشود گفت مخرب‌ترین نقشی را در تاریخ ایران ایفا کرد. سرگور اوزلی از سال ۱۲۲۴ قمری وارد ایران می‌شود؛ کسی که ما را پای میز مذاکره با روس‌ها کشاند. زمانی که کشورمان اشغال شد، ما را مجبور کرد آتش‌بس را بپذیریم و بعد قرارداد گلستان را امضا بکنیم. این آدم بود که یک توصیه‌ای به وزارت خارجه‌شان می‌نویسد که برای صیانت از هندوستان می‌بایستی ایران در وحشت و بربریت نگه داشته شود. حقانی سیاست اصلی روس‌ها و انگلیس‌ها را نفوذ



موسی حقانی با مرور اتفاقات ناگوار تاریخ ایران به سیاست همیشه در جریان روس‌ها و انگلیس‌ها برای نگه داشتن ایران در وحوش و بربریت صحنه گذاشت. او در این باره گفت: جنگ‌های دهه ساله اول و سه سال و نیم دوره دوم روس‌ها با تحریک انگلیسی‌ها به ما تحمیل می‌شود که خیلی به ما آسیب می‌زند. سه بار سر هرات می‌جنگیم. در نهایت، هرات را از ما می‌گیرند. در سیستان و بلوچستان، هشت هزار کیلومتر را باز از ایران جدا می‌کنند. از مساحت پانزده هزار کیلومتری، تقریباً هفت هزار کیلومتر برای ما می‌ماند. هشت هزار کیلومتر را منضم به هند می‌کنند که الان جزو پاکستان است. اتفاق پشت اتفاق می‌افتد؛ تا ۱۹۰۷. تا یکی دو سال قبل از سال ۱۹۰۷، ما درگیر مشروطه هستیم. جناح‌های مختلف با هم درگیری دارند و با هم می‌جنگند. انگلیسی‌ها و روس‌ها نهایت استفاده را از این مقطع درگیری داخلی ما می‌کنند. انگلیسی‌ها می‌آیند در جزایر خلیج فارس مستقر می‌شوند و زمینه جدایی بحرین و خیلی از جزایر دیگر که این‌ها آدم داخلش پیاده کرده بودند، از همین مقطع فراهم می‌شود. حقانی با مرور تاریخ، به دوره‌ای اشاره می‌کند که دو قدرت جهانی تصمیم می‌گیرند با یکدیگر رفاقت کنند. او درباره این برهه از تاریخ می‌گوید: دو قدرت که همدیگر را نمی‌توانند هضم بکنند، به این نتیجه می‌رسند که باید با هم سازش کنند. دوره رقابت تبدیل می‌شود به دوره رفاقت. قراردادی بسته می‌شود بنام قرارداد ۱۹۰۷. براساس قرارداد ۱۹۰۷، ایران به سه قسمت تقسیم می‌شود: جنوب و عمده جنوب و شرق ایران به انگلیس‌ها تعلق می‌گرفت، شمال و شمال غربی ایران به روس‌ها تعلق می‌گرفت و یک باریکه از قزوین تا ساوه برای دولت مرکزی ایران می‌ماند. این اتفاقات در آستانه مشروطه است و همراه می‌شود با حمایت ظاهری انگلیسی‌ها از بعضی مشروطه‌خواهان که مشروطه‌خواه هم نبوده و

و نابود کردن و از بین بردن ایران دانست و توضیح داد: سندهای رسمی وزارت خارجه انگلیس می‌گوید برای صیانت از منافع ما در هندوستان، ایران باید در وحوش و بربریت نگه داشته شود. حالا آن بخش‌هایی که اصلاً منتشر نشده است بماند. این فقط یک کاغذ نبود که بین سفیرشان و وزارت خارجه‌شان رد و بدل شد. این مبنای سیاستشان در ایران شد. روس‌ها هم همین‌طور، روس‌ها می‌خواهند در ایران نفوذ پیدا کنند، می‌خواهند به هند برسند. قفقاز را می‌خواهند. بنابراین یک دولت قدرتمند در ایران مدنظرشان نیست که هیچ حتی نفوذ و نابود کردن و از بین بردن دستور کارشان قرار می‌گیرد.

رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ ایران ادامه داد: ما بین این دو تا سنگ آسیاب قرار می‌گیریم و بارها کشورمان تا مرز نابودی رفت. این‌ها یک مقطع با هم رقابت دارند، ما خانه‌مان خراب می‌شود. یک وقتی با هم رفاقت دارند، باز ما خانه‌مان خراب می‌شود و آسایش به ملت ایران می‌رسد. وقتی این‌ها می‌خواهند در این منطقه عمل بکنند، الان هم مبنایشان این است که یک کشور قدرتمند را تحمل نمی‌کنند. ایران یک کشور قدرتمند بود. در ابتدای دوره قاجار، آقامحمدخان قاجار با همه سیئاتی که درباره‌اش نقل می‌شود، درصد این بود که ایران را دوباره قدرتمند بکند. آقا محمدخان در آستانه فتح قلعه شوشا کشته شد. توانسته به ایران یک انسجامی بدهد. به قفقاز و جاهایی که به نحوی از فرمان دولت مرکزی ایران سرپیچی می‌کنند رفته است. می‌خواهد آن‌ها را تحت فرمان در بیاورد. این اتفاق مهمی بود. کمی قبل‌تر از این شما می‌بینید که نادر می‌رود و هند را می‌گیرد. بنابراین ایران هم این پتانسیل و ظرفیت را دارد که برای این‌ها در منطقه در دسر ایجاد بکند. اینجا مبنای این‌ها این می‌شود که ما باید جلوی ایران را بگیریم. ایران باید در وحوش و بربریت نگه داشته شود.





وقتی روس‌ها به‌خاطر مسائل داخلی انقلاب کومونیستی از میدان موقتاً خارج شدند، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند ایران را کامل ببلعند. قرارداد ۱۹۱۹ با دولت وثوق‌الدوله منعقد شد که در آن قرارداد، ایران مستعمره می‌شد. قرارداد، در سال ۱۹۱۹ است و قحطی در سال ۱۹۱۷. آن‌گونه ورود انگلستان به ایران و اشغال ایران تعمیدی بود. برای نابودی بود. این‌ها قرارداد هم بسته بودند که ایران را نابود کنند

محمدرضا همیشه از انگلیسی‌ها ترس داشت. نگران بود. انگلیسی‌ها هیچ چیز هم نمی‌دادند. به نظر من این مسئله باید در سیاست خارجی امروز ما مورد واکاوی قرار بگیرد. چون عده‌ای فکر می‌کنند اگر با غربی‌ها، به اصطلاح مناسبات خوب برقرار کنیم، آن‌ها ما را می‌پذیرند و با ما خوب رفتار می‌کنند. آن‌ها هیچ موقع این کار را نمی‌کنند. مبنای آن‌ها نابودی ایران است. همین الان می‌گویند پنج ایران کوچک بهتر از یک ایران بزرگ است

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

قرارداد، در سال ۱۹۱۹ است و قحطی در سال ۱۹۱۷. به نظر بنده اصلاً آن‌گونه ورود انگلستان به ایران و اشغال ایران تعمیدی بود. برای نابودی بود. این‌ها قرارداد هم بسته بودند که ایران را نابود کنند و گرنه بدیهی است وقتی وارد یک کشور می‌شوید حداقل برای نیروهای خودتان آذوقه بیاورید. نیاورند، چون بنای انگلستان این بود که ایران را تقسیم کنند یا بعد از ۱۹۱۷ ایران را به طرو کامل ببلعند. خب ایران با یک جمعیت کم با انگلیس مواجه بشود بهتر است یا با یک جمعیت چهارده، هفده یا ۲۳ میلیونی. تعمد این قحطی را به ما تحمیل کردند. کشتار، کشتاری گسترده است. تعمد در کار بود. تعمد هم از این حیث که آن‌ها می‌خواهند اصلاً ایرانی نباشد. شما الان ببینید یک ایران قدرتمند در منطقه چه قدر برنامه‌های این‌ها را به هم زده است. شما ببینید از سال ۱۳۵۷ تا امروز، ما تمام برنامه‌های غرب و استکبار جهانی را در این منطقه به هم زدیم و آن‌ها ایران قدرتمند را نمی‌پذیرند. آن موقع هم نمی‌پذیرفتند. دوره محمدرضا پهلوی هم نمی‌پذیرفتند. محمدرضا همیشه از انگلیسی‌ها می‌ترسید. در خاطراتی افراد مرتبط با محمدرضا پهلوی بخوانید. محمدرضا همیشه از انگلیسی‌ها ترس داشت. نگران بود. انگلیسی‌ها هیچ چیز هم نمی‌دادند. به نظر من این مسئله باید در سیاست خارجی امروز ما مورد واکاوی قرار بگیرد. چون عده‌ای فکر می‌کنند اگر با غربی‌ها، به اصطلاح مناسبات خوب برقرار کنیم، آن‌ها ما را می‌پذیرند و با ما خوب رفتار می‌کنند. آن‌ها هیچ موقع این کار را نمی‌کنند. مبنای آن‌ها نابودی ایران است. همین الان می‌گویند پنج ایران کوچک بهتر از یک ایران بزرگ است. با برنامه‌ریزی گسترده، تجزیه ایران به پنج قسمت را البته در خواب و خیال خودشان می‌بینند. سیستان و بلوچستان، عربستان یا به قول خودشان خوزستان، کردستان و آذربایجان. کار دارند می‌کنند. این اتفاقاتی که همین الان در کشور ما می‌افتد و در یک مسابقه فوتبال یک‌دفعه یک عده می‌آیند شعار تجزیه طلبانه سر می‌دهند، فکر نکنید این‌ها جوان هستند، احساساتی هستند، ناراحت هستند؛ نه! این سیاست پشتش است. بعضی از کشورهای منطقه پشتش هستند. آمریکایی‌ها با جدیت، انگلیسی‌ها با جدیت گفتند باید مسائل قومی را در ایران تشدید کرده و اقوام را تحریک بکنیم؛ و رویش سرمایه‌گذاری می‌کنند. بعضی‌ها قبول نمی‌کنند. اگر شما یک پایه‌ای برای جمعیت ایران بپذیرید، بپذیرید ده میلیون نفر بودیم، همه منابع می‌گویند یک سوم جمعیت ایران کشته شدند. در جنگی که اصلاً به ما مربوط نبود بیش از سه میلیون نفر کشته دادیم، هیچ بهره‌ای از آن نبردیم. فقط آسایش برای ما ماند. تا الان هم بسیاری از مشکلات ما برمی‌گردد، به همین تحمیلاتی که این‌ها به ما داشتند.

یک سری ساختار شکن بودند که می‌خواستند ساختار کشور را به هم بزنند که موفق هم شدند. انگلیسی‌ها هم نهایت بهره را بردند. البته همه مشروطه خواهان این‌طور نبودند؛ آن جناحی که انگلیسی‌ها پشت آن‌ها ایستاده بودند امثال تقی‌زاده و این‌ها را عرض می‌کنم.

این استاد دانشگاه پس از بیان دوران رفافت روس‌ها و انگلیس‌ها به جنگ جهانی اول اشاره کرد. او در این باره گفت: خب یک چند سالی این تقسیم دوام می‌آورد. ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول شروع می‌شود. ۱۹۱۵ قرارداد دبی بین این‌ها منعقد می‌شود. براساس آن قرارداد، ایران کلاً بین دو تا کشور و دو تا قدرت تقسیم می‌شود. یعنی قزوین تا ساوه را بین خودشان تقسیم می‌کنند. قرار بود در پایان جنگ جهانی اول، اصلاً ایرانی وجود نداشته باشد. این از الطاف الهی بود. از عنایات اهل بیت به کشور ما بود. از ایستادگی و پایداری این مردم و رهبرانی که مردم را به صحنه می‌کشاندند بود. ایلات و عشایر قوی‌ای که داشتیم و مردانه از کشور دفاع کردند. یک اتفاق بین‌المللی نیز به ما کمک کرد؛ فروپاشی امپراطوری تزاری و نتوانستند آن تقسیم نهایی را انجام بدهند. بنابراین هر دو دولت و هر دو قدرت بنایشان نابودی ایران بود که در سال ۱۹۱۵ قراردادش را باهمدیگر بستند.

حقانی حذف روس‌ها را به‌خاطر انقلاب کمونیستی از صحنه قدرت، فضایی مناسب برای بلعیده شدن ایران توسط انگلیس دانسته و با این استدلال مسبب تمام اتفاقات بعد از فروپاشی امپراطوری تزاری در ایران را دولت خبیث انگلیس معرفی می‌کند. حقانی گفت: وقتی روس‌ها به‌خاطر مسائل داخلی انقلاب کومونیستی از میدان موقتاً خارج شدند، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند ایران را کامل ببلعند. قرارداد ۱۹۱۹ با دولت وثوق‌الدوله منعقد شد که در آن قرارداد، ایران مستعمره می‌شد.

گزیده‌ای از اخبار بازار نشر در ماه گذشته

خط اخبار

۱۵

خط اخبار
خبر



کتاب‌های خبرساز

«کتاب لحظه‌های/انقلاب روایت‌های محمود گلابدreh‌ای از مبارزات مردمی انقلاب اسلامی کتابی است که در هفته دوم دی‌ماه توانست در میان پرفروش‌ها قرار بگیرد.

«مجموعه کتاب‌های روزهای/انقلاب که شامل آثاری داستانی هستند درباره روزهای منجر به پیروزی انقلاب اسلامی است، با حضور نویسندگان و کارشناسان ادبی نقد و بررسی شد.

«کتاب سرزمین آرزوها نوشته مرتضی عبدالوهابی توسط انتشارات بوستان کتاب به چاپ دوم رسید.

«روایتی کامل از زندگی شهید محمد بروجرودی به قلم نصرت‌الله محمودزاده از سوی انتشارات روایت فتح در کتاب محمد، مسیح کردستان منتشر شد.

«کتاب حوزه ادبیات داستانی در ماه دی بیشترین سهم فروش کتاب‌فروشی ترنجستان فروش را به خود اختصاص دادند.

«کتاب فراز و فرود فکر فلسفی نوشته غلامحسین ابراهیمی دینانی توسط انتشارات حکمت و فلسفه ایران منتشر شد.

«نخستین کتاب آموزش روخوانی قرآن اثر فرهاد فلاح به زبان پرتغالی با عنوان *Recitação do alcorão* در برزیل منتشر شد.

«کتاب دختران مهتاب و پسران آفتاب (آسیب‌شناسی دوستی‌های دختران و پسران) توسط مؤسسه بوستان کتاب منتشر شد.



«شانزده سال تازه‌ترین رمان تاریخی منیژه آرمین توسط سوره مهر منتشر شد.

«کتاب/تایم که به فرجام‌شناسی جریان‌های تاریخی می‌پردازد، در کمتر از یک سال به چاپ چهارم رسید.

انقلابی، به ظرفیت‌های قالب‌های دیگر توجه داشته باشند و حتی به فکر خلق قالب‌های جدید باشند.

رضا امیرخانی گفت: چگونه می‌توانم از امام رضا (ع) داستان بنویسم و چگونه وارد درونیات این امام شوم و خود را جای ایشان بگذارم و بنویسم.

غلامرضا شجاع، نماینده مصرف‌کنندگان کاغذ کشور گفت: اکنون کاغذ دارای آرامش نسبی است و دولت می‌خواهد این آرامش را بر هم بزند. اگر دولت بخواهد لجبازی کند و این افزایش تعرفه را ادامه دهد، به طور قطع قول می‌دهیم که تولید داخلی را تحریم می‌کنیم.

احمد شاکری، نویسنده و منتقد، در خصوص چرایی عدم اقتباس از آثار ادبی در سینمای ایران گفت: ادبیات ما از انتظارات سینما اطلاع علمی ندارد و روایت سینما را به خوبی نمی‌شناسد.

نویسندهٔ رمان به سپیدی یک رویا از انتشار چاپ دوم این کتاب خبر داد و گفت: اکنون مشغول نگارش یک رمان اجتماعی هستم.

مرتضی سرهنگی گفت: امروز با نسل تازه‌ای از نویسندگان جنگ تحمیلی روبه‌رو می‌شویم و اگر بگویم پیش‌تازان این نسل، بانوان هستند، مبالغه نکرده‌ام. در واقع خاطرات جنگ برخی استان‌ها، به خانم‌ها سپرده شده است.

شفیعی کدکنی استاد دانشگاه گفت: معتقدم امروزه فرزندان سنایی و مولانا و فردوسی و سعدی و حافظ و نظامی و خیام، قطعاً وارث نبوغ نیاکان خود هستند و ناامید نیستیم از اینکه در عصر حاضر و در آینده نیز شاعران و نویسندگان ممتاز و بزرگی در قلمرو زبان فارسی دری ظهور کنند.

ایمان نوروزی نویسندهٔ کتاب/انقلاب/کرامت در بحرین، گفت: سقوط آل خلیفه، اوضاع منطقه را متحول خواهد کرد و سقوط دیگر حکومت‌های ظالم دیگر را رقم خواهد زد.

کمره‌ای، پژوهشگر تاریخ گفت: اگر بخواهیم برای آثار بهبودی نقطهٔ اوجی را متصور باشیم یقیناً نقطهٔ اوج کتاب شرح/سم است و این کتاب تابلوی تمام‌قد ادبیات بهبودی است.

نویسندهٔ مجموعه داستانی جشن همگانی گفت: رمان سه‌کاهن که به نوجوانی پیامبر اسلام (ص) اشاره دارد، از سوی نشر علمی و فرهنگی روانهٔ بازار کتاب شد.

غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به مناسبت درگذشت جمشید گیوناوشولی ایرانشناس و استاد زبان فارسی پیام تسلیت داد.

حمیدرضا شاکرسری گفت: امروزه وضعیت نقد شعر انقلاب به سامان‌تر به نسبت سه دههٔ گذشته است، هر

هیچ‌ان‌جان تازه‌ترین مجموعه شعر صالح محمد خلیق شاعر توانمند و شهیر افغانستان منتشر شد.

کتاب نیمهٔ پنهان ماه ۲۶؛ رستگار به روایت همسر شهید از سوی انتشارات روایت فتح روانهٔ بازار کتاب شد.

گلستان یازدهم نوشتهٔ بهناز ضرابی‌زاده نویسندهٔ کتاب دختر شینا در میان پرفروش‌های هفتهٔ دوم بهمن‌ماه قرار گرفت.

کتاب پرنده، پسرک، قطار اثر احمد رضا احمدی از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

چاپ دوم کتاب ترجمه و شرح رجزهای عاشورا مشتمل بر شعارها و پیام‌های حماسی و شورانگیز شهیدان دشت نینوا تألیف ابوالسحن ربانی تبار، از سوی نشر سیط اکبر روانهٔ بازار کتاب شد.

کتاب نسیم سبز خاطره‌ها که از سوی انتشارات سورة مهر به چاپ رسیده، دربردارندهٔ معرفی اجمالی از تعدادی از کتاب‌های شاخص حوزهٔ ادبیات دفاع مقدس به همراه تقریظ‌های مقام معظم رهبری بر این آثار است. این اثر به تازگی از سوی یک گروه خودجوش مردمی به زبان عربی برگردانده شده است.



جستارهایی در پلاسکو کتابی است که به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر و به شهدای آتش نشان که در حادثهٔ دلخراش آتش سوزی ساختمان تجاری پلاسکو جان باختند، تقدیم شد.



شخصیت‌های خبر ساز

آیت‌الله عبادی، نمایندهٔ ولی فقیه در خراسان جنوبی گفت: جهاد فرهنگی نذر کتاب ابتکاری جدید و اثر بخش در راستای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی است. وحید جلیلی از شاعران خواست تا برای مضامین



برگزیده این جشنواره پرداخته و به صورت جداگانه از اعتبارات خود برای یک روستای برگزیده تسهیلاتی در نظر گرفته است.

شهریار زرشناس جدیدترین کتاب خود با عنوان *این سه لیبرالیست* با موضوع نقد آرای ریچارد رورتی، فردریش فومن هایک و میلتون فریدمن منتشر کرد.



ناشران خبرساز

مدیر انتشارات جمال از ترجمه کتاب *خدا/یا/ اجازه* خبر داد و گفت: این کتاب هم اکنون به زبان عربی و انگلیسی ترجمه شده و ترجمه انگلیسی آن به زودی در کالیفرنیا منتشر می شود.

به نشر کتاب *قلب سالم* را که باید و نبایدهایی در مورد قلب، درمان و بیماری های قلبی است، منتشر کرد.

مدیرعامل به نشر از استقبال پرشور مردمی از برترین های به نشر در طرح «تابستانه کتاب» خبر داد.

نشر آرما کتاب *فانوس دریایی* نوشته مریم بصیری را درباره شهادت نیروی دریایی منتشر کرد.

انتشارات دارالحديث، کتاب *يك بهار از بهشت* می چینم را منتشر کرد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کتاب *قلم و تاج* نوشته ابراهیم حسن بیگی را برای نوجوانان منتشر کرد.



سوره مهر الکترونیک نسخه الکترونیکی کتاب *گلستان یازدهم* اثر بهناز ضرابی زاده را منتشر کرد.

انتشارات ترجمان علوم انسانی کتاب *فلسفه به وقت سه صبح* شامل مصاحبه های فلسفی با برخی از فلاسفه معاصر را روانه بازار کتاب کرد.

نشر سدید کتاب *اقتصاد مقاومتی و دفاع مقدس* را که به بررسی تجربه دفاع مقدس و آموزه های آن در اقتصاد مقاومتی می پردازد را منتشر کرد.

چند جای کار بسیار داریم.



اسماعیل امینی، شاعر، گفت: برای حل مشکل کتابخوانی، در وهله اول باید تمام حمایت های دولتی از کتاب و همچنین امتیاز کتاب نوشتن از نظام اداری برداشته شود.

هومان حسن پور؛ مدیر کمیته ناشران داخلی، داود موسایی؛ مدیر کمیته ناشران خارجی، یحیی دهقانی؛ مدیر کمیته علمی و فرهنگی، علی اکبر تورانیان؛ مدیر کمیته اطلاع رسانی، محمد مهدی داودی پور؛ مدیر کمیته تبلیغات، حسین صفری؛ مدیر کمیته اجرایی و رفاهی، محسن نصرالله؛ مدیر کمیته پشتیبانی انتخاب شدند.

مدیر انتشارات فیض کاشانی به سوگ مادر نشست. محسن بیگی، مدیر اجرایی انتشارات فصل پنجم گفت: در حال جمع آوری مجموعه اشعار شاعران برای حادثه پلاسکو هستیم، که این کتاب بعد از انتشار به صورت رایگان در اختیار علاقه مندان حوزه ادبیات قرار خواهد گرفت.

نویسنده جشن باغ صدری گفت: به نویسندگانی که در زمینه اجتماعی می نویسند، پیشنهاد می کنم برای تجربه هم که شده سری به تاریخ بزنند چرا که در این وسیعی پر از سوژه های بکر و دست نخورده است.

مهناز فتاحی گفت: بزودی طی یک مراسم رسمی که با حضور مسئولان همراه خواهد بود، در شهر کرمانشاه از کتاب جدید رونمایی خواهد شد.

محسن پرویز گفت: رخدادهای اجتماعی تأثیرگذار و بزرگ نظیر انقلاب یا وقایعی نظیر جنگ های بزرگ، خواه ناخواه در حوزه های مختلف فرهنگی اجتماعی تأثیرگذارند و طبیعتاً همه آحاد جامعه مخاطب این رخدادهای هستند.

اسماعیل جانعلی پور عضو شورای برنامه ریزی جشنواره های «انتخاب پایتخت کتاب ایران» و «روستاهای و عشایر دوستدار کتاب»، گفت: از اولین دوره این جشنواره تا امروز، که در آستانه سومین دوره آن هستیم، نهاد از جمله سازمان های همکار جدی این برنامه بوده است. نهاد به طور جدی به دو روستای

فرهنگ و اندیشه اسلامی از پنج اثر برگزیده گروه‌های علمی پژوهشگاه رونمایی شد.



◀ مراسم رونمایی از کتاب *گلستان یازدهم* در تالار مهر حوزه هنری برگزار شد.

◀ نشست هم‌اندیشی جمعی از داستان‌نویسان، رمان‌نویسان، نویسندگان و شاعران مطرح و برتر کشور روز پنجشنبه به میزبانی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) در جوار بارگاه منور و مطهر حضرت رضا (علیه السلام) برگزار شد.

◀ دبیر شانزدهمین دوره جایزه شهید غنی‌پور از برگزاری اختتامیه این دوره در روز نهم اسفندماه خبر داد.

◀ مراسم رونمایی از کتاب *بحران جمعیت در ایران (ریشه‌ها، پیامدها و راه‌های مقابله)*، تألیف فرشته روح‌افزا در دانشکده رسانه خبرگزاری فارس با حضور نویسنده، کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی اجتماعی امور زنان، صالح قاسمی نویسنده کتاب جنگ جهانی جمعیت و نویسنده برگزار شد.

◀ به‌مناسبت روز جهانی عصای سفید و روز نابینایان، مدیر کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران از کتابداران نابینای استان تهران تجلیل کرد.

◀ اولین نشست از سلسله نشست‌های «کتاب‌نوش» با حضور آیت‌الله حائری شیرازی و صادق کریمیار، سه‌شنبه سیزدهم مهرماه مصادف با دوم ماه محرم برگزار شد. «کتاب‌نوش» مجموعه نشست‌هایی است که به‌همت دفتر همایش‌ها و نشست‌های کانون اندیشه جوان، با همکاری مرکز تبادل کتاب برگزار می‌گردد.

◀ ستاد اقامه نماز، مسابقه سراسری کتاب‌خوانی نماز، ویژه گروه سنی ۱۵ سال به بالا را برگزار می‌کند.

◀ طی نشست مشترک رئیس و مستولان حوزه هنری با نمایندگان مؤسسه ترجمه کره جنوبی، تفاهم‌نامه همکاری بین این دو نهاد فرهنگی و هنری امضا شد.

◀ نشر آرما کتاب غزه / بازگشت می‌نویسد مجموعه داستان‌هایی درباره غزه را با ترجمه امیرحسین حیدری منتشر کرد.

◀ انتشارات علمی و فرهنگی رمان کتاب زندگی اثر مصطفی جمشیدی را روانه بازار کتاب کرد.

◀ انتشارات فصل پنجم به تازگی تعدادی کتاب شعر جدید چه در حوزه تألیف و چه در حوزه ترجمه وارد بازار نشر کرده است.

◀ انتشارات قدیانی مجموعه ده جلدی قصه‌هایی از بانو فاطمه (علیه السلام) به روایت حسین فتاحی با تصویرگری فرهاد جمشیدی را روانه بازار کتاب کرد.



اطلاعیه رخدادهای فرهنگی

◀ در دومین برنامه از برنامه‌های «اوج هنر» از هدایت‌الله بهبودی، نویسنده دفاع مقدس تجلیل شد. در آخرین جلسه هیئت مدیره انجمن قلم ایران، یوسف قوجق (نویسنده) به عنوان دبیر پانزدهمین دوره جشنواره قلم‌زین انتخاب شد.

◀ طبق آنچه دبیرخانه دومین دوره جشنواره خاتم اعلام کرده مهلت ارسال آثار به این دوره تا پایان اسفندماه تمدید شد.

◀ مراسم سی‌ویکمین سالگرد آزادی معصومه آباد، نگارنده کتاب *من زنده‌ام/برگزار شد*.

◀ نشست‌های ادبی «یک ماه، یک کتاب» از این پس با محوریت نقد و بررسی کتاب‌های شعر بانوان در حوزه هنری برگزار می‌شود.

◀ پیشنهاد انتخاب شهر دوستدار کتاب در میان استان‌های شرکت‌کننده در مرحله مقدماتی «پایتخت کتاب ایران» مورد بررسی شورای برنامه‌ریزی انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران قرار گرفته و تصویب شد.

◀ رئیس و مستولان حوزه هنری در دیدار با تولیت مسجد مقدس جمکران درباره همکاری‌های دوجانبه در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و هنری با موضوع فرهنگ مهدوی و انتظار، به گفت‌وگو نشستند.

◀ دبیرخانه هیئت انتخاب و خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای شرایط انتخاب و خرید کتاب‌های گویا را اعلام کرد.

◀ جلسه نقد و بررسی رمان *برج ۱۱۰*، آخرین اثر فیروز زنوزی جلالی در محفل انس برگزار شد.

◀ در حاشیه پنجاه و سومین هم‌اندیشی مدیران و پنجمین هم‌اندیشی اعضای هیئت علمی پژوهشگاه



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



کلام نور | پنج ویژگی خاندانی تطهیرشدنی ۲۰

گفت‌وگو با موسی حقانی | ترویج تفکر آمریکایی و غربی؛ سیاست نشر دوران پهلوی ۲۲

گفت‌وگو با قاسم تبریزی | فعالیت‌های اسلامی در حوزه نشر، زیرزمینی و مخفیانه بود ۲۷

میثم نبیلی | بازشناسی ماهیت طاغوت؛ نیازمند یک نهضت فرهنگی ۳۲

گفت‌وگو با محمدمهدی اسماعیلی | دانشجو تاریخ انقلاب را از زاویه دید و عینک دشمنان ما خوانده است ۳۳

گفت‌وگو با مرتضی احمد اخوندی | دیکتاتوری پهلوی، نشر را به سمت خودسانسوری سوق داده بود ۳۶

محمدعلی مرادیان | لزوم تبیین ابعاد مختلف رژیم پهلوی، برای مقابله با جریان تطهیر پهلوی‌ها ۳۹

گزارش | وزرا قبل از انقلاب در ازای وزارت، به شاه ماهانه پول می‌دادند ۴۱

سیدروح‌الله امین‌آبادی | این چهره، تطهیرشدنی نیست ۴۴

یادداشت | نمایندگان چگونه از صندوق دربار بیرون می‌آمدند؟ ۴۵

یادداشت | کلبه وحشتی به نام کمیته مشترک ۴۷

یادداشت | دلارهای بی حساب نفتی چگونه جیب مستشاران آمریکایی را پر می‌کرد؟ ۴۹

خصوصیات رژیم پهلوی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

پنج ویژگی خاندانی تطهیرنشدنی

هست که افراد می‌روند می‌بینند تعجب می‌کنند. یکی از کارها این بود، این‌ها با قدرت زور و استبداد و فشار بر مردم، حکومت خودشان را ادامه می‌دادند؛ و همین کسانی که امروز دم از حقوق بشر می‌زنند و این ادعاهای رسوا را مرتب، پی‌درپی تکرار می‌کنند، با همه وجود طرفدار این‌ها بودند؛ نمی‌شود هم گفت خبر نداشتند، چرا! دستگاه جهنمی ساواک را خود صهیونیست‌ها و خود آمریکایی‌ها و سیای آمریکا به وجود آورده بودند، روش‌ها را آن‌ها به‌شان یاد داده بودند، چطور ممکن بود خبر نداشته باشند. حالا که اخیراً معلوم شد خود این‌ها هم دچار یک چنین مشکلات عظیمی هستند؛ این افشاگری‌هایی که در این اواخر انجام گرفت نسبت به رفتار سازمان‌های جاسوسی آمریکا با مخالفین و معاندین، این‌ها کجا، سخن از آزادی بیان و لیبرالیسم و دموکراسی و اعتنای به حرف مردم کجا! اصلاً عالم عجیبی است! در کشور ما، آن رژیم خبیث، یکی از خصوصیاتش این بود: شدت عمل، قساوت کامل نسبت به هر کسی که اندک اعتراضی به آن‌ها داشت و آن‌ها از آن مطلع می‌شدند.

خصوصیت دوم: وابستگی ذلت‌آمیز به قدرت‌های خارجی و تحقیر ملت ایران

خصوصیت دوم، وابستگی ذلت‌آمیزی بود که این‌ها به قدرت‌های خارجی داشتند. حالا در این کتاب‌هایی که برای تبرئه و بی‌گناه نشان دادن رژیم خبیث پهلوی

این رژیمی که ملت با آن گلاویز شد، چه بود؟ چه کسی بود؟ این خیلی مهم است. چند خصوصیت را من عرض می‌کنم؛ چون عرض کردم امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی می‌کنند چهره خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌رودترین عناصر حُکام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند:

خصوصیت اول: دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم

یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. در اینجا خود ما از نزدیک مشاهده کردیم که چه می‌کردند و چه رفتاری داشتند با آحاد مردم؛ هم در دوران رضاخان که گذشتگان ما، بزرگترهای ما آن را دیده بودند و برای ما نقل کردند، هم در دوران اخیر، که خود ما، آحاد مردم، در میدان بودیم. جوان‌ها البته آن دوران را ندیدند. حرف‌های فراوان و موثق [وجود دارد] از آنچه این‌ها با مردم، با مبارزین و با کسانی که انتقاد داشتند، ولو انتقادهای اندک داشتند، انجام می‌دادند؛ رفتارهایی که این‌ها می‌کردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریب جسمی و روحی، آن زندان‌های مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آن‌ها

”امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی می‌کنند چهره خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌رودترین عناصر حُکام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند

طاغوت بی‌اعتنائی به مردم بود؛ مردم به هیچ قیمت به حساب نمی‌آمدند. ما در دوران عمرمان، در دوران جوانی در رژیم گذشته، یک بار هم نه در انتخاباتی شرکت کرده بودیم، نه از مردم کوچه و بازار معمولی می‌شنیدیم که شرکت کنند؛ انتخاباتی وجود نداشت. در یک برهه‌ای خیلی صریح، در یک برهه‌ای کمتر صریح، دخالت‌های آن‌ها بود؛ یک مشت مزدور را می‌بردند، می‌نشانند آنجا و به وسیله آن‌ها در مجلس شورا و مجلس سنا کار خودشان را انجام می‌دادند. مردم اصلاً نمی‌دانستند چه کسی در رأس کار است؛ اصلاً رابطه بین مردم و حکومت قطع بود. آگاهی مردم، اطلاع مردم از مسائل کشور، از مسائل سیاسی که شما امروز می‌بینید، این درست نقطه مقابل آن چیزی است که آن روز وجود داشت؛ رژیم خبیث به کل منقطع بود با آحاد مردم.

خصوصیت پنجم: ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگ‌نمایی غربی

بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگ‌نمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی مدتی که برای مردم به وجود می‌آید، به آسانی از بین نمی‌رود. این‌ها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگ‌نمایی کردند؛ یک رژیم هفت‌جوش خبیث جامع همه بدی‌ها. خب، مردم هم احساس می‌کردند؛ ملت ایران ملت باهوشی است، حقایق را می‌فهمند، احساس می‌کنند، منتها یک دستی لازم است، یک صدای رسایی لازم است، یک دل مؤمنی لازم است که دیگران را وارد به میدان مبارزه کند؛ مبارزات گوشه و کنار بود، اینکه مردم بیایند وارد میدان بشوند، این کار یک مرد الهی بود که خدای متعال این مرد الهی را به مردم داد؛ امام بزرگوار ما همان فریادی شد که همه خواسته‌های مردم را در خود جمع داشت؛ مردم هم پاسخ گفتند، اجابت کردند، جان دادند، فداکاری کردند، وارد میدان شدند؛ ملت با چنین رژیمی گلاویز شد و پیروز شد.

می‌نویسند، این را منکر می‌شوند، که [البته] قابل انکار نیست. رضاخان به دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها هم رفت؛ به مجرد اینکه انگلیسی‌ها پیغام دادند که باید برود، بعد از هفده هجده سال سلطنت، ناچار [رفت]؛ یعنی پشتیبان دیگری نداشت؛ آن‌ها او را آورده بودند، حالا هم لازم می‌دانستند او برود، رفت؛ به دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها رفت. بعد هم که محمدرضا را انگلیسی‌ها سر کار آوردند تا آخر دهه ۲۰، از اوایل دهه ۳۰ آمریکایی‌ها وارد میدان شدند، همه امور را قبضه کردند و در اختیار گرفتند؛ سیاست‌ها سیاست‌های آمریکا [بود]؛ آنچه منافع آمریکا ایجاب می‌کند، چه در رفتار داخلی، چه در رفتار منطقه‌ای، چه در رفتار بین‌المللی؛ عیناً آنچه آن‌ها لازم می‌دانستند؛ یعنی یک تحقیر عظیم ملت ایران. این یکی از خصوصیات آن رژیم خبیث این بود. اینکه شما می‌بینید آمریکایی‌ها با چه لحنی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه می‌کنند؛ به خاطر این است. این‌ها یک چنین دورانی را گذرانده؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آن‌ها رفته است؛ لذا دشمنی آن‌ها با انقلاب تمام‌شدنی نیست.

خصوصیت سوم: گرفتاری در انواع فسادها

خصوصیت سوم این رژیم خبیث، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرد که مبتلا به تقریباً همه درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند این‌ها بود که دیگر حالا داستان‌هایش شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم می‌دانستند، اگر چه جرئت نمی‌کردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمی‌رفت، چیزهایی را می‌گفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متوسط که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر، در عالی‌ترین سطوح کشور. از طرف شخص محمدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خیانت‌آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست می‌کردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی به وسیله عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به وجود آمد و اتفاق افتاد. یکی از خواهرهای محمدرضا را در فرودگاه سوئیس با چمدان پر از هروئین، پلیس سوئیس دستگیر کرد؛ اخیر آن در همه دنیا پیچید، منتها زود ماستمالی کردند؛ خب مربوط به خودشان بود؛ قضیه را برطرف کردند، گره را باز کردند؛ یک چنین وضعیتی [بود].

خصوصیت چهارم: بی‌اعتنائی به مردم

بی‌اعتنائی به مردم؛ از جمله خصوصیات مهم رژیم

سیاست‌ها

سیاست‌های آمریکا
[بود]؛ آنچه منافع
آمریکا ایجاب
می‌کند، چه در رفتار
داخلی، چه در رفتار
منطقه‌ای، چه در
رفتار بین‌المللی؛
عیناً آنچه آن‌ها لازم
می‌دانستند؛ یعنی
یک تحقیر عظیم ملت
ایران

از طرف

شخص محمدرضا
و دوروبری‌هایش،
بالاترین فسادهای
مالی، بزرگترین
رشوه‌ها، بدترین
دست‌اندازی‌ها،
خیانت‌آلودترین
فشارها بر منابع مالی
ملت به وجود می‌آمد.
برای خودشان ثروت
درست می‌کردند به
قیمت فقیر کردن
مردم و بیچاره کردن
مردم

در رسانه‌ها ذائقه

مردم را به واردات
عادت دادند که این
عادت متأسفانه تا
امروز باقی است.
عادات طولانی مدتی
که برای مردم به وجود
می‌آید، به آسانی از بین
نمی‌رود

گفتگو با دکتر موسی حقانی درباره اوضاع و احوال نشر در دوران پهلوی

ترویج تفکر آمریکایی و غربی؛ سیاست نشر دوران پهلوی

سید علی سیدان

«رژیم پهلوی و شخص رضاخان با توجه به اینکه هیچ جایگاهی در نظام دیوان سالاری ایران قبل از کودتا نداشت و علاوه بر آن برجستگی خاصی هم از نظر خانوادگی نداشت لذا خیلی سعی کردند که برای این خاندان یک ریشه باستانی ایجاد کنند. اهداف اصلی ولی پشت پرده کودتا مبارزه با اسلام و تشیع بود و اینها نمی توانستند در دوره اسلامی این جای پا را پیدا کنند برای همین رفتند سراغ دوره باستان و شروع به جعل پیشینه ها کردند و آن موج باستان گرایی که در ایران پیدا شد. حتی در یک مورد یکی از اینها پیشینه رضاخان را به بهرام چوبینه رساند. اینها بخش هایی از صحبت های دکتر «موسی حقانی» کارشناس تاریخ و مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در گفتگو با «شیرازه» است که درباره اوضاع و احوال کلی حاکم بر فضای نشر در دوران پهلوی و فعالیت جریان های مخالف و موافق پهلوی و همچنین فعالیت کسانی که به دنبال تطهیر پهلوی ها بودند صورت گرفت. ادامه گفتگو در ادامه می آید.

بن بست ها و ناکارآمدی نظام سیاسی در دوران قاجار را بیان نمی کنند.

در کنار این، رژیم پهلوی و شخص رضاخان با توجه به اینکه هیچ جایگاهی در نظام دیوان سالاری ایران قبل از کودتا نداشت و علاوه بر آن برجستگی خاصی هم از نظر خانوادگی نداشت لذا خیلی سعی کردند که برای این خاندان یک ریشه باستانی ایجاد کنند. اهداف اصلی ولی پشت پرده کودتا مبارزه با اسلام و تشیع بود و این ها نمی توانستند در دوره اسلامی این جای پا را پیدا کنند؛ برای همین رفتند سراغ دوره باستان و شروع به جعل پیشینه ها کردند و آن موج باستان گرایی افراطی در ایران پیدا شد. حتی در یک مورد یکی از این ها پیشینه رضاخان را به بهرام چوبینه رساند.

وجه بعدی در نشر آن دوره، تبلیغات گسترده در مورد عملکرد پهلوی بود ولی ارتباط آن را با منافع ملی و فرهنگ ایرانی اسلامی روشن نمی کردند؛ چون آن ها ایران را از قبل، یک ویرانه نشان داده بودند. مثلاً بعد از اینکه در آن دوره شناسنامه دادند و نامود کردند که قبل از آن ایرانیان هیچ سند هویتی نداشتند، حال اینکه این گونه نبود و بعد از مشروطه تلاش هایی در این زمینه شده بود و بخشی از جامعه این اسناد هویتی را داشتند ولی هنوز عمومیت نیافته بود؛ یا آموزش عالی در کشور وجود داشت ولی با تبلیغات گسترده، تأسیس دانشگاه تهران و جمع کردن مؤسسات قبلی در این مرکز، به عنوان یک اقدام بسیار بزرگ تلقی شد و نمایش داده شد. راه آهنی

درباره تطهیر دوره پهلوی توسط بعضی از جریانات روشنفکری و به صورت ویژه درباره فعالیت بنگاه نشر و ترجمه صحبت بفرمایید. چه فعالیت هایی در آن دوره انجام می شد؟

تاریخ نگاری در دوره پهلوی با دو رویکرد جدی و اساسی کار خودش را شروع کرد. یکی سیاه نمایی درباره دوره های قبل و به ویژه دوره قاجار بود. چون به طور طبیعی تلاش زیادی کردند که قاجارها را از صحنه سیاسی حذف کنند. از لحاظ فرهنگی و تبلیغات، کارهای گسترده ای را شروع کردند که یکی از آن ها همین بحث تاریخ نگاری بود. این طور قلمداد کردند که ایران در دوره قاجار به انتهای دوره انحطاط و سقوط رسیده بود و اگر کودتا رخ نمی داد و رضاخان ظهور نمی کرد ایران تجزیه می شد و از بین می رفت. حتی بعضی از جنبش هایی که در آن دوره برای صیانت از استقلال کشور و بازگرداندن نظام سیاسی به مدار مشروطیت آغاز شد؛ نظیر حرکت های میرزا کوچک خان و شیخ محمد خیابانی؛ با عنوان حرکت های تجزیه طلبانه معرفی شدند. ولی بیشترین حجم فعالیت آن ها، درباره سیاه نمایی دوران قاجار و همچنین قهرمان سازی پهلوی و مخصوصاً شخص رضاخان بود و همچنین تغییراتی که در ایران در نتیجه عملکرد آن ها رخ داده بود. در این سیاه نمایی به هیچ وجه به نقش استعمار و گروه های روشنفکر هم سو با استعمار در عقب ماندگی ایران، اشاره ای نمی کنند و به دین و روحانیت هم تهاجم دارند. بنابراین هیچ وقت علل اصلی بن بست ها و ناکارآمدی نظام سیاسی در دوران قاجار را بیان نمی کنند

بیشترین حجم فعالیت تاریخ نگاری در دوره پهلوی، درباره سیاه نمایی دوران قاجار و همچنین قهرمان سازی پهلوی و مخصوصاً شخص رضاخان بود و همچنین تغییراتی که در ایران در نتیجه عملکرد آنها رخ داده بود. در این سیاه نمایی به هیچ وجه به نقش استعمار و گروه های روشنفکر هم سو با استعمار در عقب ماندگی ایران، اشاره ای نمی کنند و به دین و روحانیت هم تهاجم دارند. بنابراین هیچ وقت علل اصلی بن بست ها و ناکارآمدی نظام سیاسی در دوران قاجار را بیان نمی کنند



”هر چند بعضی از این آثار، کارهای خوب و قابل دفاعی هستند اما سیاست کلی این بود که تفکر باستان‌گرایی با چاپ این کتاب‌ها جنبه علمی به خودش بگیرد و در مراکز علمی هم این منابع در اختیار دانش‌پژوهان قرار بگیرد. در اصل یک جریان‌سازی بود که در کشور آغاز شد

این بود که تفکر باستان‌گرایی با چاپ این کتاب‌ها جنبه علمی به خودش بگیرد و در مراکز علمی هم این منابع در اختیار دانش‌پژوهان قرار بگیرد. در اصل یک جریان‌سازی بود که در کشور آغاز شد. بخش دیگر منابع غربی در حوزه‌های فکری و اقتصاد و روانشناسی و نظایر این‌ها است که این بنگاه آن‌ها را ترجمه و توزیع می‌کرد.

نظیر این بنگاه «مؤسسه فرانکلین» را داریم که ماجرای آن کمی پیچیده‌تر است. در فرانکلین آقای صنعتی‌زاده در رأس هیئت امنایی بود که برخی از مسئولین کشور عضو آن بودند. وی بابتی ازی بود و کاملاً در خدمت سازمان سیا و آمریکایی‌ها درآمد بود. جلال آل احمد در یک چاه و دوچاله رویکرد وی را به خوبی توضیح داده است.

در نهایت هم هدف نهایی، ترویج تفکر آمریکایی و غربی در ایران بود که با به خدمت گرفتن برخی روشنفکران آن دوران که به این هدف دل بسته بودند، گسترش پیدا کرد. فرانکلین بعدها با استفاده از یک رانت بزرگ دولتی به حوزه چاپ کتاب‌های درسی هم وارد شد. نشر آثار روشنفکران آن دوران به نحوی کمکی بود برای غربی کردن سبک زندگی مردم و این مؤسسه تعدادی از روشنفکران را در یک‌جا جمع کرده بود و برخی از قلم‌ها را نیز خریده بود.

«بنگاه نشر و ترجمه» با ریاست فرح پهلوی چه اهدافی را دنبال می‌کرد و چه فعالیت‌هایی داشت؟

این بنگاه مؤسسه‌ای سلطنتی بود که در سال ۱۳۳۳ با همکاری احسان یارشاطر و اسدالله علم تأسیس شد. تقی‌زاده، علم، بهبهانیان، یارشاطر اعضای هیئت مدیره

که از شمال به جنوب کشیده شد و از کنار هیچ یک از شهرهای بزرگ و مهم ایران رد نشد و در اصل یک راه‌آهن استراتژیک نظامی بود ستایش شد. اصلاً مطرح نشد که به چه درد ایران خورد و کدام گره را از مشکلات مردم ایران باز کرد. بحث دیگر ترویج غرب‌گرایی در ایران بود که در نشر آن دوره به چشم می‌آید.

منظورتان از نشر، دقیقاً چه آثاری است؟

بیشتر جنبه‌های مطبوعاتی مدنظر است و حرف‌هایی که در مطبوعات آن دوره می‌زدند و البته کتاب‌هایی هم منتشر می‌کردند. بعضی از ناشران خصوصی که در آن دوره فعالیت می‌کردند، این کتاب‌ها را منتشر می‌کردند. بخشی از آن‌ها در چاپخانه اطلاعات چاپ می‌شد و حمایت دولتی می‌شدند. دولت خودش دنبال چاپ و توزیع این‌ها بود. این نگاه هم در مطبوعات آن دوره بود و هم در منشورات آن. اسامی بعضی از ناشرینی که این آثار را منتشر می‌کردند با یک تحقیق ساده قابل احصاء است. نهادهایی هم که تأسیس شدند؛ مثل سازمان پرورش افکار و فرهنگستان؛ کار نشر را هم انجام می‌دادند.

بحث بعدی ترویج تفکر غربی و سبک زندگی غربی در ایران بود. مخصوصاً از طریق ترجمه که هم افکار اندیشمندان غربی و هم سبک زندگی غربی به ایرانیان منتقل شود. این امر از دوره پهلوی اول آغاز شد و در دوران پهلوی دوم به اوج رسید. «بنگاه نشر و ترجمه» یکی از همین مراکز بود که هم کار نشر را انجام می‌داد و هم کار ترجمه را. گرانیگاه اقدامات آن‌ها ترجمه آثار مستشرقین و باستان‌شناسان بود. هر چند بعضی از این آثار، کارهای خوب و قابل دفاعی هستند اما سیاست کلی



۹۹ عمده تکاپویی که فرح داشت یکی جمع کردن نویسنده‌ها و هنرمندان و هنرپیشه‌های ساختارشکن بود که در نهایت از ظرفیت آنها برای ستیز با سبک زندگی دینی و اندیشه دینی و هویت ایرانی استفاده کند. در کنار این، چند کار نمایشی مثل چاپ قرآن و برگزاری تعزیه در جشن هنر هم انجام می‌داد ولی همگان می‌دانستند که اینها جنبه تشریفاتی دارند و می‌خواهند اذهان را منحرف کنند

ایرانی نداشت. بعدها هم که به فرانسه رفت با یک جمع ساختارشکن از نظر فرهنگی و فکری و اخلاقی همراه شد و با آنها هم‌زیستی داشت و زندگی کرد. زمانی هم با جمعی که گرایش‌های چپ داشتند همراه شد ولی خودش صاحب فکر نبود. رویکرد غرب‌گرایانه و ولنگارانه‌اش باعث شد که یک فرصتی را برای جذب برخی از افرادی که نگاه دینی نداشتند و حتی برخی که نگاه دین‌ستیزانه هم داشتند فراهم کند. وی قصد داشت یک محفل روشنفکری و ادبی دور خودش جمع کند. در دفتر فرح نفوذ گسترده بهایی‌ها را هم می‌بینیم. اگر در فرانکلین یک عقبه بایی ازلی را می‌بینیم، در دفتر فرح بیشتر با حضور جدی بهایی‌ها مواجه هستیم که تقریباً در همه حوزه‌ها و سطوح حضورشان را می‌بینیم. نتیجه اینکه فرح را نمی‌توان یک چهره فرهنگی تلقی کرد اما با همان زمینه‌های تربیتی و فکری، به‌ویژه می‌خواست از آن شرایطی که دربار برای او تعیین کرده بود که فرضاً برای شاه فرزند بیاورد، خارج شود. حضورهای تشریفاتی در مؤسسات خبریه، دیگر او را ارضاء نمی‌کرد و به سمت حوزه فرهنگی ورود پیدا کرد. عمده تکاپویی که فرح داشت یکی جمع کردن نویسنده‌ها و هنرمندان و هنرپیشه‌های ساختارشکن بود که در نهایت از ظرفیت آنها برای ستیز با سبک زندگی دینی و اندیشه دینی و هویت ایرانی استفاده کند. در کنار این، چند کار نمایشی مثل چاپ قرآن و برگزاری تعزیه در جشن هنر هم انجام می‌داد ولی همگان می‌دانستند که اینها جنبه تشریفاتی دارند و می‌خواهند اذهان را منحرف کنند. حتی در جشن هنر شیراز هم نمایش‌های تعزیه انجام می‌شد اما هیچ‌وقت آن اثر و پیامی را که تعزیه‌ها در

آن بودند و ادوارد ژوزف، از اعضای شاخص لژ فراماسونی روشنائی در تهران، بازرس آن بود. از سال ۱۳۳۶ بهرام فره‌وشی به‌جای یارشاطر قائم‌مقام بنگاه شد. جالب اینجاست که این دو، وابسته به فرقه بهائیت و بابیه بودند. یارشاطر در خانواده‌ای بهائی متولد شده بود و فره‌وشی در خانواده‌ای بایی به‌دنیا آمد و پدرش علی محمد فره‌وشی ملقب به مترجم همایون در زمره نخستین کسانی بود که آثار مستشرقین را در ایران ترجمه کرد. وی با ابراهیم پورداود همکاری داشت و فرزندش بهرام فره‌وشی با همین زمینه به پورداود می‌پیوندد و در پروژه اسلام‌ستیزانه وی مشارکت پیدا می‌کند. پروژه‌های این بنگاه به‌قدری برای رژیم اهمیت داشت که امکانات مالی از سوی بنیاد پهلوی، شرکت نفت و سازمان برنامه هم به کمک آن آمد. البته زمام امور در دست بنیاد پهلوی بود به‌ویژه در دهه چهل و پس از آن، این بنگاه عملاً زیرمجموعه بنیاد پهلوی شد. با جایگزینی جعفر شریف‌امامی به‌جای علم، تعداد سناتورهای که برخی از آنها فراماسون بودند، در هیئت مدیره افزایش یافت. دکتر زرین کوب، جعفر شعار و ایرج افشار نیز بعدها به مؤسسه پیوستند. چاپ ترجمه آثار ادبی خارجی با ترجمه‌های جمال‌زاده، خالری، صناعی و کاظم‌زاده، ایرانشهر، و همچنین مجموعه ایران‌شناسی که ترجمه آثار مستشرقین بود در این بنگاه چاپ می‌شد. این بنگاه در زمینه علوم، تاریخ، فلسفه و ادبیات کودکان هم آثاری منتشر کرد. از سال ۱۳۴۱، ریاست بنگاه به فرح پهلوی واگذار شد و از سال ۱۳۴۳، سرپرستی مالی آن به بنیاد پهلوی سپرده شد.

فرح پهلوی صاحب فکر نبود. وی در نوجوانی در مدرسه ژاندارک درس خوانده بود و تعلیمات دینی و

که جمال‌زاده در بعضی از آثارش در حوزه ادبیات و داستان انجام می‌دهد، با سیاست‌های فرهنگی رژیم همسویی دارد. این همسویی هم از جهت ستیز با اندیشه و فرهنگ دینی مردم، با ادعای مبارزه با خرافات است و هم از جهت مبارزه با روحانیت.

کجاها با هم همسویی دارند؟

از جهت برجسته کردن دوران باستان با یک حرکت گزینشی که نهایتاً تاریخ شاهنشاهی از آن بیرون آمد و از نزدیک هفت هزار سال تاریخ و سابقه، به ۲۵۰۰ سال آن بسنده کردند و در همین ۲۵۰۰ سال هم ثقل آن را دوره شاهنشاهی قرار دادند و دوره اسلامی را نادیده گرفته و از آن به‌عنوان دو قرن سکوت یاد کردند. بعضی از کارهایی که صورت می‌گرفت و مطرح می‌شد، یا جنبه ضد دینی داشتند یا یک تصویر کاملاً ناسیونالیستی و شعوبی از تشیع ارائه می‌کردند. کسی مثل جمال‌زاده که پدرش بایی ازلی بود با ادبیات گزنده‌اش با این‌ها همکاری می‌کرد. به نظر می‌رسد که باید آثار را دید و در مورد تکتک آن‌ها مذاقه کرد. برخی از افراد مانند دکتر زرین کوب، در مقاطعی از زندگی با این پروژه همکاری داشتند؛ نظیر دوره تالیف دو قرن سکوت، البته نقل است که درباره دو قرن سکوت تجدیدنظر کرده بود و پی به اشتباهاتش برده بود. اما این پشیمانی، مکتوب نشد.

همکاری و تعامل کسانی مانند سعید نفیسی و جلال الدین همایی چگونه بود؟

برخی از این افراد مثل مرحوم همایی این قدر بزرگ هستند که نمی‌توانند او را نادیده بگیرند. نگاه او کاملاً دینی، ملی و ایرانی است و اتفاقاً در بعضی از آثارش به اتفاقاتی که در دوره پهلوی بر سر فرهنگ آمد، نقد جدی دارد و این نقدها منتشر هم شد. مثلاً نقدی که به دانشگاه و قطع ارتباط دانشگاه با سنت آموزشی قدیمی و حوزوی و سنت‌های علمی ایران دارد، یک نقد جدی است. ایشان به خروجی دانشگاه و سطح دانش و منابع درسی در آن دوران نقد جدی دارد. البته آقای نفیسی یک همسویی حداقل در نقد اندیشه دینی و سبک زندگی دینی دارد، هر چند با آن جریان حاکم فراماسونی همسویی ندارد. مثلاً در همان کتاب نیمه راه بهشت یک نقد جدی دارد و لسی از این طرف هم یک ویرانگری‌هایی در حوزه فرهنگی ایران دارد و رژیم این ظرفیت‌ها را می‌سنجید و از آن استفاده می‌کرد. اگر اسمی این افراد روی بعضی از تألیفات می‌نشست برای آن‌ها اعتبار می‌آورد و از برخی از وجوه مشترک هم استفاده می‌کردند و آن‌ها را ترویج می‌کردند.

به‌صورت مشخص چه کتاب‌ها و چه محتواهایی مورد پسند

کوچه پس کوچه‌های جنوب شهر تهران منتقل می‌کردند، آن تعزیه‌های نمایشی جشن هنر نمی‌توانستند منتقل کنند. دلیل این دست اقدامات این بود که بگویند ما به فرهنگ ایرانی و اسلامی هم توجه داریم. عمده رویکردی که این‌ها در همه وجوه در جشن هنر شیراز دنبال می‌کردند، ترویج فرهنگ غربی و ساختار شکنی در یک جامعه دینی و سنتی بود. نمایشنامه «خوک، بچه، آتش» که در شیراز به نمایش گذاشته شد، همان زمان ظرفیت نمایشش در انگلستان و آمریکا وجود نداشت. ظرفیت بنگاه نشر و ترجمه، با ریاست فرح هم در همین چارچوب قابل تعریف بود.

یکی از مؤسسات مطرح نشر و ترجمه در زمان پهلوی مؤسسه فرانکلین بود. وقتی اسمی کسانی را که با مؤسسه فرانکلین همکاری می‌کردند مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که آنها یا در همان زمان مطرح بودند و یا بعدها تبدیل به چهره‌های مطرح فرهنگی و ادبی و هنری شدند. کسانی مثل جمال‌زاده و حتی در برهه‌ای کسی مثل سید جعفر شهیدی و ... این همکاری‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مؤسسه انتشاراتی فرانکلین در سال ۱۳۳۱ در آمریکا تأسیس شد. هدف اصلی آن ترجمه کتاب‌های آمریکایی به زبان‌های کشورهای بود که آمریکا در آن کشورها حضور و نفوذ داشت. ریاست آن بادیتوس سی‌اسمیت رئیس انتشارات دانشگاه پرینستون بود. رفته رفته شعبات این مؤسسه در کشورهای دیگر از جمله ایران در اواخر سال ۱۳۳۲ تأسیس شد. مؤسس آن همایون صنعتی‌زاده بود که تا سال ۱۳۴۴ ریاست آن را برعهده داشت و بعد از او علی اصغر مهاجر تا انحلال یعنی سال ۱۳۵۵ ریاست آن را برعهده گرفت. بعدها فعالیت مؤسسه گسترش پیدا کرد و ناشرین دیگر را تحت اداره خود درآورد. برنامه این مؤسسه ترویج فرهنگ آمریکایی در ایران بود، اما در کنار آن برخی آثار دیگر هم منتشر می‌شد که عمدتاً برای پنهان کردن آن مأموریت اصلی بود. بنابراین نمی‌توان درباره همه افرادی که با این مؤسسه کار می‌کردند حکم واحدی بدهیم و بگوییم این‌ها در چهارچوب سیاست‌های فرهنگی رژیم، با حکومت همکاری می‌کردند و تمام رویکردهای فرهنگی آن رژیم را قبول داشتند. مثلاً آقای شهیدی می‌بیند مؤسسه‌ای آمده و امکاناتی را در اختیار نویسندگان و مورخین قرار می‌دهد و ایشان هم از این ظرفیت استفاده می‌کنند. با دیدن آثار دکتر جعفر شهیدی و جمال‌زاده و حتی دکتر زرین کوب و مقایسه با آثار کسانی مثل تقی‌زاده می‌شود متوجه این تفاوت‌ها و در یک راستانبودن آن‌ها شد. استفاده از امکانات و پول و در یک جاهایی نیز، همسویی، از دلایل این همکاری‌ها است. مثلاً دو قرن سکوت زرین کوب با سیاست‌های باستان گرایی رژیم همسویی دارد یا آن ساختار شکنی‌ای

”برنامه مؤسسه

انتشاراتی فرانکلین،

ترویج فرهنگ آمریکایی

در ایران بود اما در کنار

آن برخی آثار دیگر هم

منتشر می‌شد که عمدتاً

برای پنهان کردن آن

مأموریت اصلی بود

”استفاده از امکانات

و پول و در یک جاهایی

نیز، همسویی، از

دلایل این همکاری‌ها

است. مثلاً «دو قرن

سکوت» زرین کوب

با سیاست‌های

باستان گرایی رژیم

همسویی دارد یا آن

ساختار شکنی‌ای که

جمال‌زاده در بعضی از

آثارش در حوزه ادبیات

و داستان انجام می‌دهد

با سیاست‌های فرهنگی

رژیم همسویی دارد.

این همسویی هم از

جهت ستیز با اندیشه و

فرهنگ دینی مردم با

ادعای مبارزه با خرافات

است و هم از جهت

مبارزه با روحانیت

کتاب خط سوم) می بینید. موضوع کتاب شرح روابط شمس و مولوی است، ولی به مسائل دیگر از جمله موعود در ادیان نیز می پردازد؛ که در اینجا هجمه ای به تفکر شیعی با تکیه بر آرا شریعت سنگلجی می شود. یا در باز نشر آثار کسروی، که کتاب شیعه گری وی، ستیز آشکار با مذهب رسمی کشور بود. این ها از سوی ناشران معروف مثل فرانکلین و «بنگاه نشر و ترجمه» انجام نمی شد. آن ها را به دست ناشران گمنام و به ظاهر غیر دولتی می دادند؛ چون خیلی تمایلی نداشتند که این ضدیت با اسلام رسماً به نام آن ها باشد ولی پشت صحنه از انتشار آن ها حمایت می کردند. بعدها انتشاراتی مثل علم و امیر کبیر آمدند و بعضی از آثارشان روحانیت و مرجعیت شیعی را هدف قرار می دادند؛ مثل بعضی از آثار خان ملک ساسانی که عبارات، تحلیل ها و تهمت های ناروایی درباره جریان دینی دارد. این دوره ای است که در ایران جناح آمریکایی دارد رو می آید و می خواهند به نوعی با انگلیسی ها تسویه حساب کنند و به آن ها لگدی بزنند. نمونه بارز آن فراموش خانه و فراماسوئری در ایران اسماعیل راثین است و از آن طرف در جواب کتاب میراث خوار/ استعمار مهدی بهار است که نفوذ آمریکا را نقد می کند. سستیز دو جناح فرهنگی در قالب نشر، آثار خودش را نشان می داد. کتاب شاهنشاهی و دینداری اثر محمدباقر نجفی که در ادامه جشن های ۲۵۰۰ ساله منتشر شد، قصد داشت بین ایدئولوژی شاهنشاهی و اسلام اشتی ایجاد کند که حرکتی عبث بود و شاید مایه تأسف خود نویسنده هم شد.

دربار چه تعاملی در حوزه های فرهنگی با آخوندهای درباری داشت؟

آخوندهای درباری به تعبیر شما در بین مردم و روحانیت جایگاهی نداشتند. پهلوی ها در مسیری که رفتند، حتی به معدود آخوندهای درباری هم اعتنای چندانی نمی کردند، چون روحانیت شیعی عموماً با دستگاه شاهنشاهی یا در مبارزه بودند یا از حکومت کناره می گرفتند و معدود آخوندهای درباری برای بعضی از مراسم ها (مثل مراسم سلام) به کار می آمدند. مثلاً شاه که به حرم امام رضا (علیه السلام) می رفت، اگر دو نفر هم از این روحانیون در کنارش بودند و صحنه زیارتش از حرم نشان داده می شد، برای حکومت خوب بود. چون بالاخره جامعه، جامعای شیعی بود. این ها در این اواخر یعنی سال ۵۶ و ۵۷ می خواستند کمی تظاهرات دینی شان بیشتر شود. ولی در مجموع خیلی دنبال این نیستند که به شخصیت های دینی، ولو آن هایی که با این ها روابطی هم داشتند میدان دهند. در رابطه با مراجع و علمای بزرگ هم رویکردها کاملاً مبتنی بر اهانت، توهین و بی اعتنایی بود. در یادداشت های علم به موارد زیادی از این بی اعتنایی ها بر می خوریم.



دستگاه بودند و می خواستند به آن ها ضریب دهند؟

در دوره پهلوی اول کتاب هایی که به اقدامات پهلوی اول بیردازد و آن ها را برجسته کند خیلی اهمیت داشت. کتاب هایی که به نحوی به تاریخ باستان ایران بیردازند نیز اهمیت داشتند؛ نظیر تاریخ ایران پیرنیا و از پرویز تا چنگیز تقی زاده. این ها کتاب هایی هستند که به نحوی رویکرد باستان گرایی دارند. کتاب تاریخ باستان پیرنیا برای دوره خاصی تدوین شده است و این رویکرد در آن به صورت مشخص دیده می شود. همچنین برخی از کتبی که با عنوان خدمات رضاشاه به بزرگ نمایی در خصوص اقدامات او می پرداختند، که این ها کاملاً سفارشی بودند. در دوره پهلوی دوم هم بخشی از آثار به بزرگ نمایی درباره اقدامات رضاشاه می پرداخت و بعضی دیگر نیز به عملکرد محمدرضا؛ نظیر مردان خود ساخته خواجه نوری که رضاشاه را از زبان محمدرضا پهلوی فردی خود ساخته معرفی می کرد، که در سال ۱۳۳۵ توسط انتشارات اقبال و امیر کبیر منتشر شد. در این زمینه حتی به برخی از نویسندگان خارجی هم سفارش می دادند. در یادداشت های «علم» هم این موارد آمده است که فرضاً فلان نویسنده خارجی، این کتاب را درباره خدمات پهلوی نوشته است و خوب است که این تعداد از آن خریده شود یا به نشر و ترجمه آن کمک شود. برخی از نویسندگان رند خارجی؛ مخصوصاً روزنامه نگارانی که به عرصه تألیف کتاب آمده بودند، رگ خواب دربار پهلوی را به دست آورده بودند، از امکانات مربوطه استفاده می کردند و کتاب هایی درباره این خاندان می نوشتند که شاید خودشان هم محتوای آن ها را باور نداشتند. زمینه دیگری که آن ها از آن استقبال می کردند، ترویج نوعی تفکر وهابی مسلک در ایران بود که مثلاً در آثار ناصرالدین صاحب زمانی (مثل

برخی از

نویسندگان رند خارجی؛ مخصوصاً روزنامه نگارانی که به عرصه تألیف کتاب آمده بودند رگ خواب دربار پهلوی را بدست آورده بودند و کتاب هایی درباره این خاندان می نوشتند که شاید خودشان هم به محتوای آن ها باور نداشتند و از امکانات مربوطه استفاده می کردند

زمینه دیگری که

آنها از آن استقبال می کردند ترویج نوعی تفکر وهابی مسلک در ایران بود. این ها از سوی ناشران معروف مثل فرانکلین و «بنگاه نشر و ترجمه» انجام نمی شد و آنها را به دست ناشران گمنام و به ظاهر غیر دولتی می دادند. چون خیلی تمایلی نداشتند که این ضدیت با اسلام رسماً به نام آنها باشد ولی پشت صحنه از انتشار آنها حمایت می کردند

مروری بر فعالیت نشرهای مذهبی و انقلابی در دوران پهلوی؛
در گفت‌وگو با حاج قاسم تبریزی، از ناشران قبل از انقلاب (بخش اول)

فعالیت‌های اسلامی در حوزه نشر زیرزمینی و مخفیانه بود

سعید ناصری

قاسم تبریزی، مورخ، رجال‌شناس و پژوهشگر تاریخ معاصر و روحانیت است. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش اول گفت‌وگوی ما با تبریزی در مورد ناشران قبل از انقلاب است.

در بارهٔ اوضاع کلی نشر در زمان پهلوی‌ها صحبت بفرمایید.

در دورهٔ پهلوی سه دسته ناشر داشتیم. اولین دسته ناشران مذهبی بودند. دومین دسته ناشرینی که کتاب‌فروش و پخش‌کنندهٔ کتاب و در حقیقت کاسب بودند و دستهٔ سوم هم ناشرین وابسته به رژیم پهلوی که یا به صورت مستقیم با رژیم همکاری داشتند و یا در خفا و به صورت غیرمستقیم این رابطه وجود داشت. فعالیت این دستهٔ آخر در بعد از کودتای انگلیسی آمریکایی ۲۸ مرداد نمود بیشتری داشت و عمدتاً هم وابسته به بنیاد فرانکلین بودند که در ادامه دربارهٔ آن صحبت خواهم کرد.

برگردیم به ناشرین اسلامی و مذهبی. فعالیت این گروه به چه شکل بود؟

فعالیت ناشرین اسلامی، همه شبیه هم نبود. در ناشرین اسلامی هم سه دسته وجود داشت. دستهٔ اول ناشرین سنتی که کتاب‌های اسلامی سنتی مثل مفاتیح، قرآن، ادعیه، رساله و نظایر اینها را چاپ می‌کردند. اینها عمدتاً اشخاص متدین و مؤمنی بودند که بیشتر کتب متون اصلی اسلامی را چاپ می‌کردند. دستهٔ دوم ناشرین اسلامی، هم سنتی کار بودند و هم تا حدودی جدید. یعنی علاوه بر اینکه کتب سنتی اسلامی را چاپ می‌کردند، به

کتب جدید هم بی‌علاقه نبودند و نمونه‌هایی از آنها را چاپ می‌کردند. دستهٔ سوم هم صرفاً کتاب‌های اسلامی انقلابی و سیاسی منطبق بر معارف قرآن را چاپ می‌کردند. در حقیقت هر سه دسته در یک جهت، ولی با تفاوت‌هایی که عرض کردم فعالیت می‌کردند.

از هر دسته تعدادی از این ناشرین را برای خوانندگان ما معرفی می‌کنید؟

تعداد این ناشرین زیاد هستند ولی سعی می‌کنم تا حد امکان مهم‌ترین‌ها را لیست‌وار و با توضیحات مختصری برای هر کدام بیان کنم. امیدوارم کسی از قلم نیفتد

۱. اولی انتشارات «محمدی» است که پدر و پسر از دههٔ ۲۰ تا دههٔ هشتاد فعال بودند و کتب اسلامی جدید و قدیم را چاپ می‌کردند. پدر و پسر آدم‌های پاک و متشرعی بودند.

۲. کتاب‌فروشی «اسلامیهٔ آخوندی» که مرحوم شیخ محمد آخوندی آن را تأسیس کرد و کتاب‌هایی مثل وسائل‌الشیعه، اصول کافی و بحارالانوار را چاپ می‌کرد. در حد توانش هم کتاب‌هایی در نقد و رد جریان استعماری بهائیت و گاهی هم آثار علامه سید محمد حسین طباطبایی

در دورهٔ پهلوی سه دسته ناشر داشتیم. اولین دسته ناشران مذهبی بودند. دومین دسته ناشرینی که کتاب‌فروش و پخش‌کنندهٔ کتاب و در حقیقت کاسب بودند و دستهٔ سوم هم ناشرین وابسته به رژیم پهلوی که یا به صورت مستقیم با رژیم همکاری داشتند و یا در خفا و به صورت غیرمستقیم این رابطه وجود داشت



۹۹ شیخ محمود

رازی، عالم
تاریخ‌شناسی و
رجال‌شناسی بود که
برای متوجه‌نشدن
ساواک شگردهای
متنوعی استفاده
می‌کرد. مثلاً به جای
نام حضرت امام (ره)
از عنوان «مرجع
مجاهد ابوحمده»
استفاده می‌کرد،
یا اگر می‌خواست
ماجرای زندانی بودن
حجتی کرمانی را بیان
کند می‌نوشت: «او در
گرفتاری است». البته
ساواک بعدها اینها
را فهمید و کتاب‌های
ایشان را ممنوع کرد

چاپ شد. این کتاب هم قلم زیبایی داشت و هم محتوای خوبی. دو جلد اول را مرحوم طالقانی و شش جلد بعد را سیدمهدی رضوی ترجمه کردند. کتاب مهم دیگر این انتشارات مجموعه شرح مثنوی معنوی علامه جعفری بود که چهارده جلد هفتصدصفحه‌ای را شامل می‌شد. به دلیل چاپ چنین آثاری، شرکت سهامی انتشار به‌عنوان یک ناشر قدرتمند اسلامی و سیاسی معروف بود و در نتیجه حساسیت ساواک را برانگیخت و در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک تعطیل و اعلام انحلال شد.

۶. انتشارات «اسلامی» که توسط حاج قاسم نظیفی و حاج ابوالفضل نظیفی تأسیس شد و کتاب‌های نویسندگانی نظیر شهید مطهری و علامه جعفری را چاپ می‌کرد. خود حاج قاسم نظیفی مدتی هم زندان رفت.

۷. «کانون انتشار» که توسط حاج حسن نیر تهرانی، از مبارزین برجسته آن دوران اداره می‌شد. ایشان از سال ۱۳۳۱ در مبارزه بود و چندین دفعه متوالی هم زندان رفت. این انتشارات عمدتاً کتاب‌های خوب معاصر را چاپ می‌کرد. به جز این، کتاب‌های ممنوعه تحریر/الوسیله حضرت امام (ره) و همچنین کتاب ولایت فقیه ایشان را چاپ می‌کرد و به‌خاطر چاپ آن‌ها به زندان هم رفت.

۸. یکی دیگر از انتشارات این دوره دفتر نشر فرهنگ اسلامی بود که توسط شهید بهشتی، شهید باهنر، سیدرضا برقی و علی غفوری تأسیس شد. اندکی بعد از تعطیلی شرکت سهامی انتشار بود که این مؤسسه تأسیس شد. این مؤسسه به دلیل اینکه افراد خیری مثل حاج ترخانی و سایرین بودجه آن را تأمین می‌کردند، قبل از انقلاب به خوبی درخشید. آثار شهید بهشتی، باهنر و شهید مطهری و بسیاری دیگر از شخصیت‌های اثرگذار را منتشر می‌کرد و همچنان هم این دفتر فعال است. آثار استاد محمدرضا حکیمی را هم عمدتاً این دفتر چاپ می‌کرد که بعضی از نمونه‌های آن (مثل کتاب سرود جهش‌ها) هم ممنوع شدند

و علامه جعفری و علامه شیخ عبدالحسین امینی تبریزی را چاپ می‌کرد.

۳. کتاب‌فروشی «اسلامیه کتابچی» که بعد از مشروطه چهار نسل کتاب‌فروش بودند و به همین دلیل هم فامیلی این خاندان کتابچی شد. این انتشارات بیشتر کتاب‌های سنتی را چاپ می‌کرد اما از آثار جدید هم غافل نمی‌شد. مثلاً کتاب اولین دانشگاه، آخرین پیامبر شهید دکتر پاک‌نژاد که ۳۷ جلد بود. البته قصد این شهید، تألیف صد جلد بود که با شهادتش ۶۳ جلد آن به چاپ نرسید. همچنین کتاب دانشمندان اسلامی شیخ محمود رازی ری‌شهری که کتابی ده‌جلدی بود و اتفاقاً چند جلد آن از طرف ساواک ممنوع شد. این شیخ محمود رازی، عالم تاریخ‌شناس و رجال‌شناسی بود که برای متوجه‌نشدن ساواک شگردهای متنوعی استفاده می‌کرد. مثلاً به جای نام حضرت اسلام (ره) از عنوان «مرجع مجاهد ابوحمده» استفاده می‌کرد، یا اگر می‌خواست ماجرای زندانی بودن حجتی کرمانی را بیان کند می‌نوشت: «او در گرفتاری است». البته ساواک بعدها این‌ها را فهمید و کتاب‌های ایشان را ممنوع کرد.

۴. کتاب‌فروشی «اسلام» که آقای سیاح آن را اداره می‌کرد و خیلی درگیر مسائل سیاسی نبود.

۵. «شرکت سهامی انتشار» که در سال ۱۳۳۷ و با سهام‌داری حدوداً پانصد نفر تأسیس شد. افراد شاخصی مثل مرحوم طالقانی، شهید بهشتی، خسروشاهی، مهندس بازرگان، سجلی، سیدمهدی جعفری جزو سهام‌داران شاخص این انتشارات بودند. دلیل استفاده از این تعداد افراد این بود که ساواک نتواند با آنها برخورد کند. این مؤسسه از سال ۳۷ تا ۵۲، کارنامه درخشانی دارد. کتب جدید و قدیم را توانم چاپ می‌کرد. اتفاقاً آثار مهمی هم چاپ می‌کرد. از جمله مجموعه پرتوی از قرآن آیت‌الله طالقانی و کتاب هشت‌جلدی امام علی عبدالمقصد مصری که تحت عنوان تاریخ نیم قرن اسلام

یک دوره تفسیر قرآن را هم چاپ کرد که مدیریت آن را آیت‌الله شهید محمد مفتاح بر عهده داشت.

۱۴. انتشارات «برهان» با مدیریت حاج حسن کتابچی که هم کتاب‌های جدیدی مثل آثار جلال‌الدین فارسی را چاپ می‌کرد و هم کتاب‌های آموزشی مثل «اسپایا برای کودکان».

۱۵. «کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی» که در دهه پنجاه توسط مرحوم حجت‌الاسلام علی حجتی کرمانی، شهید علی اکبر وهاب، سید محمدحسن پورمستوفی، مصطفی جاسبی و آقای تبریزی (مصاحبه شونده) تأسیس شد، کتاب‌های جدید را منتشر می‌کرد و در ایام انقلاب هم یکی از مراکز اصلی توزیع و پخش کتاب‌های ممنوعه و همچنین اعلامیه‌های موسوم به «فجر اسلام» بود.

۱۶. انتشارات «دارالتبلیغ قم» که توسط آقای انصاریان و آقای بافی و چند نفر دیگر اداره می‌شد که آدم‌های انقلابی و متدینی بودند. بخش انتشارات دارالتبلیغ، جدا از سیاست‌های حاکم بر مؤسسه دارالتبلیغ، کتاب‌های خوبی را منتشر می‌کرد.

۱۷. انتشارات «طباطبایی» در قم که البته بیشتر پخش‌کننده بود.

۱۸. انتشارات «اسماعیلیان» که بیشتر کتاب‌های عربی را چاپ می‌کرد. در کنار آن کتاب‌های درسی حوزوی را هم چاپ می‌کرد. یک شعبه در تهران و یک شعبه در قم داشت. این انتشارات حتی از مصر و لبنان هم کتاب وارد می‌کرد و متقابلاً به آنجا صادر هم می‌کرد. فعالیت این انتشارات در سطح بین‌المللی، کاری سنگین و قابل دفاع بود.

۱۹. انتشارات «صدر» که مرحوم صدر دزفولیان آن

۹. انتشارات «حکمت» که اوایل دهه ۵۰ توسط دکتر حسین غفاری تأسیس شد. این انتشارات در کنار چاپ و توزیع کتاب‌های شهید مطهری یک‌سری از کتاب‌های فلسفی و متون اندیشه و ایدئولوژی اسلامی را نیز چاپ می‌کرد.

۱۰. انتشارات «دارالعلم» که در قم و در دهه چهل توسط شیخ احمد آذری قمی فعالیت می‌کرد. وی از مدرسین و فعالین روحانی آن دوره بود و ده جلد اول تفسیر المیزان را هم این انتشارات چاپ کرد.

۱۱. انتشارات «دارالفکر» حجت‌الاسلام سیدعبدالحمید مولانا که کتاب کشف الاسرار حضرت امام (علیه السلام) را تجدید چاپ کرد. علاوه بر آن چاپ بعضی دیگر از کتب فقهی ایشان را نیز بر عهده داشت که به‌خاطر آن در دهه پنجاه دستگیر و به فومن تبعید شد. کتاب‌های دکتر محمد صادقی و بعضی از مدرسین را چاپ می‌کرد که مجموعه کارهایش را باید جزو کارهای برجسته دینی در حوزه نشر آن دوران دانست.

۱۲. انتشارات «جعفری» مشهد که اوایل دهه پنجاه، توسط روحانی‌ای به همین نام فعالیت می‌کرد و کتاب‌هایش در تهران و قم هم پخش می‌شد.

۱۳. انتشارات «فراهانی» که توسط شمس فراهانی اداره می‌شد و کتاب‌های کشف الحیل/عبدالحسین آیتی و فلسفه نیکو میرزا حسن نیکو و همچنین خاطرات مهتدی را در رد بهائیت چاپ می‌کرد. کتاب نقشه‌های استعمار در مبارزه با اسلام، نوشته محمد محمود صواف، با ترجمه سیدجواد هشترودی و کتاب/میرکبیر، قهرمان ضد استعمار مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم دو اثر برجسته دیگر این انتشارات بودند. در مجموع آثاری که انتشارات فراهانی چاپ کرد، آثار خوبی بودند. حتی



انتشارات آذر...
مثل ستاره‌ای روبروی
دانشگاه می‌درخشید.
این انتشارات دو ویژگی
مهم داشت. اول اینکه
روبروی دانشگاه در آن
زمان کتاب‌های اسلام
توزیع نمی‌شدند و
دوم اینکه خود ایشان،
شخصیتی انقلابی-
بودند و در منزلش هم
جلسات سری انقلابیون
را تشکیل می‌داد. علاوه
بر اینها، کتاب‌های
ممنوعه را هم معمولاً
پخش می‌کرد. این
انتشارات برای بچه
مذهبی‌ها تبدیل به
پاتوق شده بود. مدیر-
آن، حتی کتاب‌ها را به
صورت امانی یا حتی-
رایگان به دانشجویان
نیازمند می‌داد.
سال ۱۳۵۵ ایشان را
دستگیر و به سختی-
شکنجه می‌کنند. در
بین ناشرین انقلابی،
از جهت انقلابی بودن
و تحمل شدا، مثل
ایشان را به ندرت داریم



۹۹ مؤسسه انتشارات

«بعثت» که توسط
فخرالدین حجازی
در سال ۱۳۴۷ و
با کمک آیت‌الله
سید محمد مهدی
میلانی و برخی دیگر
از شخصیت‌های
خیر تأسیس شد.
مکانش را مرحوم حاج
ابوالقاسم فواکھی
به صورت مجانی در
اختیارشان قرار داد و
حتی هزینه‌های آب
و برق و تلفنش را هم
خودش تقبل می‌کرد.
بعضی از بازاریان
و حتی تعدادی از
خانم‌ها ماهانه مبلغی
را برای ادامه فعالیت
این مؤسسه پرداخت
می‌کردند. علاوه بر آن
پاتوق خوبی هم برای
جوانان و دانشجویان
مبارز آن دوران بود

۲۴. انتشارات «آذر» در روبه‌روی دانشگاه تهران، که بزرگترین انتشارات و مرکز پخش کتب اسلامی آن دوران بود و در دههٔ چهل توسط حاج مرتضی عظیمی تأسیس شد. وی از فعالان سیاسی، انقلابی و دینی بود. انتشارات آذر مثل ستاره‌های روبروی دانشگاه می‌درخشید. این انتشارات دو ویژگی مهم داشت. اول اینکه روبروی دانشگاه در آن زمان کتاب‌های اسلام توزیع نمی‌شدند و دوم اینکه خود ایشان، شخصیتی انقلابی بودند و در منزلش هم جلسات سری انقلابیون را تشکیل می‌داد. علاوه بر این‌ها، کتاب‌های ممنوعه را هم معمولاً پخش می‌کرد. این انتشارات برای بچه‌مذهبی‌ها تبدیل به پاتوق شده بود. مدیر آن، کتاب‌ها را به صورت امانی یا حتی رایگان به دانشجویان نیازمند می‌داد. سال ۱۳۵۵ ایشان را دستگیر و به سختی شکنجه می‌کنند. در بین ناشرین انقلابی، از جهت انقلابی بودن و تحمل شدائد، مثل ایشان را به ندرت داریم.

۲۵. انتشارات «مولا» که در همان ایام انقلاب توسط برادران مفید تأسیس شد و بیشتر به چاپ کتاب‌های عرفانی و فلسفی علاقه‌مند بودند اگر چه کتاب‌های دینی هم چاپ می‌کردند.

۲۶. انتشارات «جعفری» در تهران که حجت‌الاسلام موسوی دامغانی آن را اداره می‌کرد. وی خودش کتاب هم می‌نوشت و کتاب‌های دربارهٔ زنان قهرمان دکتر احمد بهشتی و همچنین کتاب‌های سید غلامرضا سعیدی را نیز منتشر می‌کرد.

۲۷. انتشارات «هجرت» در اواسط دههٔ پنجاه تشکیل شد و در پخش کتاب‌های مذهبی مؤثر بود.

۲۸. انتشارات «تشیع» در قم که معمولاً کتاب‌های ممنوعه را بدون ذکر آدرس منتشر می‌کرد و همان زمان، مدیرش دستگیر و زندانی شد.

را اداره می‌کرد. وی روحانی بسیار فعال و متدینی بود و انتشارات او یک محفل و پاتوقی بود که افرادی مثل علامه جعفری و بعضی دیگر از آقایان به آنجا رفت‌وآمد داشتند. همچنین کتاب‌های آیت‌الله سید هاشم رسولی محلاتی و شهید سید محمد جواد شرافت را چاپ می‌کرد و در پخش کتاب هم فعال بود.

۲۰. انتشارات «صدوق» که به «مکتب‌الصدوق» هم مشهور بود. مرحوم علی‌اکبر غفاری آن را اداره می‌کرد. وی از شاگردان آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بود که در علم رجال و همچنین کتاب‌شناسی، کم‌نظیر بود. کتاب‌های اصول کافی و فروع کافی و ثواب الاعمال را چاپ می‌کرد. مرحوم غفاری در اواخر دههٔ سی، جلساتی را با عنوان «جلسات ماه» برگزار می‌کرد و افرادی مثل شهید مطهری، مرحوم طالقانی، مرحوم راشد و دیگران در آن جلسات شرکت می‌کردند. مباحث دینی در آن جلسات مطرح می‌شد و خود مرحوم غفاری مشروح آن جلسات را به صورت کتاب منتشر می‌کرد.

۲۱. انتشارات «غدیر» که در دههٔ پنجاه توسط شیخ حمید اسلامی تأسیس شد. این انتشارات، پخش‌کننده هم بود.

۲۲. کتاب‌فروشی «اسلامی» با مدیریت شیخ علی اسلامی که با انتشارات اسلامی آقای نظیفی تفاوت داشت و در کنار آن انتشارات روزبه را هم اداره می‌کرد و بسیار فعال بود.

۲۳. انتشارات «پیام آزادی» که توسط حاج مصطفی جاسبی و حاج محمد جاسبی، اندکی قبل از انقلاب تأسیس شد و در طی چهل سال گذشته یکی از بهترین انتشاراتی‌هایی است که در زمینهٔ کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. البته بعضی از کتاب‌های حضرت امام (رحمه‌الله) را هم چاپ می‌کردند.

می‌کرد. بعضی از بازاریان و حتی تعدادی از خانم‌ها، ماهانه مبالغی را برای ادامه فعالیت این مؤسسه پرداخت می‌کردند. علاوه بر آن، پاتوق خوبی هم برای جوانان و دانشجویان مبارز آن دوران بود. فخرالدین حجازی، هم ادیب بود و هم خطیب، و هم در مسائل فرهنگی بسیار فعال بود. کتاب‌هایی مثل نقش پیامبران در تمدن اسلام، سه سخن، پنج مقاله و اقبال، از آثار خودش بود. علاوه بر آثار خودش، آثار مرحوم سیدغلامرضا سعیدی، چند اثر از آیت‌الله مکارم شیرازی مثل اسرار عقب‌ماندگی شرق، کتاب قرآن و کتب آسمانی از آیت‌الله سبحانی، مجلس شیعان لبنان از امام موسی صدر، و همچنین آثاری از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مهدی بازرگان، مرحوم طالقانی، شهید بهشتی و شخصیت‌های برجسته دیگر را چاپ می‌کرد. نقش این انتشارات، بین سال‌های ۴۷ تا ۵۷، به لحاظ چاپ، پخش و همچنین به لحاظ پاتوق افراد مبارز بودن، بسیار برجسته بود.

مراکز پخش و فروش کتاب‌های اسلامی در آن دوران، کجاها بودند؟

در ناصر خسرو و در کوچه حاج نایب، پاساژی بود که مرکز پخش کتاب‌های مذهبی در سراسر ایران بود. در این پاساژ، از متون قدیمی اسماعیلیان گرفته، تا اعلامیه‌های حضرت امام چخچه پیدا می‌شد. از سال پنجاه تا ۵۷، این پاساژ کارنامه درخشانی دارد. اگر بگوییم کوچه حاج نایب یکی از پایگاه‌های انقلاب از نظر فرهنگی بود، اغراق نکرده‌ایم. روزانه حجم زیادی از کتاب‌های ممنوعه و غیرممنوعه از این پاساژ بیرون می‌رفت. بواسطه همین رونق، بعضی از صحافی‌ها و چاپخانه‌های اطراف ناصر خسرو هم در این عرصه فعال شدند. تا سال ۶۵، و قبل از بورس شدن خیابان انقلاب و روبروی دانشگاه تهران، آنجا هنوز بورس کتاب‌فروشی‌های اسلامی بود. یکی دیگر از مراکز پخش کتاب، مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی بود. حجت‌الاسلام سیدنورالدین طالقانی، خواهرزاده سید محمود طالقانی، امام جماعت این مسجد بود و در خود مسجد یک کتاب‌فروشی راه‌اندازی کرد. اینجا، به مرکز پخش کتاب‌های ممنوعه تبدیل شده بود. معروف بود که دوستانش می‌گفتند ایشان دو لحاف تشک دارد. یکی در منزل و یکی در زندان. مرتب دستگیر می‌شد، ولی هر بار به کارش ادامه می‌داد. یکی دیگر از اشخاص، مرحوم حاجی فتوت بود که در خیابان خیام خیاطی داشت. وی به صورت علنی قفسه‌ای در خیاطی داشت و کتاب می‌فروخت. در کنار آن، زیرزمینی هم داشت برای جلسات خاص با سیاست‌پو یا پخش کتاب‌های ممنوعه. جالب است بدانید یکی از پاتوق‌های رهبر انقلاب در آن دوران، وقتی‌هایی که از مشهد به تهران تشریف می‌آوردند؛ همین خیاطی و کتاب‌فروشی بود.

۲۹. «مؤسسه ملی» در خیابان باب‌همایون یا مدیریت حاج علی خلیل‌نیا که پدر ایشان جای‌فروشی داشت و در کنار جای‌فروشی بخش انتشارات را درست کرده بود. اتفاقاً کتاب‌های خوبی مثل الحزائر در آتش و خون، یا بنو لویزی اسلامی، صلح امام علی (علیه السلام) و ولایت فقیه حضرت امام چخچه را این انتشارات چاپ کرد. در پشت همین انتشارات هم دستگاه استنسیلی برای تکثیر اعلامیه‌ها داشتند، که بابت آن دستگیر و شکنجه هم شدند.

۳۰. انتشاراتی متعلق به حاج حسن مستوفی از شاگردان خاص علامه طباطبایی در خیابان بوذرجمهری آن زمان قرار داشت. مستوفی خودش نویسنده بود و ترجمه مصباح الشریعه امام صادق (علیه السلام) از جمله کتاب‌های چاپ‌شده توسط این انتشارات بود.

۳۱. انتشارات «اقام» در اصفهان که از انتشارات فعال و نوین اسلامی بود. کتاب‌های ناشران دیگر از تهران، قم و مشهد را نیز توزیع می‌کرد و خودش هم آدم فعال سیاسی‌ای بود که زندان رفت و متحمل شکنجه هم شد. با کمک حجت‌الاسلام ازهای، ده شماره از مجموعه فرصت در غروب را منتشر کرد. این مجموعه درباره زنان بود و ساواک از ادامه انتشار آن جلوگیری کرد. بعد از آن، انتشار مجموعه نگاه را شروع کرد که بعد از پنج شماره، دوباره ساواک مانع ادامه انتشار آن شد. همچنین در ادامه، جزوات شهید بهشتی را تحت عنوان منشورات مسجد امام علی (علیه السلام)، به عنوان جزوه منتشر می‌کرد.

۳۲. انتشارات «تقی» در اصفهان که شخصیت‌های متدین و مذهبی‌ای بودند که بیشتر آثار بانوی اصفهانی‌ها را منتشر می‌کردند. این بانوی اصفهانی، از زنان عارف، مفسر و محدث بزرگی بودند که حتی علمای برجسته‌ای نظیر آیت‌الله مرعشی نجفی و سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی از ایشان اجازه نقل حدیث داشتند. علامه جعفری هم گاهی می‌رفتند و با ایشان مباحثه عرفانی و فلسفی داشتند. ایشان تفسیری داشتند تحت عنوان مخزن العرفان در چهارده جلد و همچنین کتاب مخزن الثالی که در مورد انسان کامل یا حضرت علی (علیه السلام) نوشته بودند. همچنین کتاب این مسکویه را ترجمه کردند. یکی از آثار مورد علاقه این بانو، اسفار ربیه ملاصدرا بود. به لحاظ محتوی دینی بین قدیم و جدید، کتاب‌های این انتشارات قابل توجه بودند.

۳۳. انتشارات «طه» قزوین که بیشتر کار پخش کتاب‌های دینی را بر عهده داشت.

۳۴. مؤسسه انتشارات «بعثت» که توسط فخرالدین حجازی در سال ۱۳۴۷ و با کمک آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی و برخی دیگر از شخصیت‌های خیر تأسیس شد. مکانش را مرحوم حاج ابوالقاسم فواکهی به صورت مجانی در اختیارشان قرار داد و حتی هزینه‌های آب و برق و تلفنش را هم خودش قبل

کوچه حاج نایب

یکی از پایگاه‌های انقلاب از نظر فرهنگی بود اغراق نکرده‌ایم. روزانه حجم زیادی از کتاب‌های ممنوعه و غیرممنوعه از این پاساژ بیرون می‌رفت. بواسطه همین رونق، بعضی از صحافی‌ها و چاپخانه‌های اطراف ناصر خسرو هم در این عرصه فعال شدند. تا سال ۶۵، و قبل از بورس شدن خیابان انقلاب و روبروی دانشگاه تهران، آنجا هنوز بورس کتاب‌فروشی‌های اسلامی بود.

بازشناسی ماهیت طاغوت؛ نیازمند یک نهضت فرهنگی



میشیم نبیلی

سندپردازی دارند که تاریخ‌نویسان ما از آن نامطلع یا بی‌بهره‌اند! مراکز تاریخ‌نویسی و مستندنگاری ما هزاران کتاب تاریخی خوب دارند که روایتگران و داستان‌نویسان و اهالی ادبیات ما از آن‌ها بی‌خبر و بی‌بهره‌اند! داستان‌نویسان خوش ذوق انقلابی، در این سال‌ها ده‌ها کتاب با ادبیات دراماتیک و مستند تولید کرده‌اند که مستندسازان و فیلم‌نامه‌نویسان و فیلم‌سازان ما از آن‌ها و ارزش‌های درونی آن‌ها تاکنون استفاده نکرده‌اند!

و از همه مهم‌تر بسیار عکس، تصویر، متن و سند لایه‌لای این همه کتاب و سند آرشویی وجود دارد که فعالان جنگ سایبری و نیروهای انقلابی فعال در شبکه‌های مجازی و رسانه‌ای با حداقل زحمت می‌توانند آن‌ها را بازسازی و قابل استفاده و اثرگذار برای عموم و به‌خصوص نوجوان‌ها نمایند. اما مع الاسف کمتر این‌گونه است!

ما نیاز به یک نهضت فرهنگی بازشناسی طاغوت داریم. بازشناسی ماهیت طاغوت در ابعاد جهانی و ابعاد داخلی و مصادیق آن.

این نسل باید کسانی را که پدرانش را کشتند و شکنجه کردند، بشناسد. باید کسانی را که ثروت و عزت و هویت تاریخی‌اش را به بیگانگان مفت‌فروشی کردند شناسایی کند و این جز از طریق کار فرهنگی، رسانه‌ای، ادبیات، کتاب و نشر، امکان‌پذیر نیست. مراکز پژوهشی و سرداران تاریخ‌نویسی معاصرمان زحمات زیادی کشیده‌اند، آثار مستند فراوانی تولید کرده‌اند، لیکن این‌ها باید در جامعه‌ما مورد اقبال‌تر و اثرگذارتر شود؛ و این هنر ما‌هالی نشر است.

چه اشکالی دارد که کتاب‌های اسناد لانه جاسوسی آمریکا که در حقیقت سند تام و تمام وابستگی و دیانت سیاسی و فرهنگی سران پهلوی است، تبدیل به ده‌ها رمان قوی پلیسی و رمان‌های متفاوت و همچنین داستان‌های کوتاه و بلند جذاب برای نسل امروز شود؟ آیا دانش‌آموزی یا دانشجویی هست که به فرض دسترسی به آن اسناد، حال و حوصله خواندن و تحلیل آن کتاب‌های اسنادی را داشته باشد؟ حاشا و کلا! این جایک نمونه را متذکر شدم تا معلوم شود بارها و کارهای روی زمین‌مانده‌ما تا چه اندازه است.

نسل دانشجو و دانش‌آموز امروز کشورمان، یک نسل بسیار مهم و راهبردی و ویژه است. این نسل نه‌امام خمینی را و نه دفاع مقدس را و نه حتی هیاهوهای ضدانقلاب و فتنه‌گران را در دهه گذشته، درک عمیق نکرده ولی به‌جای آن در معرض هجوم رسانه‌ای و ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی قرار دارد که با میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری، دشمنانش را برای او بزک می‌کنند و در دل او جاس می‌کنند و از میزان نفرت و اجتنابش از طواغیت می‌کاهند.

اگر دشمن ملت موفق شود این نسل را از ارزش‌ها و داشته‌های ارزشمند خود منقطع نماید و یا از هویت تاریخی و رسالت الهی‌اش منصرف سازد، بزرگترین ضربه را در این مبارزه نرم به اسلام و انقلاب وارد آورده و مقدمه جنگ اصلی را در آینده تدارک نموده است.

آن‌روزی که دشمن ملت، در چشم جوانان و نیروهای آماده به رزم، برق اراده مبارزه و عمق هوشیاری در نگاه خیره به خودش را نبیند، آن روز، روز صدور فرمان حمله است. غارت یک کشور وقتی آغاز می‌شود که مسئولانش به توهم و خوش‌خیالی و جوانانش به بزم‌نشینی و عافیت‌طلبی مبتلا شده و اراده مبارزه با دشمن غارتگر را در درون از دست داده باشند.

در این سال‌ها، جریان معارض، سلطنت‌طلب و پهلوی‌پرست از غفلت‌ها و کم‌کاری‌های امثال ما بهره برده و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای کانال‌های تلگرامی و از همه ماندگارتر از طریق تولید کتاب‌هایی بسیار، به نفع رژیم خون‌خوار و خوک‌صفت پهلوی و برای تقدیس و تطهیر آن موجودات پلید، تمام ظرفیت‌شان را فعال کرده‌اند.

صدها کانال ماهواره‌ای، هزاران شبکه تلگرامی و مجازی مشغول تولید متن، تصویر، کتاب، مقاله، فیلم، مستند و امثال آن برای مخاطب نوجوان و جوان ما هستند. نوجوانانی که به‌خاطر کم‌هنگری و کم‌کاری، سفاکت و سفاقت طاغوت را حس و لمس نکرده‌اند و تاریخ وارونه بر ساخته دشمنان ملت را به‌عنوان قرائت قابل قبول تلقی می‌کنند. این‌گونه است که یک نسل مغلوب جنگ نرم می‌شود. اکنون هنگام شمات نیست. وقت کار است. حتی وقت حرف‌زدن هم نیست؛ وقت تولید و عمل است.

مراکز اسنادی، میلیون‌ها سند و کتاب‌های

”در این سال‌ها، جریان معارض، سلطنت‌طلب و پهلوی‌پرست از غفلت‌ها و کم‌کاری‌های امثال ما بهره برده و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای کانال‌های تلگرامی و از همه ماندگارتر از طریق تولید کتاب‌هایی بسیار، به نفع رژیم خونخوار و خوک‌صفت پهلوی و برای تقدیس و تطهیر آن موجودات پلید تمام ظرفیت‌شان را فعال کرده‌اند“

”چه اشکالی دارد که کتاب‌های اسناد لانه جاسوسی آمریکا که در حقیقت سند تام و تمام وابستگی و دیانت سیاسی و فرهنگی سران پهلوی است، تبدیل به ده‌ها رمان قوی پلیسی و رمان‌های متفاوت و همچنین داستان‌های کوتاه و بلند جذاب برای نسل امروز شود؟“

گفت و گو با دکتر محمد مهدی اسماعیلی درباره نقش دانشگاه در مقابله با تطهیر پهلوی

دانشجو تاریخ انقلاب را از زاویه دید و عینک دشمنان ما خوانده است

محمد علی مرادیان

دکتر محمد مهدی اسماعیلی، مؤلف، پژوهشگر و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران است. درباره نقش و جایگاه دانشگاه در مقابله با جریان تطهیر پهلوی ها و اهمیت موضوع پایان نامه های دانشگاه ها، گفت و گویی با ایشان انجام داده ایم. آنچه می خوانید، حاصل این گفت و گو است:

جایگاه دانشگاه و متون مورد استفاده درباره پهلوی ها را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر مثلث دانشگاه را، دانشجو، استاد و متون درسی بدانیم، می شود درباره هر سه بخش صحبت کرد. در این بین، دانشجو که از سیستم تبعیت می کند و می ماند اساتید و متون. متأسفانه اختلاف نظر های سیاسی به حوزه دانشگاه هم سرایت کرده است و بعضی از اساتید با بغضی که از جمهوری اسلامی در دل دارند دوره پهلوی را بررسی می کنند. اگر هم به تعریف و تمجید آن دوره نپردازند در بهترین وضعیت نسبت به آن دوره سکوت می کنند. در مورد متون هم این گرایش وجود دارد. مثلاً در رشته علوم سیاسی، و در متونی که خود این دوستان استفاده می کنند یک نگاه خنثی نسبت به دوره پهلوی وجود دارد و علاوه بر آن نقاط خاصی از آن دوران را نیز برجسته می کنند و به نقاط ضعف جدی آن ها خیلی توجهی ندارند. همان وضعیتی که در اساتید داریم در متون؛ بخصوص در متونی که خود این اساتید استفاده می کنند؛ هم دیده می شود. به همین نسبت، باز تولیدی که درباره آثار انقلاب اسلامی، در طول این چند دهه در دانشگاه ها صورت گرفته است باعث شده است که فضای عمومی دانشگاه ها و فارغ التحصیلان، به خصوص در رشته های علوم سیاسی و نظایر این ها، با عمق داستان دوره پهلوی و آن اتفاقاتی که در واقع انقلاب اسلامی، محصول این اعتراضات بود؛ نتوانند آشنا شوند. توجه به این مسائل گام

اول و مشکلی است که وجود دارد. در کنار آن تلاش نهادهایی است که باید برای این کار برنامه ریزی کنند. در تمام دانشگاه ها گروه معارف داریم و درس انقلاب اسلامی هم تدریس می شود. بنده از نزدیک با این دوستان آشنا هستم و فعالیت های شان را می بینم ولی به دلیل فقر تولید در حوزه تاریخ اسلامی متناسب با فضای دانشگاهی، آن کار آمدی لازم به وجود نیامده است. در واقع، با درس های معارف و انقلاب اسلامی که جزو دروس عمومی محسوب می شوند بیشتر بانه پاس شدن بر خورد می شود. واقعیت این است که ما نتوانستیم یک تصویر روشنی را از دوره پهلوی به جمع دانشجویان منتقل کنیم.

چه محتوایی در این رابطه مدنظر شماست و تولیدات باید چه ویژگی هایی داشته باشند؟

تولیدات دانشگاهی باید بتوانند با توجه به متد آموزشی در دانشگاه و متناسب با آن تولید شوند. عمده متون ما در این رابطه یک مجموعه تاریخ شفاهی، به همراه مجموعه ای از خاطره ها و یک سری از کتاب هایی که عمدتاً در حوزه خاصی تدوین شده اند هستند. یک سیستم بررسی دقیق در این حوزه نداریم. مثلاً درباره دلایل ناکارآمدی رژیم به اندازه کافی کار نشده است. از مهم ترین سوالاتی که برای دانشجویان ایجاد می شود همین پرسش درباره دلایل ناکارآمدی رژیم سابق و استقرار نظام اسلامی است. دلایل ناکارآمدی رژیم سابق در جای خودش بیان نشده اند.

۳۳

پرونده ویژه
گفت و گو

” باز تولیدی که درباره آثار انقلاب اسلامی، در طول این چند دهه در دانشگاه ها صورت گرفته است باعث شده است که فضای عمومی دانشگاه ها و فارغ التحصیلان، به خصوص در رشته های علوم سیاسی و نظایر اینها، با عمق داستان دوره پهلوی و آن اتفاقاتی که در واقع انقلاب اسلامی، محصول این اعتراضات بود؛ نتوانند آشنا شوند

ماهنامه شمساز کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶



“آن تفاوت‌های رویکردی که اساساً انقلاب اسلامی روی آنها بنا شده است جای تحلیلشان کاملاً خالی است. یعنی تحلیل از منظر نظام توحیدی، از حیث مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناسی، جایگاه انسان در نظام توحیدی، و این نگاه‌هایی که اساساً جنس انقلاب اسلامی را از نوع متداول بررسی‌ها متفاوت می‌کند

“ما الان با دانشجویان دهه هشتاد مواجه هستیم. یعنی دانشجویانی که سه دهه بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند. طبیعتاً برای نشان دادن تفاوت‌ها باید با متدی عمل کرد که برای این دانشجویی که اصلاً سابقه ذهنی از این وقایع ندارد، و بعضاً پدران‌شان هم این دوران را درک نکرده‌اند؛ قابلیت فهم داشته باشد

را از بحث‌های رویکردی جدا کنیم و جاهای نقص آن‌ها را کامل کنیم تا مجموعه همگنی شوند که اگر فردی صد سال آینده هم بخواهد در این زمینه کار کند به نظرش مسأله، موجه جلوه کند. چون کارها در قالب یک سیستم روشن جلو نرفته‌اند، در یک جاهایی متورم است، در جاهایی هم اصلاً کار نشده است. در جاهایی که کار نشده است احتمالاً آن‌ها مفروض تلقی شده‌اند یعنی فکر کرده‌ایم که مخاطب سه‌چهار دهه بعد، به اندازه همان مبارز انقلابی آن دوران این مسائل را متوجه می‌شود و می‌فهمد. وظیفه ما امروز این است که در این چهارچوب نقاط خلاء را پر کنیم و خود اساتید و افراد فعال در این حوزه، خودشان یک توضیحات و ابتکاراتی داشته باشند که با نسل امروز با چه دلایل و چه مجموعه استدلالاتی روبرو شویم. عمدتاً مدرسان ما خودشان افراد خوبی هستند و تجارب حضور در جبهه و جنگ و انقلاب را داشتند، منتها با تصورات و مفروضات خودشان با مخاطب صحبت می‌کردند و همین‌ها این شکاف را تقویت می‌کند.

در آستانهٔ چهل‌سالگی انقلاب، در راستای افشای پهلوی، دانشگاه چه کمکی می‌تواند بکند؟

اساتید و تشکلهای ما باید فعال‌تر شوند. مجموعهٔ معظمی از موضوعات و محورهایی داریم که هنوز کارهای پژوهشی دربارهٔ آن‌ها انجام نشده است. ظرفیت کلاس‌های درسی ما و ظرفیت پایان‌نامه‌های ما در آن طیفی که نیروهای انقلابی وجود دارند باید در اختیار این ظرفیت قرار بگیرد. در یک بررسی تطبیقی، سالانه هزاران پایان‌نامه در این موضوعات نوشته می‌شوند. من

از یک منظر بالاتر، آن تفاوت‌های رویکردی که اساساً انقلاب اسلامی روی آن‌ها بنا شده است جای تحلیلشان کاملاً خالی است. یعنی تحلیل از منظر نظام توحیدی، از حیث مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناسی، جایگاه انسان در نظام توحیدی، و این نگاه‌هایی که اساساً جنس انقلاب اسلامی را از نوع متداول بررسی‌ها متفاوت می‌کند. در عمل، اتفاقی که افتاده است، برجسته کردن بعضی از نقاط ضعف مشهور دورهٔ پهلوی، در آثار عمومی است، مثل بی‌بندوباری‌های مالی و اخلاقی، ضعف بعضی از حوزه‌های تصمیم‌گیری، استبداد و خشونت‌هایی که در هیأت حاکمه وجود داشت. یعنی بیشتر آن مصادیقی عینی است برای نسلی که آن دوره را درک نکرده است. این برای کسانی مناسب است که به نوعی در آن دوران تنفس کرده‌اند. ما الان با دانشجویان دههٔ هشتاد مواجه هستیم. یعنی دانشجویانی که سه دهه بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند. طبیعتاً برای نشان دادن تفاوت‌ها باید با متدی عمل کرد که برای این دانشجویی که اصلاً سابقهٔ ذهنی از این وقایع ندارد، و بعضاً پدران‌شان هم این دوران را درک نکرده‌اند؛ قابل فهم باشد. این شکاف مهمی است که در بسیاری از آثار وجود دارد. بعضی از دوستانی که وقایع آن دوران را می‌نویسند به گونه‌ای کار می‌کنند که انگار مشغول صحبت با جمعیتی هستند که همراه خودشان در آن دوران زندگی کرده‌اند. در واقع یک چیزهایی را مفروض می‌گیرند که در ذهن دانشجوی امروزی مفروض نیست. این مباحث باید از مبانی رویکردی شروع شوند تا در انتها به دلایل برسند. این‌ها یک مجموعه است. ما باید برگردیم و در بازنگری کارهای انجام شده، باید دلایل

”مسئولیت اصلی دانشگاهیان، بازخوانی ماموریت‌هایشان در بحث تولید ادبیات و آثار علمی متناسب با نیازهای شناخت انقلاب در نسل جدید است

اگر اساتید دانشگاهی با این دغدغه‌ها بیشتر آشنا شوند، قطعاً فلش تصمیم‌گیری‌هایشان به سمت این موضوع حرکت خواهد کرد. ما اولاً یک ضعف انتقال دغدغه داریم به این حوزه و ثانیاً اینکه ما غالباً از تنوع‌های روشی در این موضوعات غافل هستیم. انبوهی از ذخایر سندی، تاریخی در موضوعات انقلاب اسلامی داریم که به واسطه عدم استفاده مناسب از روش‌های متناسب در مطالعات، هنوز به خروجی نرسیده‌اند. فرضاً ما هنوز از تکنیک تولید محتوا در بررسی آثار انقلاب اسلامی استفاده نکرده‌ایم. در حالی که اگر این‌ها را وارد کنیم تولیدات متنوع و جدیدی را در اختیار ما قرار خواهند داد! روش تحلیل مضمون استفاده نکرده‌ایم. این هم ضعف دیگری است که دلیل آن شاید ناآشنایی اساتید علوم انسانی با این روش‌های نوین است. فکر می‌کنیم انتقال تاریخ انقلاب و بحث‌های مرتبط با انقلاب با یک روش روایی کفایت می‌کند. اگر اینها با روش‌های مختلفی بازتولید شوند مورد استقبال محافل علمی قرار خواهند گرفت. مجلات مختلفی در موضوع انقلاب اسلامی مطلب می‌نویسند. مطلب کم نیست اما اینکه چرا نتوانستیم ارتباط برقرار کنیم اولاً در آن چهارچوب کلی و دقیق که بتواند یک قرائت نظام‌مند از دلایل ایجاد و ابقای انقلاب اسلامی در اختیار مخاطب قرار دهد کار نکرده‌ایم و ثانیاً از آن طرف چقدر کار تولیدی قوی داریم که اصل تبدیل رژیم گذشته را در دستور کارشان قرار داده‌اند. مخاطبی که فکر می‌کردیم مسائل و دغدغه‌های ما به‌شان منتقل شده است این دغدغه‌های ما را نخوانده است؛ تاریخ انقلاب را با زاویه دید و عینک دشمنان ما خوانده است. ما نیاز به بازخوانی روش‌ها و آسیب‌شناسی از این چهار دهه فعالیت دانشگاهی در زمینه معرفی انقلاب اسلامی داریم.

یک بررسی با کمک دانشجویان این کار انجام دادم. عدد پاسخگویی این پایان‌نامه‌ها به مسائل انقلاب و مسائل حوزه عملیاتی انقلاب، کمتر از ده درصد است. به همین نسبت و بلکه بیشتر، کارهایی در کانون توجه دانشگاه‌های ما قرار گرفته است که اساساً هیچ مسئله‌ای را از مسائل سیستم اداره کشور حل نمی‌کنند. من فکر می‌کنم مسئولیت اصلی دانشگاهیان، بازخوانی ماموریت‌هایشان در بحث تولید ادبیات و آثار علمی متناسب با نیازهای شناخت انقلاب در نسل جدید است. اخیراً بخش‌هایی در کشور فعال شده‌اند که این جهت‌دهی‌ها را ببینند. با اختیارات و مشوق‌هایی را که در سیستم حاکمیتی خود داریم بعضاً از یک مجموعه ضعیف در اقلیت، بروز رفتارهایمان کمتر است. این همه دستگاه‌ها و این همه امکانات، می‌توانند پای کار بیایند و دانشگاه را حمایت و پشتیبانی کنند. نیازها منتقل شود و از دانشگاه تولیدات خوب بخواهند. بیشتر از صنعت؛ که در آن ارتباطمان با دانشگاه قطع است؛ در حوزه علوم انسانی و علوم سیاسی، این ضعف ارتباط به مراتب بیشتر است. بخش عمده‌ای از ظرفیت‌هایمان در اختیار هم‌افزایی و افزایش تولید قرار نگرفته‌اند.

اساتید چه کارهایی می‌توانند انجام دهند که سهم این ده درصد بیشتر شود؟

اولین کار انتقال این دغدغه است. این دغدغه باید به جماعت دانشگاهی منتقل شود. بعضی از دوستان، آن قدر غرق کارهای مختلف هستند که به نوعی دچار روزمرگی در کارها شده‌اند. این وظیفه نهادهای دیگری هم هست که این بازخوانی و این مطالبات را به عرصه فعالیت‌های دانشگاهی بکشانند. ما این ارتباطات را الان کمتر داریم.

”مطلب کم نیست اما اینکه چرا نتوانستیم ارتباط برقرار کنیم اولاً در آن چهارچوب کلی و دقیق که بتواند یک قرائت نظام‌مند از دلایل ایجاد و ابقای انقلاب اسلامی در اختیار مخاطب قرار دهد کار نکرده‌ایم و ثانیاً از آن طرف چقدر کار تولیدی قوی داریم که اصل تبدیل رژیم گذشته را در دستور کارشان قرار داده‌اند



گفت‌وگو با مرتضی احمد آخوندی

دیکتاتوری پهلوی نشر را به سمت خودسانسوری سوق داده بود

سعید ناصری

انتشارات «دارالکتب الاسلامیه» جزو قدیمی‌ترین موسسات انتشاراتی کشور است که از سال ۱۳۱۷ در نجف آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۲۰ در ایران با همین عنوان، تاکنون این فعالیت را ادامه می‌دهند. عمده فعالیت این انتشارات، چاپ کتب مذهبی و اسلامی است. بعضی از کتاب‌ها را این انتشارات به صورت انحصاری چاپ می‌کند. همچنین آغاز انتشار بعضی از معروف‌ترین کتاب‌های مذهبی هم توسط این انتشارات صورت گرفته است. گفتگویی با آقای مرتضی احمد آخوندی صاحب این انتشارات درباره اوضاع و احوال نشر در زمان پهلوی انجام دادیم که پیش روی شماست:

بود و نیازی به مجوز نبود. هر کسی که دلش می‌خواست می‌توانست کتاب چاپ کند. بعد از سقوط پهلوی اول، و در مقطعی که هنوز پهلوی دوم اقتدار خودش را تثبیت نکرده بود و احزاب هم فعال بودند، نشر رونقی گرفت و بلبشویی شد. کتاب‌های توده‌ای‌ها و کتاب‌هایی که به اسلام حمله داشتند خیلی چاپ می‌شد. طبعاً در تقابل با آن‌ها، تعدادی کتاب اسلامی و مذهبی هم چاپ شد. اولین کتاب در این زمینه و برای پاسخ به این گونه حمله‌ها، کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* مرحوم علامه طباطبایی بود که انتشارات ما آن را چاپ کرد. مهندس بازرگان هم جزوه کوچکی در ردمار کسب‌وکار داشت که در دانشگاه چاپ شده بود. کم‌کم از دهه سی، کتاب‌های مذهبی چاپ شدند. آن موقع یک بحث‌هایی درباره التقاط مذهبی و تطبیق قرآن با مسائل و علوم روز و تطابق مسائل اجتماعی در مکاتب الهی و مادی پیش آمده بود. بچه‌مسلمان‌هایی هم بودند با حفظ مسلمانی، به آن سمت گرایش پیدا کرده بودند و گروهی هم از آن طرف به اسلام گرایش پیدا کرده بودند. دو طرف می‌خواستند دلایلی برای این تغییر ایدئولوژی‌ها پیدا کنند. در آن بحبوحه، اولین بار کتاب *لامام علی صوت العنانه* / *الاسانیه* خرداق چاپ شد. این کتاب درباره مسائل اجتماعی و عدالت اجتماعی بحث کرده بود و حکومت آن را مخالفت با رژیم تلقی کرده بودند و به دنبال آن کتاب ممنوع شد. در صورتی که اصلاً کتاب درباره ایران نبود. این کتاب وقتی آمد، حتی نسخه‌های عربی آن را هم جمع

اوضاع احوال نشر در زمان پهلوی به طور کلی به چه گونه‌ای بود؟
من متولد سال ۱۳۲۱ هستم و مطالبی که خواهم گفت درباره اوضاع نشر در زمان پهلوی اول و همچنین اوایل پهلوی دوم، بیشتر از شنیده‌ها است. اوضاع و احوال نشر در زمان پهلوی به دو دلیل، خیلی رونقی نداشت و محدود بود. اول اینکه تعداد افراد باسواد، خیلی کم بودند و دیگر اینکه ترس از مواجهه با دیکتاتوری پهلوی، یک نوع خودسانسوری را در بین این قشر به وجود آورده بود. تا حدی که اولین بار که مفاتیح در این دوره چاپ شده است در صفحه اول آن، ناشر جمله «نشر یافته در عهد پهلوی، خُذ الله ...» دیده می‌شود که به نوعی با تعریف از این خاندان، دچار مشکلات بعدی نشوند. چاپ و نشر در زمان پهلوی اول متولی خاصی نداشت و وزارت فرهنگ و هنر در دوره پهلوی دوم تشکیل شد و متولی گری امور نشر را برعهده گرفت. به دلیل اختناق دوره پهلوی اول، نویسندگان اکثراً غریب‌زده‌ها بودند و با جرئت می‌توان گفت که تعداد کتاب‌های مذهبی چاپ‌شده در زمان قاجاریه و ناصرالدین‌شاه، بیشتر از دوره پهلوی اول بود. البته در همان زمان، کتاب‌ها و رمان‌ها و بعضی از دیوان‌هایی که اشعار آن چنانی داشتند و از نظر اخلاقی دچار اشکال بودند زیاد بود. پدرم نقل می‌کردند که خیلی از علماء از ترس اذیت و آزار رژیم، کتاب‌هایشان را در لابلای دیوارها دفن می‌کردند و اکثراً هم دچار صدمات جدی ناشی از موربانه و دیگر صدمات می‌شدند. نشر هم بر عهده کتابفروشان

نشر در زمان پهلوی به دو دلیل، خیلی رونقی نداشت و محدود بود. اول اینکه تعداد افراد باسواد، خیلی کم بودند و دیگر اینکه، ترس از مواجهه با دیکتاتوری پهلوی، یک نوع خودسانسوری را در بین این قشر به وجود آورده بود

خیلی از علماء از ترس اذیت و آزار رژیم، کتاب‌هایشان را در لابلای دیوارها دفن می‌کردند و اکثراً هم دچار صدمات جدی ناشی از موربانه و دیگر صدمات می‌شدند

بعد از جریان سوءقصد به شاه، جلوی کتاب‌های کمونیستی را گرفتند. کتاب‌های اسلامی به نسبت آنها کمی آزادتر بودند تا سال ۱۳۴۲ و ماجرای ۱۵ خرداد و اینها که بعد از آن واقعه و احساس خطر رژیم به آنها هم سخت‌گیری شد

حمایت از بعضی از ناشران و نویسندگان در زمان پهلوی دوم، مقدمه‌ای برای تغییر تاریخ و اتصال خاندان پهلوی به سلسله‌های پادشاهی باستانی ایرانی بود که اصل آن از پهلوی اول شروع شده بود

رساله حضرت امام (ره) هم تا سال ۴۲ که دستگیر شدند چاپ نشده بود. بعد از آن و برای اولین بار توسط مرحوم «مصدقی» که پدر بزرگ مادری آقای حداد عادل بودند چاپ می‌کردند. کتاب ولایت فقیه را در نجف چاپ کردند و حوالی سال ۱۳۵۰ وارد ایران شد

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶



آن و برای اولین بار توسط مرحوم «مصدقی» که پدر بزرگ مادری آقای حداد عادل بودند چاپ شد. کتاب ولایت فقیه را در نجف چاپ کردند و حوالی سال ۱۳۵۰ وارد ایران شد. کتاب بر اساس حروف چینی عراقی بود و در ایران به صورت مخفیانه تکثیر شد. سال‌ها پشت جلد نداشتند که مشخص نشود مربوط به کدام مرجع است. گاهی هم اسلامی را عوض می‌کردند و به نام‌هایی شبیه آیت‌الله موسوی و نظایر این‌ها چاپ می‌شد. محمدرضا کتابچی، مسئول انتشارات علمیه اسلامی‌ها از جمله اولین کسانی بود که به دلیل چاپ رساله حضرت امام علیه السلام دستگیر و زندانی شدند. بخشی هم اعلامیه‌های حضرت امام علیه السلام بودند که به صورت مخفیانه در بعضی از چاپخانه‌ها چاپ می‌شدند. اعلامیه چون یک برگ واحد بود سریع چاپ می‌شد و اسم چاپخانه هم روی آن نبود. اکثراً هم شبانه چاپ می‌شدند. یک‌سری از اعلامیه‌ها هم با دستگاه «پلی کپی» که تازه آمده بود چاپ می‌شدند. کارمندان و کارگران بعضی شرکت‌های بزرگ، مثل شرکت‌های دارویی که این دستگاه‌ها را داشتند، مخفیانه این اعلامیه‌ها را در ساعت‌های تعطیلی شرکت چاپ می‌کردند.

کتاب‌های ممنوعه دوران پهلوی چه کتاب‌هایی بودند و چه محتوایی داشتند؟
ما البته بیشتر، وقتی جلو بخش کتابی را می‌گرفتند متوجه ممنوعه بودن آن می‌شدیم. کتاب سرگذشت فلسطین آیت الله هاشمی رفسنجانی که ترجمه کتابی

کردند. یک «محرم‌خان» نامی بود که از طرف شهرداری وظیفه نظارت بر کتاب‌ها را داشت و آدم زیرک و مسلطی بود. با نگاه به گارسه‌های حروف؛ که برعکس هم هستند؛ به سرعت نوشته‌ها را می‌خواند و متوجه موضوع کتاب می‌شد. اگر اشکالی می‌دیدند یا کتاب را توقیف می‌کردند یا ناشر و چاپخانه را مجبور به تغییر نوشته‌ها می‌کردند. تیراژ کتاب‌های مذهبی هم بسیار محدود بود. هفت‌هشت سال طول می‌کشید که کل نسخه‌های کتابی با ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ تیراژ به فروش برسد. در دهه چهل موضوعات اجتماعی و سیاسی در کتاب‌ها نوشته شدند و متفکرینی مثل شهید مطهری، بهشتی و امثال این‌ها دست‌به‌کار شدند. از سال ۳۷ یا ۳۸ هم مجله مکتب اسلام شروع به کار کرده بود و تیپ مذهبی هم علاقه‌مند به مطالعه شده بود و کتاب‌های ردیه بر مکاتب مختلف و همچنین کتاب‌های متون اصلی اسلامی کم‌کم چاپ شدند. با وجودیکه این کار درآمدی نداشت، اما استقبال دانشمندان و دانشجویان، بهترین مشوقی بود که ناشرین این کار را ادامه دهند. بعد از جریان سوءقصد به شاه، جلوی کتاب‌های کمونیستی را گرفتند. کتاب‌های اسلامی به نسبت آنها کمی آزادتر بودند تا سال ۱۳۴۲ و ماجرای ۱۵ خرداد و اینها که بعد از آن واقعه و احساس خطر رژیم به آنها هم سخت‌گیری شد.

از سال ۴۷ دستور دادند که کتاب‌ها از آدانه چاپ شوند ولی حق خروج از چاپخانه‌ها را نداشتند. باید نمونه‌هایی از کتاب را به کتابخانه ملی می‌فرستادند و آن‌ها هم بعد از بررسی یک رسید می‌دادند و این رسید مجوز انتشار و توزیع آن بود. اگر هم کتاب اشکالاتی داشت یا کلاً ممنوع می‌شد یا ناشر را مجبور به اصلاح بخش‌هایی از آن می‌کردند.

جبهه ناشران طرفدار پهلوی‌ها چه کسانی بودند؟

حمایت از بعضی از ناشران و نویسندگان، در زمان پهلوی دوم، مقدمه‌ای برای تغییر تاریخ و اتصال خاندان پهلوی به سلسله‌های پادشاهی باستانی ایرانی بود که اصل آن از پهلوی اول شروع شده بود. بحث‌هایی شبیه اینکه ایران تمدن باستانی دارد و همچنین شروع بحث‌های زرتشتی‌گری و این‌ها هم ریشه در همین عقیده و تصمیم دارد. از معروف‌ترین این نویسندگان شجاع‌الدین شفاء بود. ناشران خاصی هم بودند که تمایل به چاپ کتاب‌های این نویسندگان داشتند که ما مرادمانی با آنها نداشتیم.

اولین کتاب‌های حضرت امام (ره) چه کتاب‌هایی بودند و به چه شیوه‌هایی چاپ و توزیع می‌شدند؟

اولین کتاب حضرت امام علیه السلام کتابی انتقادی بود که در مورد نظرات امثال «احمد کسروی» و «شریعت سنگلجی» نوشته شده بود و کتابفروشی‌هایی مثل «علمیه اسلامی» در ناصر خسرو آن را می‌فروختند. رساله حضرت امام علیه السلام هم تا سال ۴۲ که دستگیر شدند چاپ نشده بود. بعد از

”کتاب ولایت فقیه حضرت امام تا سال ۵۷ به صورت کاملاً مخفیانه توزیع می‌شد و رژیم خیلی در جریان توزیع و انتشار آن نبود

از «اکرم زعیت» بود و بعد از یکی دو چاپ، توقیف شد. بعضی از کتاب‌های جلال آل احمد، مثل غرب‌زدگی و بعضی از کتاب‌های مهندس بازرگان هم ممنوع بودند. کتاب ولایت فقیه حضرت امام تا سال ۵۷ به صورت کاملاً مخفیانه توزیع می‌شد و رژیم خیلی در جریان توزیع و انتشار آن نبود. از اسامی جعلی هم برای چاپ و توزیع کتاب‌ها خیلی استفاده می‌شد. مثلاً از اسم سبزواری برای کتاب‌های دکتر شریعتی خیلی استفاده می‌شد.

بحار الانوار مرحوم مجلسی که سبک جدید آن است، از سال ۱۳۳۳ توسط نشر ما چاپ می‌شود. همچنین تفسیر نمونه از سال ۱۳۵۲، تفسیر عربی‌المیزان از سال ۱۳۳۲ و دوره کتاب‌الغدیر علامه امینی به عربی از سال ۱۳۳۰ و مرآت‌العقول علامه مجلسی از سال ۱۳۵۲ نمونه‌های دیگری از کتاب‌های مذهبی چاپ‌شده توسط انتشارات ما هستند. اولین کتاب علامه جعفری با عنوان ارتباط انسان و جهان نیز توسط انتشارات ما چاپ شد.

نقش ناشران در پیروزی انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در یک زمانی نزدیک انقلاب، به دلایلی بحث باز سیاسی پیش آمد. حواس ساواک به سمت افراد و اجتماعات رفت و یک حالت عدم قدرت ایجاد شد. اکثر کتاب‌های ممنوعه توسط افراد مختلف در این مقطع چاپ و توزیع شدند. تیراژ کتاب‌ها هم بالا رفت و مردم هم می‌خواندند. ما معتقدیم که انقلاب اسلامی، قبل از هر چیزی، یک انقلاب فرهنگی بود و بنابراین نمی‌توان از نقش کتاب و نشر در این انقلاب چشم پوشید. آگاهی دادن به مردم حداقل این نقش در مبارزه بود.

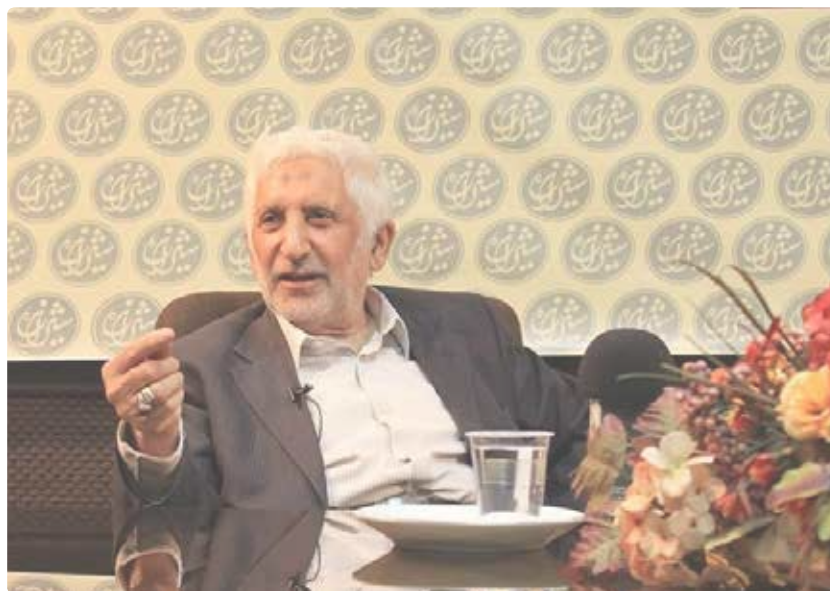
از فعالیت اختصاصی انتشارات خودتان در آن دوران بگویید

انتشارات ما جزو اولین نشرهایی بود که به چاپ و توزیع کتب مذهبی روی آورد. کتاب شب‌های پیشاور توسط انتشارات ما چاپ شد. کتاب نوید/من و امان با موضوع امام عصر (عج) که توسط آیت‌الله صافی گلپایگانی نوشته شده بود توسط نشر ما چاپ شد که البته رژیم ما را ملزم به تغییرات بخش‌هایی از آن کرد. دوره ۱۱۰ جلدی

محتوای مورد تأیید پهلوی‌ها چه موضوعاتی بودند؟

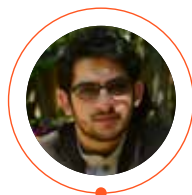
در همان زمان، ناشرانی بودند که دنبال این کارها بودند و با انگیزه‌های مختلف، می‌خواستند باب طبع حکومت بنویسند و انتشار دهند. حکومت هم طالب این مباحث بود و می‌خواست مردم به خودشان مشغول باشند و کاری به حکومت نداشته باشند. در همان دوره پهلوی اول که منبرها ممنوع بودند افرادی مثل شریعت سنگلجی کاملاً آزاد بودند و حتی آزادانه در منبر و دانشگاه، وهابیت را تبلیغ می‌کردند و کاملاً مورد حمایت دستگاه بودند. منتقدین تشیع به راحتی می‌توانستند صحبت کنند و کتاب‌هایشان چاپ می‌شد اما به طرف مقابل خیلی اجازه پاسخ‌گویی نمی‌دادند. از کسانی که با مقابله با این جریان‌ها پرداختند مرحوم بروجردی بودند. مرحوم بروجردی به انحاء مختلف توانستند با این جریان‌ها مقابله کنند. از جمله حمایت ایشان از سخنران معروف، مرحوم فلسفی بود. مرحوم فلسفی، در سطح بالایی از سواد و سخنوری بودند و مسائل را به خوبی برای مردم تبیین می‌کردند.

”در همان دوره پهلوی اول که منبرها ممنوع بودند افرادی مثل شریعت سنگلجی کاملاً آزاد بودند و حتی آزادانه در منبر و دانشگاه، وهابیت را تبلیغ می‌کردند و کاملاً مورد حمایت دستگاه بودند. منتقدین تشیع به راحتی می‌توانستند صحبت کنند و کتاب‌هایشان چاپ می‌شد اما به طرف مقابل خیلی اجازه پاسخ‌گویی نمی‌دادند



ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

لزوم تبیین ابعاد مختلف رژیم پهلوی برای مقابله با جریان تطهیر پهلوی‌ها



محمدعلی مرادیان

امام خمینی **رحمته**:

«این سلطنت پهلوی از اول که پایه‌گذاری شد برخلاف قوانین بود. آن‌هایی که در سن من هستند می‌دانند و دیده‌اند که مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با سرنیزه تأسیس شد. ملت هیچ دخالت نداشت در مجلس مؤسسان. مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند، و با زور وکلای آن را وادار کردند به اینکه به رضا شاه رأی سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود.» صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۰ - ۱۱.

هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان نرم «تطهیر پهلوی» توسط مخالفان و معاندن نظام، برخی روشنفکران و همچنین دبستانان رژیم پهلوی آغاز شد. این جریان در ابتدا سعی در قیاس‌پذیر کردن اقدامات «حکومت حق» با «حکومت طاغوت» و ساخت تصویری واحد از اقدامات این دو حکومت در ذهن‌ها کرد، اما با گذشت زمان و فقدان مقابله‌ای منسجم با این جریان از سوی نخبگان فرهنگی، نویسندگان، ناشران و... و همچنین عملکردهای اشتباه برخی از دولت‌مردان و چهره‌های سیاسی در برهه‌هایی از زمان، موجب قوت گرفتن این جریان معارض شد. این جریان از طرق

گوناگون سعی در سالم‌تر و پاک‌دست‌تر نشان دادن دوره پهلوی‌ها نسبت به دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دارد و با در خدمت گرفتن ناشران، روشنفکران، برخی سیاسیون و رسانه‌ای‌ها، با اشاعه اکاذیب کار را تا جایی رسانده‌اند که ادعا می‌کنند «رضاشاه و محمدرضاشاه» فقط در صدد خدمت به ملت بودند و در زمانشان ایران عزتی بی‌نظیر داشته است؛ در این تصویر خبری از جنایات «رضاشاه» در «مسجد گوهرشاد»، قانون «کشف حجاب»، بخشیدن کوه‌های استراتژیک «آارات» به «ترکیه»، قرارداد ننگین «داری» و ترویج خودکم‌بینی ملی، بی‌خبرنگاه‌داشتن مردم از مسائل کشور، نابود کردن صنایع ملی، نادیده گرفتن مردم، وابستگی به قدرت‌های خارجی، دیکتاتوری و خفقان، کشتار وحشیانه مردم، تحقیر ملت ایران، جنایات رژیم و عمال آن، جنایات و شکنجه‌گری‌های ساواک، خفت و خواری ملت ایران در برابر دولت‌های غربی، «کاپیتولاسیون»، فسادهای اخلاقی، جنسی و مالی سران و مسئولین رژیم، بخشش‌های مالی بی‌حدوحصر به دولت‌های فاسد غربی و عربی منطقه و... نیست. لذا به نظر می‌رسد تبیین و مرور جنایات و فسادهای اخلاقی و مالی عظیم پهلوی‌ها به عنوان اقدامی مقابله‌جویانه با

جریان نرم «تطهیر پهلوی» توسط مخالفان و معاندن نظام، برخی روشنفکران و همچنین دبستانان رژیم پهلوی آغاز شد. این جریان در ابتدا سعی در قیاس‌پذیر کردن اقدامات «حکومت حق» با «حکومت طاغوت» و ساخت تصویری واحد از اقدامات این دو حکومت در ذهن‌ها کرد، اما با گذشت زمان و فقدان مقابله‌ای منسجم با این جریان از سوی نخبگان فرهنگی، نویسندگان، ناشران و... و همچنین عملکردهای اشتباه برخی از دولت‌مردان و چهره‌های سیاسی در برهه‌هایی از زمان، موجب قوت گرفتن این جریان معارض شد



۹۹ افشا و تبیین
ابعاد مختلف فساد، جنایات، تفکرات و... دوران پهلوی‌ها از آن دسته از موضوعاتی است که مورد تأکید حضرت امام (رحمه‌الله) و مقام معظم رهبری بوده است

۹۹ با توجه به
فعالیت‌های جریان معارض در قلب کردن حقیقت و ساخت چهره‌ای غیر حقیقی و باشکوه از پهلوی‌ها و خنثی کردن جنایات و فسادهای آن رژیم با دروغ‌سازی‌ها، صرف هزینه‌های هنگفت و تهیه محصولات رسانه‌ای و همچنین با توجه به تأکید مکرر حضرت امام (رحمه‌الله) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر لزوم تقابل با این جریان، بایسته و لازم است که جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با تمام ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، تخصصی، رسانه‌ای، تولیدی و غیره‌ای که داراست به مقابله با این جریان و تبیین ابعاد مختلف رژیم پهلوی بپردازد

مانمانه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

داراست به مقابله با این جریان و تبیین ابعاد مختلف رژیم پهلوی بپردازد. قطعا این کار می‌تواند در آستانه چهلین سال انقلاب اسلامی بهانه‌ای برای ادای تکلیفی که بر دوش تمامی ظرفیت‌های فرهنگی کشور می‌باشد، گردد.

برای ادای چنین تکلیف خطیری می‌بایست: اولاً، با کمک اساتید مؤمن و انقلابی در حوزه تاریخ معاصر، به تولید و اولویت‌بندی سوژه‌ها، نقاط حساس و مهم تاریخ دوران پهلوی‌ها، بررسی و ارزیابی کتاب‌های تبیین‌کننده دوران پهلوی‌ها، تهیه سیرهای مطالعاتی، تهیه بسته‌های پیشنهادی مطالعاتی برای مطالعه دوران پهلوی، پیشنهاد و مشاوره برای تولید کتاب‌ها در قالب‌های متفاوت و... پرداخته شود.

ثانیاً، ناشران، نویسندگان و اهالی قلم با استفاده و بهره‌گیری از خروجی‌های اساتید تاریخ معاصر، به تولید و نگارش کتاب‌هایی با موضوعات تاریخ معاصر پرداخته و محصولات جدیدی در قالب‌های گوناگون کتاب مانند، رمان، داستان کوتاه و... بپردازند.

ثالثاً، با برگزاری جلساتی هم‌افزا با حضور اهالی فرهنگ و مجموعه‌های دارای دغدغه و ظرفیت فرهنگی مانند، صداوسیما، مجموعه‌های فرهنگی، شهرداری‌ها، سازمان‌های فرهنگی، حوزه هنری، ظرفیت‌های رسانه‌ای و... اقدام به ساخت محصولات فرهنگی اعم از فیلم، سریال، تیزر، نماهنگ، رسانه‌های تخصصی، کتابخانه‌های تخصصی و... گردد.

نتیجه انجام این موارد سه‌گانه، تولید محصولات فرهنگی متعدد، گوناگون و ماندگاری است که در بازه‌ای دوساله روانه بازار می‌گردد و خود، سدی محکم در برابر جریان تطهیرکننده پهلوی‌ها خواهد شد، ان شاء الله.

جریان نرم «تطهیر پهلوی»، تکلیفی بر دوش نیروهای فرهنگی مؤمن و انقلابی باشد.

افشا و تبیین ابعاد مختلف فساد، جنایات، تفکرات و... دوران پهلوی‌ها از آن دسته از موضوعاتی است که مورد تأکید حضرت امام (رحمه‌الله) و مقام معظم رهبری بوده است. نقل است که حضرت امام (رحمه‌الله) به جناب حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی فرموده بودند که «بروید از این پدر و پسر (رضاشاه و محمدرضا) بنویسید که سی سال بعد از این‌ها انوشیروان عادل نسل‌ازند»، همچنین مقام معظم رهبری در متعدد سخنرانی‌های خود تعریضاتی در مورد ابعاد مختلف شخصیت پهلوی‌ها و رژیم پهلوی بیان داشته‌اند. برای مثال ایشان در بیانات خود در تاریخ ۹۴/۰۷/۲۰ رضاخان را با تعبیری چون «سفاک، قلدز، بی‌رحم، خشن و مال‌دوست» و محمدرضا را با تعبیری چون «وابسته، فاسد، نجس اخلاقی، ضعیف‌النفس و زورگو» معرفی می‌کند. همچنین ایشان تأکید دارند که جریان معارض و تطهیرکننده پهلوی‌ها در پی معرفی پهلوی‌ها به عنوان انسان‌هایی خدوم، قابل قبول و... هستند و برای این کار فکر می‌کنند، هزینه می‌کنند و کتاب چاپ می‌کنند.

لذا با توجه به فعالیت‌های جریان معارض در قلب کردن حقیقت و ساخت چهره‌ای غیر حقیقی و باشکوه از پهلوی‌ها و خنثی کردن جنایات و فسادهای آن رژیم با دروغ‌سازی‌ها، صرف هزینه‌های هنگفت و تهیه محصولات رسانه‌ای و همچنین با توجه به تأکید مکرر حضرت امام (رحمه‌الله) و مقام معظم رهبری بر لزوم تقابل با این جریان، بایسته و لازم است که جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با تمام ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، تخصصی، رسانه‌ای، تولیدی و غیره‌ای که

وزرا قبل از انقلاب در ازای وزارت ماهانه به شاه پول می‌دادند

۴۱

پرونده ویژه
گزارش

”رفرم یک حرکت
تدریجی و قانونی به
منظور اصلاح شیوه
حکومت تحت فشار
است و لذا آنچه انقلاب
مشروطه خوانده
می‌شود نیز رفرم به
شمار می‌رود

”انقلاب کاملترین و
نادرترین نوع دگرگونی
سیاسی، اجتماعی
است و حرکت بنیادی و
مردمی در جهت تغییر
ساختارها، روش‌ها و
رهبری توأم با خشونت
داخلی است

”انقلاب ۱۷۸۹
فرانسه، انقلاب ۱۹۱۷
روسیه، انقلاب ۱۹۴۹
چین، انقلاب ۱۹۵۹
کوبا و انقلاب اسلامی
ایران و نیکاراگوئه در
سال ۱۹۷۹ از جمله
موفق‌ترین انقلاب‌ها در
تاریخ بشریت بوده‌اند

ماهنامه شيرازه‌کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

حرکتی غیرقانونی و توطئه‌آمیز علیه حاکمیت از درون حاکمیت است و مردم هیچ نقشی در کودتا ندارند و معمولاً نظامی‌ها اقدام به کودتا می‌کنند.
محمدی با اشاره به کودتا علیه قذافی در لیبی تصریح کرد: گاهی این گونه کودتاها به‌عنوان انقلاب مطرح می‌شوند، در حالی که این‌ها انقلاب نیست و انقلاب تقدس دارد.

وی در ادامه اظهار داشت: انقلاب کاملترین و نادرترین نوع دگرگونی سیاسی، اجتماعی است و حرکت بنیادی و مردمی در جهت تغییر ساختارها، روش‌ها و رهبری توأم با خشونت داخلی است.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه انقلاب‌های موفق در تاریخ مدون بشریت از ۶ تا تجاوز نمی‌کند، گفت: انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، انقلاب ۱۹۴۹ چین، انقلاب ۱۹۵۹ کوبا و انقلاب اسلامی ایران و نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۹ از جمله موفق‌ترین انقلاب‌ها در تاریخ بشریت بوده‌اند.

وی با تأکید بر اینکه انقلاب همانند انسان از سه عنصر جسم، روح و مغز تشکیل شده است، بیان داشت: انقلاب در سطح ملی و جهانی اثر می‌گذارد، مثل انقلاب فرانسه و چین که اولی کل جهان غرب و روسیه و دومی کل جهان شرق را متحول کرد.

انقلاب اسلامی کل جهان اسلام را متحول کرد

محمدی در ادامه با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران کل جهان اسلام را متحول کرد، تصریح کرد: لازمه توفیق هر انقلابی داشتن سه مؤلفه مشارکت مردمی، مکتب انقلاب (ایدئولوژی) و رهبری است.

وی با بیان اینکه انقلاب از تضاد دو قدرت سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آید، گفت: قدرت سیاسی ابزار

منوچهر محمدی، در اولین جلسه از سلسله نشست‌های بررسی انقلاب اسلامی که با حضور دانشجویان دانشکده رسانه خبرگزاری فارس و اعضاء باشگاه خبری توانا برگزار شد، به ارائه تعریف انقلاب پرداخت و گفت: انقلاب به معنای تغییر و دگرگونی است و انقلاب اسلامی سال ۵۷ ایران نیز انقلابی سیاسی و اجتماعی بود.

وی با بیان اینکه هر نوع دگرگونی سیاسی- اجتماعی انقلاب محسوب نمی‌شود، افزود: برخی از دگرگونی‌ها ممکن است شورش، رفرم یا اصلاح باشند، در حالیکه به همه این‌ها انقلاب گفته نمی‌شود.

این کارشناس مسائل سیاسی گفت: به‌عنوان مثال قیام گاندی در هند نهضت استقلال طلبانه بود؛ نه انقلاب و این نهضت حرکت مردمی علیه حاکمیت بیگانه است که تحول فرهنگی هم به همراه نداشت.

استاد دانشگاه تهران در ادامه به رفرم یا اصلاح اشاره کرد و اظهار داشت: رفرم یک حرکت تدریجی و قانونی به منظور اصلاح شیوه حکومت تحت فشار است و لذا آنچه انقلاب مشروطه خوانده می‌شود نیز رفرم به شمار می‌رود.

محمدی درباره مفهوم شورش نیز گفت: شورش حرکت مردمی در جهت سقوط نظام حاکم است و شورش کنندگان برنامه‌ای برای جایگزینی ندارند؛ به‌عنوان مثال در شورش مردم در مصر علیه حاکمیت مردم شعار مرگ بر حسنی مبارک را سردادند؛ اما زنده باد بر کسی رانداشتند.

وی افزود: شورش حرکتی ناقص و خیزش علیه نظام حاکم بدون برنامه و رهبری است و معمولاً به کودتا، رفرم یا انقلاب تبدیل می‌شود به طوری که در فیلیپین شورش علیه مارکوس به رفرم و در سودان به کودتا و در ایران به انقلاب تبدیل شد.

این کارشناس مسائل سیاسی بیان داشت: کودتا



“در دوران قاجار تا حدودی استقلال نسبی وجود داشت ولی در دوران پهلوی هیچگونه استقلالی نبود و قدرت‌های خارجی در ابتدا رضاخان میرپنج بی‌سواد را در کودتای ۱۲۹۹ و پس از آن در سال ۱۳۲۰ هم محمدرضا شاه را بر سر کار آوردند و در کودتای ۱۳۳۲ هجری شمسی به آن قدرت بخشیدند

مادی قدرت و قدرت اجتماعی ابزار معنوی قدرت را در اختیار دارد.

این کارشناس مسائل سیاسی افزود: ابزار مادی قدرت نیروهای مسلح، نظامی، اقتصادی، ساختاری حقوقی و سیاسی و حمایت خارجی است و ابزار اجتماعی قدرت از پیوند رهبری و مشارکت مردمی و برخورداری از یک مکتب انقلاب تشکیل شده است و مثل سه عنصر وجودی انسان (جسم، روح و مغز) به هم پیوسته‌اند.

محمدی اظهار داشت: تعارض میان دو قدرت سیاسی و اجتماعی در دو صورت موجب پیروزی انقلاب می‌شود در حالت اول این طور است که قدرت سیاسی ضعیف شود به طوریکه به‌راحتی قدرت اجتماعی بر موج سوار شود و پیروز شود که انقلاب فرانسه و روسیه و چین از این نوع بودند.

پیروزی انقلاب اسلامی بر اثر غلبه قدرت اجتماعی بر سیاسی بود

وی افزود: نوع دوم انقلاب مانند انقلاب اسلامی ایران به این صورت است که قدرت اجتماعی آنقدر قوی شود که به‌راحتی بر قدرت سیاسی غلبه کند.

این کارشناس مسائل سیاسی بیان داشت: قبل از انقلاب قدرت سیاسی ایران همه ویژگی‌ها، حمایت‌ها و عوامل قدرت را به طور کامل در اختیار داشت، به طوریکه خزانه با افزایش قیمت نفت پراز پول بود و ایران نه تنها به جایی بدهکار نبود، بلکه با وام دادن به کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی از آن‌ها طلبکار هم بود.

محمدی تصریح کرد: ایران قبل از انقلاب قدرت سیاسی قدرتمندی داشت و از لحاظ مالی هیچگونه مشکلی نداشت؛ ولی در فرانسه، روسیه و چین خزانه مملکت قبل از انقلاب خالی بود و با وضعیت ایران قبل از

انقلاب برابری نمی‌کرد.

کارشناس مسائل سیاسی به بیان وضعیت نظامی ایران قبل از انقلاب پرداخت و تصریح کرد: ارتش ایران قبل از انقلاب با پنجاه‌هزار نیرو یک ارتش کاملاً قوی و مجهز به آخرین سلاح‌های ساخته شده در جهان بود که حتی خود آمریکا هم فاقد آن سلاح‌ها بود و از آنجا که قرار بود ایران ژاندارم منطقه باشد، به همین دلیل بسیار به شاه وفادار بود، حتی با وجود تضادهایی که بین شوروی و آمریکا وجود داشت، ایران از حمایت هر دو بلوک بهره می‌برد.

استاد دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه برای شناسایی انقلاب اسلامی باید قدرت سیاسی را شناخت، گفت: قدرت سیاسی ایران بر پایه دیکتاتوری از چهارهزار سال پیش شکل گرفته بود و اگر در طی این سال‌ها سلسله‌ای شکل گرفته بود بر اثر جنگ و خونریزی بوده و مردم هیچ نقشی در تشکیل آن سلسله‌ها نداشته‌اند.

محمدی افزود: در دوران قاجار تا حدودی استقلال نسبی وجود داشت؛ ولی در دوران پهلوی هیچگونه استقلالی نبود و قدرت‌های خارجی در ابتدا رضاخان میرپنج بی‌سواد را در کودتای ۱۲۹۹ و پس از آن در سال ۱۳۲۰ هم محمدرضا شاه را بر سر کار آوردند و در کودتای ۱۳۳۲ هجری شمسی به آن قدرت بخشیدند.

وی تصریح کرد: محمدرضا شاه هر روز با سفرای انگلیس و آمریکا دیدار داشت و آن‌ها برای وی دستورالعمل صادر می‌کردند به طوریکه نام نمایندگان مجلس از سفارت انگلیس و آمریکا دیکته می‌شد و دیکتاتوری مطلقه بود.

این کارشناس مسائل سیاسی اظهار داشت: رضا شاه هر کاری انجام می‌داد در جهت منافع قدرت‌های سلطه‌گر بود و فساد و فحشا در آن دوران در اوج بود.

“محمدرضا شاه هر روز با سفرای انگلیس و آمریکا دیدار داشت و آن‌ها برای وی دستورالعمل صادر می‌کردند به طوریکه نام نمایندگان مجلس از سفارت انگلیس و آمریکا دیکته می‌شد و دیکتاتوری مطلقه بود

وزرا قبل از انقلاب به ازای پستشان، ماهانه مبلغی به شاه پرداخت می کردند

محمدی با بیان اینکه مشاغل در آن زمان دارای قیمت بود، گفت: وزرا به ازای تصدی پستشان در دولت باید به صورت ماهانه به شاه مبلغی پرداخت می کردند و این مبالغ از راه های نامشروع توسط زیردستان تهیه می شد. وی افزود: به علت قدرت سیاسی و حمایت های بین المللی و وجود هشتاد هزار مشاور خارجی در دستگاه های دولتی رژیم پهلوی و وجود ساواک بسیار مخوف که هر صدایی علیه حکومت را به سرعت خفه می کرد، به هیچ عنوان رژیم شاه و آمریکا پیش بینی انقلاب اسلامی را در ایران نمی کردند.

استاد دانشگاه تهران بیان داشت: شش ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان های CIA (سیا) و DIA (سازمان اطلاعاتی ارتش) مشترکاً گزارشی به آمریکا مبنی بر اینکه تازه سال آینده رژیم پهلوی تضمین است، ارائه و در آن اعلام کردند که نه تنها هیچ اتفاقی نمی افتد بلکه ایران شرایط پیش از انقلاب را هم ندارد.

وی با بیان اینکه عامل سقوط رژیم پهلوی قدرت اجتماعی بود، اظهار داشت: برای ما هم در آن دوران برخورداری از چنین قدرت اجتماعی که به دست خالی و بدون اسلحه به سمت پیروزی پیش رود باور کردنی نبود. این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه امام خمینی رحمه الله از پانزده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه ریزی خود برای پیروزی انقلاب را آغاز کرده بود، تصریح کرد: زندگی سیاسی امام به چهار مرحله قابل تقسیم است که یکی دوره ظهور ایشان به عنوان رهبر انقلاب بود؛ زیرا بعد از فوت آیت الله بروجردی و آیت الله کاشانی شاه تصور می کرد که دیگر فرد قدرتمندی در عالم مذهب وجود ندارد.

محمدی افزود: قبل از انقلاب مراجع به طور مستقیم به شاه انتقاد نمی کردند و معمولاً نخست وزیر

و دولت را خطاب قرار می دادند؛ اما ویژگی حضرت امام خمینی رحمه الله مورد انتقاد قرار دادن شاه و حمله مستقیم به شخص شاه بود.

وی به انتقاد امام خمینی رحمه الله به آمریکا و اسرائیل به عنوان دومین مرحله از زندگی سیاسی امام اشاره کرد و اظهار داشت: از آنجا که آمریکایی ها در ملی شدن صنعت نفت در ابتدا دخیل بودند و بعد منجر به شکل گیری کودتای ۲۸ مرداد شدند به همین دلیل رهبران سیاسی جهان سوم معتقد بودند که بدون پیوستگی به یک قدرت بیرونی نمی شود کاری را پیش برد.

این کارشناس مسائل سیاسی بیان داشت: مرحله سوم از زندگی سیاسی امام خمینی رحمه الله مرجعیت سیاسی و مذهبی ایشان بود، زیرا در دوران های قبل معمولاً مراجع مذهبی وارد سیاست نمی شدند و حتی حوزه علمیه قم دخالتی در امور سیاسی نداشت و حضرت امام خمینی رحمه الله نه تنها مرجعیت سیاسی و مذهبی را به هم پیوند داد، بلکه قم را هم سیاسی کرد.

وی با اشاره به دوران تبعید سیزده ساله امام در ترکیه و نجف اشرف گفت: چهارمین دوره سیاسی زندگی امام ظهور ایشان به عنوان ایدئولوگ و تئورسین انقلاب بود و با کتب تحریرالوسیله و حکومت اسلامی یک نوآوری عجیبی ایجاد کرد، زیرا قبل از انقلاب این ذهنیت در میان مردم ایران وجود داشت که نجات از دست ظالمین فقط با ظهور امام زمان عملی می شود.

محمدی در پایان اظهار داشت: قبل از انقلاب مردم معتقد بودند که امام زمان رحمه الله تنها در صورتی ظهور خواهند کرد که ظلم افزایش یابد، بنابراین مکتبی در قبل از انقلاب با پیروان زیادی به عنوان حجتیه وجود داشت که به ترویج ظلم با این بهانه که باید به ظهور امام زمان کمک کرد، می پرداخت و از پیروان زیادی هم برخوردار بود. ضمن اینکه مورد انتقاد رژیم شاه هم نبودند.

منبع: خبرگزاری فارس

به علت قدرت

سیاسی و حمایت های بین المللی و وجود ۸۰ هزار مشاور خارجی در دستگاه های دولتی رژیم پهلوی و وجود ساواک بسیار مخوف که هر صدایی علیه حکومت را به سرعت خفه می کرد به هیچ عنوان رژیم شاه و آمریکا پیش بینی انقلاب اسلامی را در ایران نمی کردند

قبل از انقلاب

مراجع به طور مستقیم به شاه انتقاد نمی کردند و معمولاً نخست وزیر و دولت را خطاب قرار می دادند اما ویژگی حضرت امام خمینی (ره) مورد انتقاد قرار دادن شاه و حمله مستقیم به شخص شاه بود



هر چه که از سال‌های نخست پیروزی انقلاب می‌گذرد و دهه‌ها را پشت سر می‌گذاریم، عده‌ای بال و پر گرفته و به دنبال آن می‌افتند که چهره‌های منفوری را که مردم برای از سر راه برداشتن آن‌ها شهدا دادند و خون‌های پاک بر زمین ریخته شده، تطهیر کرده و بزرگ کنند!

بی‌شک بزرگ چهره منفور پهلوی با بودجه‌های کلانی که از سوی استعمارگران تدارک دیده شده است در دستور کار قرار دارد و از این رو است که محققین و پژوهشگران بایستی در تاریخ انقلاب مذاقه کرده و آن چه را که ضروری است در اختیار مردم قرار دهند.

رهبر معظم انقلاب ۱۷ دی ۱۳۹۳ در جمع مردم قم به نکته بسیار مهمی در این راستا اشاره کردند که مسیر محققین و پژوهشگران را روشن می‌سازد؛ ایشان فرمودند «دشمنان! می‌خواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج می‌کنند، کار دارند می‌کنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله می‌بیند که دشمنان چه کار دارند می‌کنند؛ امروز این‌ها سعی می‌کنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را، رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند، بزرگ کنند، آرایش کنند امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبهه مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب به‌شدت مخالفند. تاکنون موفق نشدند.»

آنچه در ادامه می‌خوانید سلسله نوشتارهای چاپ‌شده به قلم سیدروح‌الله امین‌آبادی در روزنامه کیهان با عنوان «این چهره تطهیرشدنی نیست» است. نویسنده این مطالب تلاش کرده است در مقابله با تلاش سازمان‌یافته دشمنان برای تطهیر چهره پهلوی و به استناد منابع درجه اول یعنی خاطرات شخصیت‌های تأثیرگذار در طول رژیم طاغوت نشان دهد که این چهره تطهیرناشدنی است.



این چهره تطهیرشدنی نیست

سیدروح‌الله امین‌آبادی



نمایندگان چگونه از صندوق دربار بیرون می‌آمدند؟!

۴۵

پرونده ویژه
یادداشت

”هر چند مردم هر از گاهی پای صندوق‌های رای می‌رفتند تا نمایندگان را به مجلس بفرستند ولی همگان می‌دانستند که نمایندگان نه از طریق رای آزاد مردم که در دربار انتخاب می‌شوند و به مجلس راه می‌یابند.

”علم: [شاه] فرمودند نمی‌دانم این مردم کی تربیت خواهند شد و چه طور می‌توان آن‌ها را تربیت کرد. من جسارت کردم و عرض کردم متأسفانه در راه آن هم نیستیم، زیرا اولین قدم در راه تربیت اجتماعی احترام گذاشتن به حقوق دیگر مردم است و ما در جهت این که این اولین قدم را برداریم نیستیم

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

روز به روز بیشتر می‌شود. من کار ندارم که برای پیشرفت مردم کشور واقعا این رویه لازم بود؛ ولی حالا که کارها روی غلطک خودش است چرا اجازه نمی‌فرمائید انتخابات واقعی متکی بر آرای مردم باشد، گور پدر این حزب یا آن حزب. انتخابات شهرداری‌ها آزاد باشد. انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی آزاد انجام بشود... شاه با دقت به عرایض من گوش دادند و فرمودند اگر مراقبت نشود، همه چیز به هم می‌ریزد.^۱

دانشجویان در هیچ چیز کشور احساس مشارکت نمی‌کنند

علم در خاطرات ۱۷ شهریور ۱۳۵۲ نیز به صراحت بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ یک از مردم ایران از جمله دانشجویان در تعیین سرنوشت کشور و خود نقشی نداشته‌اند، وی می‌نویسد: گزارش باهری سه هزار صفحه است... از نکات مهمی که به عرض [شاه] رساند وضعیت دانشجویی بود که دل به کشور ندارند، برای چه؟ واقعا سؤال مهمی است. به عقیده من چون در هیچ چیز کشور، چه در محیط دانشگاه و چه در محیط خانواده و کشور احساس مشارکت نمی‌کنند، دولت طرز رفتاری که با مردم دارد مثل دولت غالب به مردم کشور مغلوب است، بی‌اعتنا و گاهی هم خشونت‌آمیز، انتخابات را که مداخله می‌کند و انگشت می‌برد... انگشت که چه عرض کنم؟ به مردم حقنه می‌کند، حتی انتخابات ده و شهر را، برای مردم و علاقه مردم چیزی باقی نمی‌ماند، همه بی‌تفاوت می‌شوند... اخیر تراوشاتی می‌شنوم که انتخابات آینده آزاد خواهد بود؛ ولی هنوز نمی‌توان حکمی کرد، چون معلوم نیست دولت چه بکند، مگر آن که حکومت موقتی بیاورند و گر نه با این دولت نمی‌شود.^۲

علم در خاطرات روز ۱۵ فروردین ۱۳۵۴ نیز با صراحت بیشتری به تقلب در انتخابات دوره پهلوی اذعان می‌کند، وی می‌نویسد: مطلبی نخست‌وزیر در کیش به من می‌گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت هر کسی راز هر جا تو بخوای من وکیل خواهم کرد، هر کس باشد، هیچ فکر نکن، به من بگو تمام می‌کنم. خیلی هم محرمانه و درگوشی

رژیمی که انتخابات سالم نمی‌توانست بر گزار کند

ملت مسلمان ایران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و از همان روزهای نخست و با حضور پای صندوق‌های رای بر حق خود برای تعیین سرنوشت کشور مهر تأیید زدند اما این حق طبیعی و خدادادی در رژیم پهلوی از مردم سلب شده بود.

هر چند مردم هر از گاهی پای صندوق‌های رای می‌رفتند تا نمایندگان را به مجلس بفرستند ولی همگان می‌دانستند که نمایندگان نه از طریق رای آزاد مردم که در دربار انتخاب می‌شوند و به مجلس راه می‌یابند.

مروری به خاطرات رجال عصر پهلوی و اسناد و مدارک موجود صحت این مدعا را به وضوح اثبات می‌کند. اسدالله علم که در برهه‌ای نخست‌وزیر رژیم پهلوی و در برهه دیگر وزیر دربار بوده و از نزدیک در جریان امور کشور بوده است، در خاطرات خود، به عیان، تقلب در انتخابات دوره پهلوی و صوری بودن آن را مورد تصریح قرار می‌دهد. علم در خاطرات روز ۱۹ آذر ۱۳۴۸ خود می‌نویسد: [شاه] فرمودند نمی‌دانم این مردم کی تربیت خواهند شد و چه طور می‌توان آن‌ها را تربیت کرد. من جسارت کردم و عرض کردم متأسفانه در راه آن هم نیستیم، زیرا اولین قدم در راه تربیت اجتماعی احترام گذاشتن به حقوق دیگر مردم است و ما در جهت این که این اولین قدم را برداریم نیستیم. فرمودند چه طور؟ عرض کردم هیئت حاکمه در درجه اول باید متوجه این امر باشد تا کم‌کم مردم عادت بکنند. هیئت حاکمه که در زیر سایه قدرت اعلیحضرت مصون از هرگونه انتقادی است. تکلیف احزاب و مجلسین هم که معلوم است. عده‌ای از مردم به این حزب و عده‌ای دیگر به آن حزب رفته‌اند و کشور را هم بین خودشان تقسیم کرده‌اند. و کلای آن‌ها هم می‌دانند به جای فکر آراء مردم باید مسئولین حزب را [...] مالی کنند. دیگر مردم چه معنی دارند؟ فرماندار و استاندار هم که حزبی هستند، دستور حزب را اجرا می‌کنند. چه کار دارند به آراء مردم؟ این است که وکیل هم کار ندارد به آرای مردم. مردم هم به او کار ندارند و در نتیجه بین مردم یک نوع بی‌اعتنایی به وجود آمده است و

نامزدی نمایندگی مجلس تهیه کرده، شاه لیست مزبور را با اسامی نامزدهای نمایندگی از سوی زاهدی تطبیق داده و پس از یکدست کردن اسامی نامزدها، چند تن از نامزدها را جابه‌جا کرده است.^۴

حسین فردوست از نزدیک‌ترین دوستان شاه نیز در کتاب خاطرات خود بر این نکته اذعان دارد. وی می‌گوید «یک کمیسیون سه‌نفره برای انتخابات مجلس در منزل اسدالله علم تشکیل می‌شد. منصور اسامی نامزدها را می‌آورد و با نظر علم مهر نمایندگی آن‌ها تأیید می‌شد. پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آن‌ها از صندوق آرا بیرون می‌آمد.^۵

جالب است بدانیم که با همه اوصاف که در خفا و عیان در انتخابات تقلب می‌شد، شاه همواره مدعی بود درصدد است انتخابات سالمی برگزار کند. روزنامه دلی تلگراف لندن پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با شاه مصاحبه‌ای ترتیب داده و پهلوی در این مصاحبه به خبرنگار دلی تلگراف گفت: من دلیلی نمی‌بینم که انتخابات را به تعویق بیاوریم، انتخابات در اواخر تابستان انجام خواهد شد. زنان برای اولین بار در تاریخ ما در آن شرکت خواهند کرد. من اطمینان دارم با قوانین جدیدی که برای انتخابات تهیه شده است، پارلمان دموکراتیکی جانشین مجالس نامناسب قبلی می‌شود.^۶

سرانجام پس از پنجاه سال تقلب گسترده و برگزاری انتخابات غیر آزاد ۱۵ مرداد ۱۳۵۷ روزنامه‌ها به نقل از شاه تیتیر زدند: «به طور قطع می‌گویم که انتخابات باید صد در صد آزاد باشد و رأی همه خوانده شود.»

شاه در این روز گفت: «در انتخابات آزاد همه خواهند دید تعداد طرفداران تمدن بزرگ چقدر است و دیگران چقدر»

شاه همچنین وعده داد: «به اندازه ممالک دمکراتیک اروپا، آزادی خواهیم داد و مانند آن‌ها حدود آزادی‌ها تعیین خواهد شد.»

با وجود وعده‌های فراوان «چوپان دروغ‌گو» مردم فریب نخوردند و به انقلاب اسلامی خود شدت بخشیدند. شاه که وعده داده بود به مردم به اندازه کشورهای اروپایی آزادی خواهد داد، یک ماه پس از این سخنان در ۱۷ شهریور فاجعه‌ای بزرگ خلق کرد و صدها نفر را در خیابان‌ها به گلوله بسته و به شهادت رساند.



می‌گفت. خیلی تعجب کردم که این چه رشوه‌ای است که به من می‌دهی؟ فکر کردم و گفتم باید دید سیاست انتخاباتی شاهنشاه و تشکیلات جدید چه خواهد بود. چه تأثیری دارد که من شخصاً یک نفر یا ده نفر و کیل در مجلس داشته باشم، به علاوه اگر چند نفری از سیستم یا بلوچستان یا خراسان رأساً سر بار من هستند از عهده آنها بر می‌آیم که جابه‌جا کنیم، اما باید دید سیاست کلی چه خواهد بود.^۷

علاوه بر اسدالله علم، نخست‌وزیر و وزیر دربار شاه، هندرسن، سفیر آمریکا در ایران نیز در گزاشی به وزارت امور خارجه این کشور پیرامون انتخابات مجلس هجدهم، به تعیین نمایندگان مجلس از بالا اشاره می‌کند، وی در این گزارش می‌نویسد: علاء وزیر دربار اظهار داشت چند هفته پیش، اسدالله علم، رئیس مملکت سلطنتی، به او گفته است به دستور شاه صورت اسامی عده‌ای را برای

۹۹ علم: دولت طرز رفتاری که با مردم دارد مثل دولت غالب به مردم کشور مغلوب است، بی‌اعتنا و گاهی هم خشونت‌آمیز، انتخابات را که مداخله می‌کند و انگشت می‌برد... انگشت که چه عرض کنم؟ به مردم حقنه می‌کند، حتی انتخابات ده و شهر را، برای مردم و علاقه مردم چیزی باقی نمی‌ماند، همه بی تفاوت می‌شوند

۹۹ فردوست: یک کمیسیون سه‌نفره برای انتخابات مجلس در منزل اسدالله علم تشکیل می‌شد. منصور اسامی نامزدها را می‌آورد و با نظر علم مهر نمایندگی آن‌ها تأیید می‌شد. پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آن‌ها از صندوق آرا بیرون می‌آمد

پی‌نوشت‌ها:

۱. خاطرات اسدالله علم، جلد ۱، صفحه ۳۱۲ / ۲. همان جلد ۳، صفحه ۱۵۸ / ۳. همان، جلد ۵، صفحه ۲۶ / ۴. غلامرضا نجاتی، شصت سال خدمت و مقاومت، ج اول، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، صص ۳۳۷ تا ۳۴۰ / ۵. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ویراستار: عبدالله شهبازی، تهران، مؤسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی (انتشارات اطلاعات)، ۱۳۸۲، ص ۲۵۷ / ۶. اطلاعات، ۲۶ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۱ و ۱۴

کلبه وحشتی به نام کمیته مشترک

باید همین امشب کلکش را بکنیم!

نگاهی به کتاب خاطرات شخصیت‌های مبارزی که پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به زندان افتادند، نشان می‌دهد که رژیم پهلوی از هیچ شکنجه و جنایتی در حق آنان فروگذار نکرد.

عزت‌شاهی یکی از این مبارزین است که خاطرات او به‌همت سورة مهر منتشر و در اختیار علاقمندان قرار گرفته‌است.

برای فهم واقعیات و آن چه در آن برهه اتفاق افتاده است، ضروری است برش‌هایی از این کتاب را مرور کنیم. حسینی شکنجه‌گر جلادی است که در ساواک هم‌تا نداشت و اسمش لرزه بر اندام زندانیان می‌انداخت؛ بس که قصی‌القلب و بی‌رحم بود. روایت عزت‌الله مطهری معروف به عزت‌شاهی از شکنجه شدنش به دست محمدعلی شعبانی، معروف به حسینی، چنین می‌گوید: «من تا آن وقت حسینی، شکنجه‌گر معروف، را ندیده بودم؛ ولی آوازهاش را شنیده بودم. نگهبان فرنج را به سرم کشید و به طبقه پایین (طبقه دوم) پشت در اتاق حسینی آورد. در آنجا دیدم عده‌ای در صف جلوتر از من ایستاده‌اند. جالب اینکه بعضی‌ها قبل از اینکه نوبتشان برسد، در همان پشت در خودشان را خراب می‌کردند. برخی هم گریه می‌کردند. محمدی از طبقه بالا داد زد: آقای حسینی رفیقت را فرستادم تحویلش بگیر! خارج از نوبت بفرست استراحت کند. در اینجا بود که دیگر فهمیدم خارج از نوبت، برنامه‌ای برایم در نظر گرفته‌اند. حسینی فرنج را از سرم برداشت. نگاهی کرد، من هم نگاه کردم: دراکولا بود!»

عزت‌شاهی ادامه می‌دهد: «برای برخی که آماده‌ی نداشتند، دیدن قیافه حسینی خود یک شکنجه بود؛ ریختش، هیکلش، دندان‌هایش، چشم‌هایش وحشتناک بود. یک آدم وحشی! با دیدن حسینی جا خوردم، فهمیدم که اوضاع پس است... دست مرا گرفت و خیلی مؤدبانه به داخل اتاقش برد. مرا به روی تخت خواباند. پاهایم را به طرفین و دست‌هایم را از بالا بست. بعد گفت: هیچ حرف نمی‌زنی، صدایت هم در نیاید، فقط هر وقت خواستی حرف بزنی، انگشت شست دستت را تکان بده. بعد خیلی خونسرد شروع کرد به زدن شلاق که تا مغز استخوانم تکان می‌خورد. هر ضربه چون شوکی بود و نفس را بند می‌آورد.»

عزت‌شاهی ادامه شکنجه را چنین توصیف می‌کند: «معمولاً بعد از شلاق، دور محیط دایره می‌دواندند تا پاها باد نکنند. این کار برای من خیلی دردآور بود، درد به مغز استخوانم رسیده بود و ناچار از در جازدن بودم. در همین حال و وضع بودم که محمدی از بالا، پایین آمد و به حسینی گفت: چرا این را بیرون آورده‌ای؟ به داخل برگردانش، باید جنازه‌اش بیرون بیاید. حسینی غالباً در اتاقش تنها کار می‌کرد؛ ولی گاهی باز جوها هم پیش او می‌آمدند. این بار باز جو (محمدی) هم به داخل آمد. وقتی مرا به زمین انداختند، او با پاشنه کفش به روی گونه‌ام رفت و چرخ زد که ناگهان دو دندانم شکست. این شرایط واقعا غیر انسانی، وحشیانه و ناراحت‌کننده بود... حسینی و محمدی، دو نفری آن قدر مرا با شلاق زدند که ناخن‌های پایم از جا پریدند و افتادند. ناخن‌های دستم نیز کنده

”عزت‌شاهی: اینکه بعضی‌ها قبل از اینکه نوبتشان برسد، در همان پشت در خودشان را خراب می‌کردند. برخی هم گریه می‌کردند. محمدی از طبقه بالا داد زد: آقای حسینی رفیقت را فرستادم تحویلش بگیر! خارج از نوبت بفرست استراحت کند. در اینجا بود که دیگر فهمیدم خارج از نوبت، برنامه‌ای برایم در نظر گرفته‌اند



«عزت‌شاهی: شب، باز چوهای شکنجه‌گر دوباره بازگشتند و گفتند: نمی‌توان به همین صورت وضع را ادامه داد، باید همین امشب کلکش را کند. امشب باید شب شهادتش باشد! مرا بردند و بعد از کتکی مفصل از مچ، پاهایم را بستند و وارونه آویزان کردند

شدند»

سر بالا دادم، این بازجویی و شکنجه با هدایت مستقیم منوچهری معروف به دکتر صورت می‌گرفت. او فردی بی‌رحم، قوی، چاق و بدهیکل بود که جای بریدگی و جراحت روی گونه راست و پایین خط ریشش به طول چهار سانتیمتر وجود داشت، یک جلاد به تمام معنا بود، شکنجه‌گران با ناشیگری از دستگاه شکنجه‌ای معروف به آپولو استفاده می‌کردند.

روز سوم، در سلول باز شد و در پی آن جوان رشید، هیکیلی و خوش قد و بالایی را به داخل سلول هل دادند. قیافه او خیلی مضطرب بود، گویا برای اولین بار بود که قدم به چنین مکانی گذاشته بود. بعد از دقایقی، او شروع به صحبت کرد و گفت که قهرمان پرتاب نیزه است و می‌گفت علت دستگیری‌اش را نمی‌داند. از بد حادثه، بازجوی او کسی به نام دانش بود که فردی حقیر، زبون و عقده‌ای بود و زندانی‌هایش را خیلی اذیت می‌کرد.»

وی در ادامه خاطرات خود می‌نویسد: «صبح روز بعد، قهرمان ورزش را برای بازجویی بردند. دانش برای شکنجه او از آپولو استفاده کرد و او را به طرز وحشیانه‌ای شکنجه داد. بعد از ظهر که من در کف سلول دراز کشیده و استراحت می‌کردم، ناگهان از پادری دو پای بزرگ و خون‌آلود دیدم. از جا برخاستم، در باز شد و قهرمان را به داخل هل دادند. او نتوانست روی پایش بایستد و با سر و سینه محکم به زمین خورد.»

در این زمینه، گفتنی‌های فراوانی است؛ ولی جالب است بدانیم پرویز ثابتی، نفر دوم ساواک که همه این جنایات زیر نظر وی صورت می‌گرفت، در کتاب خاطرات خود هر گونه شکنجه‌ای را منکر شده است، بشکنجه‌هایی که حتی شاه آن‌ها را در روزهای پایانی حضور در ایران و پیش از فرار تأیید کرد و گفت مأمورین هر از گاهی عصبانی می‌شوند و صندلی را بر سر متهم می‌شکنند!

اما این همه شکنجه‌هایی نبود که عزت‌شاهی در آن روزها تجربه کرد، «شب، باز چوهای شکنجه‌گر دوباره بازگشتند و گفتند: نمی‌توان به همین صورت وضع را ادامه داد، باید همین امشب کلکش را کند. امشب باید شب شهادتش باشد! مرا بردند و بعد از کتکی مفصل از مچ، پاهایم را بستند و وارونه آویزان کردند. بعد از دقایقی آمدند و مرا به روی زمین انداختند. بعد مجبورم کردند که روی چهار پایهای بایستم. دست‌هایم را از طرفین به میخ طولی‌ای بر دیوار، بستند و بعد چهارپایه را از زیر پایم کشیدند و مصلوبم کردند. تمام وزنم را کتف و مچ دست‌هایم تحمل می‌کرد. دست‌هایم لحظه به لحظه بیشتر در مچ دستم فرو می‌رفت. خون به دستم نمی‌رسید. پنجه‌هایم بی‌حس شده بودند. به همین اکتفا نکردند و شروع کردند به شلاق زدن به کف پا و روی پایم... ساعتی به این نحو اذیت و شکنجه شدم و بعد دوباره مرا به اتاق حسینی بردند.»

از زندان در «ماه عسل» تا شکنجه قهرمان پرتاب نیزه تا حد مرگ!

البته این تنها عزت‌شاهی نیست که خاطراتی از شکنجه‌های وحشیانه دوران مبارزات را نقل کرده است، «احمد احمد»، از مبارزین مشهور پیش از انقلاب در خاطرات خود از روزهای سخت زندان آن هم چند روز پس از ازدواج چنین می‌گوید: «دو، سه روزی بیشتر از آغاز زندگی جدید نمی‌گذشت... نام کمیته مشترک برایم نامی آشنا بود، ولی برای اولین مرتبه بود که مرا به آنجا می‌بردند، وقتی به آنجا رسیدیم مرا به اتاقی برده و با مشت و لگد به جانم افتادند... جلادان کمیته شب اول به شدت و به سختی مرا کتک زدند، هر چه سؤال کردند جواب

«دو، سه روزی بیشتر از آغاز زندگی جدید نمی‌گذشت... نام کمیته مشترک برایم نامی آشنا بود، ولی برای اولین مرتبه بود که مرا به آنجا می‌بردند، وقتی به آنجا رسیدیم مرا به اتاقی برده و با مشت و لگد به جانم افتادند... جلادان کمیته شب اول به شدت و به سختی مرا کتک زدند

این چهره تطهیر شدنی نیست؛ بخش سوم

دلارهای بی حساب نفتی چگونه جیب مستشاران آمریکایی را پر می کرد؟! *

۴۹

پرونده ویژه
یادداشت

”واردات در سال

پیش از انقلاب به

۲۵ میلیارد دلار رسید

که بیشترین حجم

واردات در سال‌های

پیش از انقلاب بود. در

این برهه زندگی مردم

در همه حوزه‌ها به

واردات از خارج وابسته

شد و چنان کشور

در وابستگی غوطه‌ور

شد که کارخانه ارج با

هشت هزار کارگر در

سال ۱۳۵۶ به علت

نداشتن پیچ متوقف

می‌شود

ماهنامه شيرازه‌کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶

و در سال پیش از انقلاب به ۲۵ میلیارد دلار رسید که بیشترین حجم واردات در سال‌های پیش از انقلاب بود. در این برهه زندگی مردم در همه حوزه‌ها به واردات از خارج وابسته شد و چنان کشور در وابستگی غوطه‌ور شد که کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود. همچنین در سال ۱۳۵۴ برآورد شده است که بیش از یک میلیارد دلار جریمه به کشتی‌هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار باراندازی مانده بودند!

در این سال‌ها به دلیل اعمال تعرفه‌های گمرکی پایین از سوی دولت نسبت به کالاهای وارداتی و ارزان بودن این کالاها نسبت به تولیدات اندک داخلی، تولیدکنندگان تمایلی به فعالیت تولیدی نداشتند، به عبارت دیگر در نتیجه اعمال تعرفه‌های گمرکی پایین، کالاهای خارجی به‌وفور و با قیمت بسیار نازل در بازار یافت می‌شد. این سیاست اقتصادی نامناسب، در جهت

در سال‌های پایانی دهه چهل و آغازین دهه پنجاه شمسی، درآمدهای نفتی رژیم پهلوی به مدد شوک عظیم نفتی که به افزایش چهار برابری قیمت نفت در بازارهای جهانی منتهی شد، افزایش چشمگیری داشت. درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۳۵۳ سه برابر شد و رژیم به مدد این درآمدها یک سیاست اقتصادی مبتنی بر رشد سریع را در پیش گرفت و به این منظور، بودجه سالانه را به دو برابر افزایش داد، وام‌های سررسید نشده خارجی را پرداخت و اعلام کرد آماده است مبالغی را از طریق مؤسسات مالی بین‌المللی در اختیار کشورهای قرار دهد که با مشکل کسری موازنه پرداخت‌ها روبرو هستند. با اتکای به اعتبار مالی قوی در سطح بین‌المللی، ایران گاه حتی به عنوان تضمین‌کننده اعتبارات برای نهادهای خارجی نیز عمل کرد. در فاصله یک سال، واردات شش میلیارد دلاری ایران با ۸۶ درصد افزایش به بیش از یازده میلیارد دلار رسید و سه سال بعد، حجم واردات یک بار دیگر دو برابر شد

آمریکایی رژیم شاه در این برهه نیز توجهی داشته باشیم تا بدانیم در حالی که متخصصین و کارمندان ایرانی نهایتاً در سال ۱۳۴۸ هزار تومان حقوق می‌گرفتند، در این برهه این مستشاران از بودجه دولت ایران چقدر به خود اختصاص داده بودند؛ در کتاب «فرماندهی و نافرمانی» که شامل خاطرات عبدالله آذربیزین، جانشین فرماندهی نیروی هوایی ایران در دوره پهلوی است، آمده است: «به تدریج که جلو رفتیم، شاید از سال ۱۳۴۲ بود که ایران شروع کرد به خرید وسایل با بودجه خودش، یعنی کمک‌های نظامی به تدریج قطع شد. بعضی از مستشارهایی که در این مرحله می‌آمدند، از نقطه نظر [کیفیت] و آگاهی به تخصص‌شان، زیاد جلوتر از شاگردان و متخصصان خودمان، که از خارج آمده بودند، نبودند. آن روزها چیزی در حدود شش، هفت هزار تومان به افسرهای مستشاری می‌دادند. هفت هزار تومان آن روز خیلی خوب بود. این‌ها باغ داشتند، مستخدم داشتند، راننده داشتند، ورزش‌های اشرافی می‌کردند؛ گلف و تنیس و اسکی و این‌ها. اشکال بزرگی که به وجود آمد، این بود که وقتی این امتیازات به آن‌ها داده شد، این‌ها خودشان را یک نژاد برتر دانستند و بعد هم دیگر کارهایشان یک کمی باعث ناراحتی پرسنل شده بود. دیگر همه چیز را زیر پا گذاشتند. به هر حال این‌ها در آن دوران خیلی دلالتی می‌کردند؛ ولی خب، نمی‌توانستند آزاد این کار را بکنند.»

تضعیف تولیدات داخلی، افزایش وابستگی اقتصادی کشور به قدرت‌های صنعتی و تأمین بازار برای آنان بوده است زیرا در چنین شرایطی تولیدکننده نوپا و کم‌تجربه داخلی امکان رقابت با تولیدکننده توانمند و مجرب خارجی را نمی‌یابد و به سهولت از صحنه رقابت خارج می‌شود و حضور در عرصه تولید را مقرون به صرفه نمی‌یابد.

درآمد نفتی ایران از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسیده بود و درآمد سرانه نیز در این مدت به ۱۱۵۱۴ دلار افزایش پیدا کرد، با این وجود در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیشتر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شد. بر اساس آمار بانک جهانی، ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند و ضریب جینی در ایران قبل از انقلاب بیش از ۴۵ بوده است.

البته درباره ارزانی در دوره پهلوی نیز باید به قدرت خرید مردم و حقوق کارمندان نیز اشاره‌ای گذرا داشت، در این برهه قیمت‌ها پایین بوده ولی قدرت خرید مردم بسیار پایین‌تر از آن بوده است. به طور مثال درآمد کارمند عادی ماهانه ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود (البته حقوق ۱۰۰۰ تومانی در سال‌های حدود ۱۳۴۸ به افراد بسیار محدودی اختصاص داشت) و قیمت پیکان در همین برهه ۲۸ هزار تومان بود یعنی ۲۸ برابر حقوق حداکثری یک کارمند!

بهتر است به حقوق مستشاران خارجی و

”درآمد نفتی ایران

از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسیده بود و درآمد سرانه نیز در این مدت به ۱۱۵۱۴ دلار افزایش پیدا کرد، با این وجود در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیشتر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شد. بر اساس آمار بانک جهانی، ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند و ضریب جینی در ایران قبل از انقلاب بیش از ۴۵ بوده است

”آن روزها چیزی

در حدود شش، هفت هزار تومان به افسرهای مستشاری می‌دادند. هفت هزار تومان آن روز خیلی خوب بود. این‌ها باغ داشتند، مستخدم داشتند، راننده داشتند، ورزش‌های اشرافی می‌کردند؛ گلف و تنیس و اسکی و این‌ها. اشکال بزرگی که به وجود آمد، این بود که وقتی این امتیازات به آن‌ها داده شد، این‌ها خودشان را یک نژاد برتر دانستند



ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



تزارش | اگر کسب اخلاق نباشد، توفیقی برای کسب حلال حاصل نمی شود ۵۲

معرفی کتاب | بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای فروردین ۵۵

بسته پیشنهادی | تاریخ فساد خاندان پهلوی ۶۰

رحیم مخدومی | انقلاب دوازده ساله ها ۶۵

معرفی کتاب | کتاب جمعه ۶۶

در نشست کتاب‌خوان تخصصی «فرهنگ علوی» مطرح شد؛

اگر کسب اخلاق نباشد، توفیقی برای کسب حلال حاصل نمی‌شود

**پارسیابی، آن‌گاه خلافت؛ بررسی مفهوم
پارسیابی، برگرفته از آموزه‌های نهج‌البلاغه**

رئیس مرکز تحقیقات امام علی (علیه السلام) به معرفی کتابی از خود با عنوان *پارسیابی، آن‌گاه خلافت* پرداخت و گفت: در ادامه ارتباطی که در این سال‌ها با مراکز فرهنگی کشورهای دیگر برقرار شد، مسئولان دانشگاه دولتی ایران در ارمنستان، علاقه‌مند بودند که بتوانند در دانشگاه خود بر روی مبحثی در حوزه اسلام‌شناسی کار کنند. در همین جهت کتاب *پارسیابی، آن‌گاه خلافت* که مجموعه مباحثی در حوزه امام‌علی‌پژوهی بود، از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران در اختیار این دانشگاه قرار گرفت.

وی افزود: مسئولان دانشگاه دولتی ایران پس از ارزیابی این کتاب در شورای ارزیابی دانشگاه خود، به مرکز تحقیقاتی امام علی (علیه السلام) اعلام کردند که آمادگی دارند تا این اثر را با آرم دانشگاه دولتی ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران، برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در اختیار دانشجویان خود قرار دهند. آن‌ها اعلام کردند که ما در دیارتمان ایران‌شناسی، دانشجویان بسیاری در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری داریم که رشته زبان و ادبیات فارسی می‌خوانند. ما قصد داریم ضمن اینکه دانشجویان ما با فرهنگ علوی آشنا می‌شوند، پندها و آموزه‌های اخلاقی آن را نیز دریافت کنند.

جنیدی ادامه داد: به طور کلی این اثر، کتابی است در زمینه پارسیابی، که بخش آغازین آن برگرفته از آموزه‌های نهج‌البلاغه است. این کتاب در بخش اول خود به موضوعات مختلفی می‌پردازد، از جمله اینکه: به‌راستی پرهیزگار کیست؟ چه کسی پارساست؟ و کدامین مؤمن

محققان و پژوهشگران حوزه امام‌علی‌پژوهی، در نشست کتاب‌خوان تخصصی «فرهنگ علوی» که با همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مرکز تحقیقات امام علی (علیه السلام) برگزار شد به معرفی سه کتاب مرتبط با این موضوع پرداختند.

نشست کتاب‌خوان تخصصی «فرهنگ علوی»، سه‌شنبه، پنجم بهمن‌ماه با سخنرانی دکتر محمود جنیدی جعفری، دکتر محمدعلی مشایخی‌پور، دکتر فاطمه احمدی از پژوهشگران حوزه علوم دینی و جمعی از مشتاقان فرهنگ علوی در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

محمود جنیدی جعفری، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (علیه السلام) در این نشست به تشریح مهم‌ترین فعالیت‌های این مرکز پرداخت و گفت: یکی از فعالیت‌های تخصصی ما در مرکز امام علی (علیه السلام) بحث ترویج فرهنگ علوی است که به تحقیق و پژوهش درباره ابعاد گوناگون زندگی امام علی (علیه السلام) می‌پردازیم. با توجه به اقداماتی که جریان‌های انحرافی و افراطی به نام اسلام انجام می‌دهند، یکی از وظایف مهم ما مقابله با این فرهنگ انحرافی است.

جنیدی با اشاره به فعالیت‌های بین‌المللی مرکز تحقیقات امام علی (علیه السلام) گفت: این مرکز در سالی که گذشت چهارمین همایش بین‌المللی امام‌علی‌پژوهی را با حضور اندیشمندان از کشورهای مختلف و ادیان مختلف از سراسر جهان برگزار کرد و در سال آینده و در پنجمین همایش، کار اشاعه و ترویج مفاهیم علوی را به قدرت و قوت بیشتری پیگیری خواهیم کرد تا بتوانیم با ارتباط موثر با مراکز فرهنگی در کشورهای مختلف، گامی مهم در شناساندن صحیح فرهنگ علوی برداریم.

«جنیدی جعفری،
رئیس مرکز تحقیقات
امام علی (علیه السلام) یکی
از فعالیت‌های
تخصصی ما در مرکز
امام علی (علیه السلام) بحث
ترویج فرهنگ علوی
است که به تحقیق و
پژوهش درباره ابعاد
گوناگون زندگی امام
علی (علیه السلام) می‌پردازیم.
با توجه به اقداماتی که
جریان‌های انحرافی و
افراطی به نام اسلام
انجام می‌دهند، یکی از
وظایف مهم ما مقابله
با این فرهنگ انحرافی
است»



منتفی است؟ در ادامه سعی کردیم تا با بهره‌گیری از گفتار امام علی (علیه السلام) پاسخ این پرسش‌ها را مطرح کنیم. رئیس مرکز تحقیقات امام علی (علیه السلام) دربارهٔ بخش دوم این کتاب نیز توضیح داد: بخش دوم این کتاب نگاهی کوتاه به خلافت دارد؛ به طوری که با مراجعه به متون تاریخی، شواهدی از طبری، ابن ابی‌الحدید و... ارائه شده است. در این بخش اشاره شده که اساس حکومت امام علی (علیه السلام) خدمت‌محوری بود و در گفتار، رفتار و کردارشان همواره به خدا فکر می‌کردند و حکومت را به عنوان یک وسیله می‌دیدند نه به‌عنوان هدف. وسیله‌ای برای پیاده کردن احکام خدا و آشنایی مردم با منبع فیض.

مبانی اسلامی در اخلاق کار از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

در بخش دیگری از این نشست محمدعلی مشایخی پور، به معرفی کتاب خود با عنوان *اخلاق کار از دیدگاه امام علی (علیه السلام)* پرداخت و گفت: کاری که بنده در زمینهٔ امام‌علی پژوهی انجام دادم، بحث اخلاقی کار در نهج‌البلاغه است. مهم‌ترین دلیلی که باعث شد به سمت انتخاب این موضوع بروم، علاقهٔ شخصی به این موضوع بود تا بتوانم برای کاربردی کردن مفاهیم نهج‌البلاغه در زندگی خودم قدمی برداشته باشم.

وی افزود: معتقدم که موضوع اخلاق، بحث گمشدهٔ جامعهٔ بشری است و به همین دلیل زمانی که در این حوزه مطالعاتم را روی نهج‌البلاغه آغاز کردم، به‌شدت احساس کردم جامعهٔ امروز بشری نیازمند این آموزه‌ها هستند.

این پژوهشگر علوم دینی دربارهٔ عنوان کتاب/اخلاق کار از دیدگاه امام علی (علیه السلام) توضیح داد: برخلاف نظر بسیاری از مکاتب که انسان را محور کارهای خود قرار داده‌اند، دین اسلام با نگاهی همه‌جانبه به مقولهٔ کار، توجه به خداوند، انسان و جهان را مدنظر قرار داده است. در این پژوهش سعی شده با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، به‌ویژه با تکیه بر بیانات گهربار امام علی (علیه السلام) مبانی اسلامی اخلاق کار مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مشایخی پور ادامه داد: این کتاب برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد من است که با تغییراتی در قالب کتاب به چاپ رسید. در بخشی از این کتاب، تاریخ و مفاهیم مورد نیاز مانند مفهوم اخلاق، علم اخلاق، اهمیت اخلاق، انواع پژوهش‌های اخلاقی، ارتباط اخلاق و کار و انواع کار، بررسی شده و در ادامه به مبانی و اصول اخلاقی کار در سه محور: «خداشناختی»، «انسان‌شناختی» و «جهان‌شناختی» پرداخته شده است.

وی با اشاره به برخی آیات و روایات در زمینهٔ کار و کسب حلال گفت: به عبارتی با هم‌بینی آیات و روایات

مشایخی پور:

کاری که بنده در زمینهٔ امام‌علی پژوهی انجام دادم، بحث اخلاقی کار در نهج‌البلاغه است. مهم‌ترین دلیلی که باعث شد به سمت انتخاب این موضوع بروم، علاقهٔ شخصی به این موضوع بود تا بتوانم برای کاربردی کردن مفاهیم نهج‌البلاغه در زندگی خودم قدمی برداشته باشم.

نتیجه گرفتیم که با نگاه به خالقیت خداوند، پرداختن به اخلاق کار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در آموزه‌های ما آمده که مالکیت هرچه که در این جهان وجود دارد از آن خدا است. حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرمایند، اگر به طاعت خدا عمل کنیم، آن‌گاه مالک می‌شویم. پس آیا انجام طاعت خدا در حوزه کار می‌تواند چیزی جز اخلاق کار باشد؟ امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند عبادت برترین جزء کسب حلال است.

این پژوهشگر علوم دینی تأکید کرد: ما همهٔ این تعاریف را کنار هم قرار دادیم و نتیجه گرفتیم که با نگاه به خالقیت خداوند، انسان جز برای کسب حلال خلق نشده است. به عبارت دیگر اگر کسب اخلاق نباشد، توفیقی برای کسب حلال حاصل نخواهد داشت. همچنین بخش بعدی این کتاب نیز به «غایت‌شناسی اخلاق کار» در سه محور «عوامل و زمینه‌های رشد اخلاق کار»، «موانع اخلاق کار» و «آثار و نتایج رعایت اخلاقی کار» اشاره دارد.

مثل‌ها و مثل‌واره‌ها نشان‌دهندهٔ تأثیر کلام امیرالمؤمنین در اشعار شاعران عرب و فارسی‌زبان

در ادامهٔ این نشست فاطمه احمدی، قرآن پژوه و محقق علوم دینی به معرفی اثری از خود با عنوان *مثل‌ها و مثل‌واره‌ها در نهج‌البلاغه و مضامین مشترک عربی و فارسی پرداخت* و گفت: ضمن تعلق خاطر ویژه‌ای که به نهج‌البلاغه و صاحب آن دارم، بیشتر دل‌مشغولی و فعالیت‌های علمی من معطوف به سه ضلع مبارک قرآن،



احمدی: امام علی (علیه السلام) مثل‌ها و مثل‌واره‌ها در نهج‌البلاغه و مضامین مشترک عربی و فارسی، شامل ۱۱۰ مثل و مثل‌واره است که به صورت الفبایی از ابتدا تا انتها آورده شده‌اند؛ ترتیب تدوین کتاب نیز بر اساس نهج‌البلاغه است، یعنی ابتدا خطبه‌ها، بعد نامه‌ها و در انتها حکمت‌ها آمده‌اند. این کتاب صرفاً یک بررسی اجمالی برای تأثیر کلام امام علی (علیه السلام)

در ادبیات فارسی و عربی است. دکتر جلیل تجلیل نیز مقدمه‌ای بر آن نوشته است و همین اواخر هم نقدی از آقای میسون بزاز از ادیبان عرب، بر این کتاب منتشر شد که چند نکته قابل توجه و قابل تحسین را درباره این کتاب مطرح کرده‌اند

احمدی: پس از کلام الهی که قرآن است، نهج‌البلاغه با وجود برخی موانع سیاسی، به صورت گسترده در آثار گویندگان و نویسندگان عرب زبان و ایرانی جلوه‌گر شده است

این شیوه بهره گرفته‌اند. در سخنان حکیمانه خود، علاوه بر امثال رایج در میان مردم، اشعاری مثل گونه از اعشی قیس، عمران قیس، حاتم طائی و دیگران اقتباس فرمودند که من در این کتاب از این موارد به عنوان مثل‌واره‌ها یاد کرده‌ام. از این مثل‌واره‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که امام علی (علیه السلام) علی‌رغم آنچه برخی عنوان کرده‌اند، به شعر و شاعری عنایت داشتند و اشعار بلندی در دیوان امیرالمومنین (علیه السلام) هم منسوب به ایشان است.

احمدی در ادامه به تأثیر نهج‌البلاغه بر ادیبان و شاعران عرب و ایرانی اشاره کرد و گفت: پس از کلام الهی که قرآن است، نهج‌البلاغه با وجود برخی موانع سیاسی به صورت گسترده در آثار گویندگان و نویسندگان عرب زبان و ایرانی جلوه‌گر شده است. از جمله شاعران و نویسندگان عرب که به این سرچشمه بلاغت راه پیدا کرده‌اند و مضامین بسیاری را از نهج‌البلاغه اخذ کرده‌اند، ابوطیب متنبی، اخطل، ابوالفتح بستی، ابونواس و عباس بن احنف هستند

وی در ادامه به برخی از مثل‌ها و مثل‌واره‌های این کتاب اشاره کرد و گفت: به عنوان نمونه مثل شماره ۳۴ این کتاب از نامه ۳۱ نهج‌البلاغه است که می‌فرمایند «رَبِّ طَلَبَ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرْبٍ». تأثیر این کلام در اشعار شاعران عرب زبان و فارسی زبان متجلی شده؛ به طوری که ابن هرمة، شاعر شیعه علم بدیع، می‌گوید: «بسا جوینده کاری که در آن کار می‌شتابد و اگر بداند، هلاک او در آن است». رشید و طواط از شاعران فارسی زبان می‌گوید: «ای بسا مرد سودجوینده که قدم در راه مخوف می‌گذارد، عاقبت چون به دستش آمد سود، او از آن سود به زیان افتاد».

صحیفه سجادیه و نهج‌البلاغه است. این اثر اولین کتاب من است که تاکنون سه بار تجدید چاپ شده و چاپ چهارم آن نیز با ویرایش جدید از سوی بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه منتشر خواهد شد.

احمدی درباره ساختار این کتاب توضیح داد: مثل‌ها و مثل‌واره‌ها در نهج‌البلاغه و مضامین مشترک عربی و فارسی، شامل ۱۱۰ مثل و مثل‌واره است که به صورت الفبایی از ابتدا تا انتها آورده شده‌اند؛ ترتیب تدوین کتاب نیز بر اساس نهج‌البلاغه است؛ یعنی ابتدا خطبه‌ها، بعد نامه‌ها و در انتها حکمت‌ها آمده‌اند. این کتاب صرفاً یک بررسی اجمالی برای تأثیر کلام امام علی (علیه السلام) در ادبیات فارسی و عربی است. دکتر جلیل تجلیل نیز مقدمه‌ای بر آن نوشته است و همین اواخر هم نقدی از آقای میسون بزاز از ادیبان عرب، بر این کتاب منتشر شد که چند نکته قابل توجه و قابل تحسین را درباره این کتاب مطرح کرده‌اند.

این محقق علوم دینی با اشاره به نقش و جایگاه «مثل» در ادبیات دینی و تعلیمی عنوان کرد: یکی از ساده‌ترین شیوه‌های دعوت‌گران دینی و به ویژه اسلامی، برای بیان حقایق و معارف عمیق، استفاده از «مثل» است. چنان‌که در قرآن هم از این شیوه بهره گرفته شده و آمده است: «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ». همچنین در بیاناتی از امیرالمومنین (علیه السلام) در غرر الحکم، ایشان به مثل اشاره داشتند و فرمودند «ضروب الامثال تضرب لاولی النهی والالباب»، یعنی مثل‌ها برای اهل فکر و عقل زده می‌شود.

وی افزود: امام علی (علیه السلام) نیز در بیانات خود، آنجا که نمی‌توان و نباید به روشنی و صراحت سخن بگویند، از



بسته پیشنهادی سامانه کارشناسی برای فروردین



باران و کوبر
کمال السید
معارف

خاطرات کشنده عاشورا، سرفرازی و سرنوشتی دولت‌ها، ضرب سکه رویش‌ها، زبانه‌های دگرگونی و انقلاب در نقطه نقطه سرزمین اسلام، خنکای بیانات زلال و ناب نیایشگر و شکافنده دانش‌ها، حیات سبز و مرگ سرخ زید، دین گستری یا کشور گشایی زمامداران، سیر مردی که انبانی از نور و محبت را بر دوش عاطفه‌ها می‌کشید، سایه چهار فصل زمستانی امویان، جوشش چشمه‌های شعر شاعران شیعی، پی‌ریزی شالوده اندیشه شیعیان در روزگاری که طوفان‌های گوناگون فکری می‌وزید، زوال ارزش‌ها و ... خمیرمایه‌هایی هستند تا نویسنده پژوهشگر ریزش‌ها و رویش‌ها را در قطعه‌ای از تاریخ، در کتاب کوچک خود با نثری شاعرانه باز گوید.

این کتاب نگاهی نوبه زندگی و زمانه پیشوای پنجمین و معصوم هفتمین از سلسله انوار الهی است.



■ گفتارهایی در تربیت حماسی
مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان
امام عصر

تربیت حماسی همان تربیت دینی است که با جنبه‌های حماسه و فتوت پررنگ شده است. لطافتی که در تربیت و باغبانی انسان وجود دارد، اگر با صلابت و استواری حماسه همراه شود، تربیت دینی ناب را محقق می‌کند.

این کتاب مشتمل بر شانزده مقاله و گفتار به موضوع تربیت حماسی از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد.

در کتاب *گفتارهایی در تربیت حماسی* این موضوعات را می‌خوانیم: «درآمدی بر تربیت حماسی»، «نسبت تربیت حماسی با تربیت دینی»، «چراپیستی، عناصر و ابعاد تربیت حماسی»، «گفتاری درباره تعریف و شاخصه‌های تربیت حماسی»، «حماسه‌پروری در سه ساخت شناخت، گرایش و رفتار»، «شاخصه‌های تربیت حماسی در آیین روایات»، «مصادیق و موارد حماسه در ادعیه و زیارات» و...

در بخش دیگری از کتاب، محققان به دیدگاه‌های امام راحل رحمه‌الله، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و شهید مطهری رحمه‌الله در باب حماسه و جهاد و تربیت حماسی می‌پردازند. همچنین صفحاتی از این کتاب به «الگوها و روش‌های قرآنی تربیت حماسی» پرداخته است.



■ زن بی‌قرار
سمانه عابدینی
شهرستان ادب

مجموعه شعر *زن بی‌قرار*، سروده سمانه عابدینی از جمله آثار ذکرشده در حیطه شعر زنان است. مجموعه *زن بی‌قرار* از جمله کتاب‌هایی است که مخاطب گاهی با ایرادهای منطقی در خلق تصاویر مواجه شود و خصوصاً در جریان اواسط کتاب به سطرهایی می‌رسد که نبودنشان آسیبی به اثر نمی‌زد و از زیبایی اثر نیز نمی‌کاهد ولی شاعر آن‌ها را با توجه به ذوق خود انتخاب کرده است. در قسمت‌هایی از کتاب، رگه‌هایی از تصاویر و شعرهای خلق‌شده، در کتاب‌های بین سال‌های ۸۴ تا ۹۰ دیده می‌شود که می‌تواند ضعف بزرگی محسوب شود اما شاعر این شعرها آن‌قدر برای مجموعه *زن بی‌قرار* تلاش کرده است که بهتر است نادیده گرفته شود.

در پایان گفتنی است این مسئله که اگر بخت و اقبال، مجموعه شعر *سپید زن بی‌قرار* را یاری کند، از جمله کتاب‌های کامل و توانمند در عرصه شعر زنان بعد از انقلاب خواهد شد. البته شاعر با این خطر نیز مواجه است که آثار بعدی وی، به تکرار این فضا نرسند و او اگر نتواند دنیای جدیدی را در مجموعه بعدی خلق کند، مخاطبانش را خیلی زود از دست خواهد داد.



■ الفبای اقتصاد مقاومتی
مهدی فرج اللهی
نارگل

نزدیک به هفت سال است که از تأکید رهبر معظم انقلاب بر «اقتصاد مقاومتی» در دیدار کارآفرینان کشور می‌گذرد. مدلی که به تعبیر رهبری تنها راه نجات کشور در پیچ و خم‌های اقتصادی دنیا به حساب می‌آید. اما با این حال هنوز در میان اذهان عمومی معنای دقیقی از این کلیدواژه مهم شکل نگرفته است و مردم نیز به مانند بسیاری از مسئولین نقش و وظیفه خود در مسیر رسیدن به این مدل اقتصادی را نمی‌دانند.

کتاب *الفبای اقتصاد مقاومتی* یا «چه کار کنم که خرجم دخلم را نیاورد» نوشته مهدی فرج اللهی به معنای دقیق کلمه بنا دارد الفبای پا گذاشتن در این راه را بیان کند. این کتاب که مازیار بیژنی کاریکاتوربست مطرح کشور طرح‌های آن را کشیده است، با زبان ساده می‌کوشد مخاطب را از انجام عادت اشتباه باز دارد و مسیر موفقیت را به او پیشنهاد کند.

به عنوان مثال در این کتاب آمده است: «به قول معروف، آدم ولخرج قرض پس‌انداز می‌کند. اشتباه بزرگی است اگر فکر کنم که قناعت هم‌خانواده تبلی است. قناعت، تلاش و پشتکار، خانواده موفقیت هستند. من می‌خواهم با این خانواده دوست باشم و با آن‌ها رفت‌وآمد خانوادگی داشته باشم.»



■ **اسطوره همت**
 محسن حسام‌مظاهری
 آرما

نویسنده در این کتاب به بررسی شخصیت شهید همت از منظر مطالعات اجتماعی فرهنگی درباره جنگ ایران و عراق پرداخته است و از همین مجرا شخصیت معرفی شده از شهید همت را در قالب تولیدات صداوسیما، روزنامه‌ها، آثار مستند، روایت فتح، بیلبردهای شهرداری، آلبوم‌های عکس خانوادگی و نیز تصویر وی در نگاه گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مورد واکاوی قرار داده است.

وی با استفاده از تکنیک و علم نشانه‌شناسی، سعی کرده در این پژوهش، تصویری تازه از شهید محمدابراهیم همت ارائه کند.

حسام‌مظاهری در بخشی از مقدمه خود بر این کتاب آورده است: همت صداوسیما، همت مطبوعات، همت «روایت فتح»، همت بیلبردها و بنرهای شهرداری، همت خاطرات هم‌زمان، همت آلبوم خانوادگی، همت حزب‌اللهی، همت اصول‌گرا، همت اصلاح‌طلب، همت ...

در این سال‌ها، از محمدابراهیم همت، هر کس تصویری ساخته و روایتی کرده است. اما همت واقعی کدام این‌هاست؟ کتاب اسطوره همت به دنبال پاسخ این پرسش است.



■ **تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا**
 علیرضا رحیمی‌احمد کریمیان
 دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

معرفی نظریه‌ای جدید در تعلیم و تربیت، با تأکید بر بعد بصیرت و درک مفهوم آن، موضوع اصلی مطالب کتاب حاضر است که می‌تواند نمایان‌گر دیدگاهی در عرصه تربیت اسلامی باشد که با آن چه تا به امروز در کشور ما و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در جریان بوده، تفاوت‌های اساسی دارد و در آن بر معنای خاص از عقل و تعقل، ضرورت پرورش تعقل و اتخاذ روش عقلانی در تربیت تأکید فراوان وجود دارد.

از جمله مباحث مندرج در کتاب می‌توان به انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت تحقیق، ناشناختی شناخت، معرفی و نقد پژوهش‌هایی درباره عقل در حوزه فرهنگ اسلامی، گزاره‌هایی پیرامون تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، معنای عقل و تعقل در منابع معرفتی اسلامی (قرآن و احادیث)، نسبت تربیت عقلانی با تربیت اسلامی (بررسی تاریخی)، معنای کلی تربیت و معنای آموزش، ایجاد، حفظ و توسعه بصیرت؛ چونان هدف اساسی تربیت عقلانی، تربیت بصیرت‌گرا، تربیت عقلانی و مفهوم بصیرت و تعاریف موجود در نظریه بصیرت، اشاره نمود.



■ **جوان و بحران هویت**
 محمدرضا شرفی
 سروش

بخش قابل‌توجهی از افسردگی‌ها، احساس پوچی و درون‌تپه شدن‌ها و روزمرگی‌ها، نتیجه منطقی بی‌هویتی است. هویت، تعیین‌کننده جایگاه و منزلت و مرتبت انسان است و پیوندها و رشته‌ها و ارتباطات او و جهان خارج را در بر می‌گیرد. هویت، نقش‌ها و وظائف و مسئولیت‌های هر کسی را در قبال خود و دیگران معین می‌کند و توقعات و نسبت خود را با گذشته، حال و آینده مشخص می‌سازد.

بنابراین هویت، جلوه‌های متعدد دارد: هویت فردی (شخصی)، هویت خانوادگی، هویت ملی، هویت دینی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی و هویت مدنی، هر یک از این مقولات فصلی از کتاب دکتر شرفی است. محور بحث هویت نیز جوانان‌اند و مطالب با تأکید بر ویژگی‌ها و نیازها و گرایش‌های نسل جوان تنظیم شده است.



عصر ظهور
علامه علی کورانی
چاپ و نشر بین الملل

کتاب عصر ظهور به بررسی و تحلیل حوادث دوران ظهور و سرانجام ملل و قومیت‌های مختلف در عصر جنگ‌های آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات شیعه و سنی می‌پردازد. نویسندگان در بخش دیگری از کتاب به دیدگاه اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است. اما از همه مهم‌تر، این کتاب دارای بشارتی خوشحال‌کننده برای قوم مسلمان (ایرانیان) است که با نگاهی به تاریخ گذشته و سابقه آنان در اسلام و گرایش به آل محمد علیهم السلام و در آخر با به وجود آوردن انقلاب کبیر اسلامی نشان داده اند که به حق شایسته چنین بشارتی می‌باشند. بشارت به اینکه رسالت مهمی در ایجاد شرایط برای ظهور و ادامه آن دارند.



فرزندم
مؤسسه امام هادی علیه السلام

این کتاب مجموعاً به ۳۱۳ موضوع و روایت در قالب بخش‌های مختلف پرداخته است. در بخش اول، پنجاه و آموزه‌های چهارده معصوم علیهم السلام به صورتی تفکیک‌شده و زیبا با ذکر مخاطب پند آمده است. در دومین بخش این نوشتار، از پنج پیامبر الهی نصایحی خطاب به فرزندان‌شان درج شده است. پنجاه و آموزه‌هایی از حکیمان و برخی اعلام، عنوان بخش سوم و چهارم این کتاب ارزنده است. بخش پنجم و ششم کتاب نیز به آموزه‌هایی از برخی بزرگان و بانوان اختصاص یافته است. در کتاب فرزندانم، ابتدا نام ناصح (پنددهنده) و منصوح (نصیحت‌شونده) آمده و سپس شماره احادیث و متن عربی و بعد از آن ترجمه فارسی حدیث ذکر گردیده است. در پاورقی بخشی از اسناد هر حدیث جهت استفاده پژوهشگران ذکر شده است.



آنچه یک جوان باید بداند
رضا فرهادیان
مؤسسه بوستان کتاب

جوان، همواره در حال رشد است و رشد روحی و روانی وی در ارتباط مستقیم و متقابل با رشد جسمی اوست. جریان رشد، هنگامی حالت طبیعی به خود می‌گیرد که او از نظر فکری و اعتقادی در جهت صحیح و در مسیر طبیعی برنامه‌های تکامل نظام آفرینش قرار گیرد. از این روست که جوان برای رشد روانی و سازندگی خود، نیازمند هدایت و راهنمایی و بیان صالح و خیراندیش است. این کتاب در پنج فصل، مسائل ضروری رشد و تربیت را برای پسران و دختران (به طور مشترک) می‌کاود؛ که شامل فصل‌های «جست‌وجو»، «جوانی»، «بینش و اندیشه»، «روابط دختر و پسر»، «مرزهای عشق و دوستی» و «آسیب شناسی» می‌شود.



■ برادران غریب
■ حامد رضایی
■ آرما

شاید برای آن‌هایی که در شهرهای بزرگ یا مکان‌هایی زندگی می‌کنند که تمام اطرافیان و همسایه‌های آن‌ها هم‌دین و هم‌کیش و هم‌آیین آن‌ها باشند، کمتر پیش بیاید که به موضوع برادری، مجاورت و همسایگی با کسانی فکر کنند که از نظر دین و مذهب با آن‌ها تفاوت داشته باشند. قرآن کریم مسلمان‌ها را به زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با دوستی و مهربانی با پیروان دیگر ادیان دعوت کرده است اما چرا گاهی کار به جایی می‌رسد که ما از برادران و خواهران مسلمان اهل سنت این قدر دور افتاده‌ایم و به قول نویسنده کتاب *برادران غریب*، در عین قربت و نزدیکی از هر جهت، از هم بسیار غریب و دور افتاده‌ایم؟ هم‌رأی‌شناسیم و حتی نسبت به برادران دینی‌مان موضع می‌گیریم؟

این کتاب که به کوشش حامد رضایی گردآوری شده است، مجموعه‌ای از خاطرات روحانیان شیعه‌ای است که در مناطق سنی نشین کشور فعالیت کرده‌اند، خاطراتی کوتاه و خواندنی به قلمی جذاب و روان که می‌توانید از خواندن این ماجراهای واقعی لذت ببرید و ببینید چه تصویرهای نادرستی از برادران و خواهران مسلمانان در ذهن بعضی از ما نقش بسته است. به خدا بیشتر از شما فاطمه داریم، غزه ناصبی‌ها یا امام شافعی‌ها، سنی‌ای که از امام رضا (ع) شفا گرفت، شیعه بکش برو بهشت، وقتی نهاد رهبری نظر رهبر را نمی‌پذیرفت، اگر می‌دانستم از انقلاب دفاع نمی‌کردم، خمینی خلیفه‌الله است، سی دی اساتید حوزه را گوش می‌داد، دیگر دلش برای شیعه نرم نمی‌شود، چرا اهل سنت را نجس می‌دانید؟! امان از خناسان بی‌تقوا، وحدت جزو اولویت‌های مانیست و استقبال از خدا و منتسبانش عنوان تعدادی از داستان‌های این کتاب هستند



■ انحلال در نظام استکباری
■ سعید زیا کلام
■ شهید کاظمی

این کتاب مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌های این استاد فلسفه علم است که در فاصله ۳ تیر ۱۳۹۳ تا تیر ۱۳۹۴ در موضوعات مختلف به‌ویژه سیاست خارجی دولت یازدهم انجام گرفت و این بار با محوریت چگونگی «انحلال انقلاب در نظام استکباری» مدون شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«ما یک بار و برای همیشه باید این پنبه را از گوشمان درآوریم که مشکل ما بر سر کم و کیف یا حدود و میزان فناوری هسته‌ای است. مشکل ما از نظر آن‌ها این است که ما نباید انقلاب می‌کردیم! در یک برهه، آگاهی‌هایی در ملت ایران شکل گرفت و چیزی به نام انقلاب اسلامی بدون اجازه نظام سلطه به وجود آمد. فناوری هسته‌ای نوک این کوه یخ است، و نه مهم‌ترین بخش آن. مشکل اصلی غربی‌ها با ما این جاست که ما می‌خواهیم زندگی متفاوتی با زندگی غربی‌ها برای خودمان ایجاد کنیم.

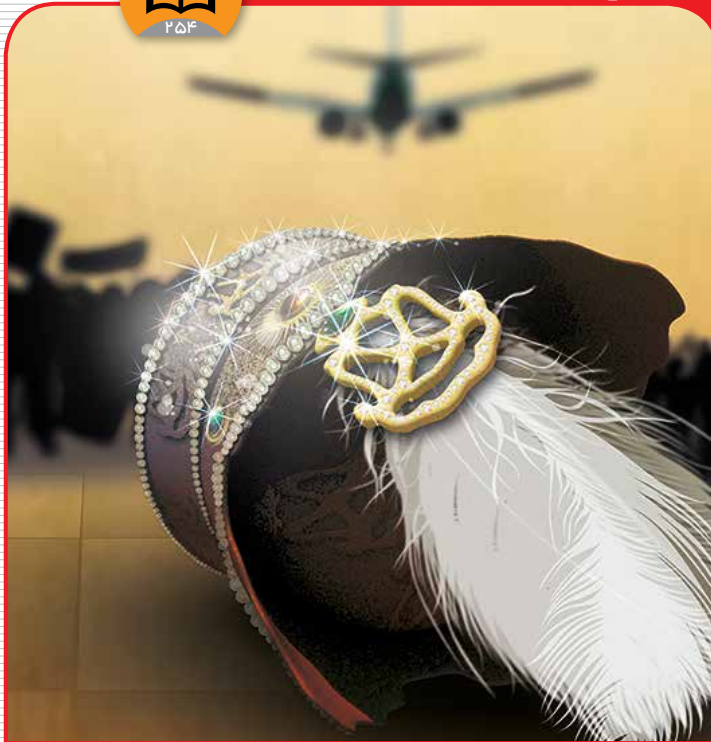
ببینید ماجرای انقلاب اسلامی ماجرای متفاوتی از مشکلی است که غربیان با روس‌ها بر سر منافع اقتصادی و سیاسی دارند. آن‌ها در عرصه شیوه زندگی کردن مشکلی با هم ندارند، ولی ماجرای که ملت ایران با انقلاب اسلامی ایجاد کرده یک ماجرای بسیار بنیانی است. ما عموماً می‌خواهیم به انسان، به قدرت، به سیاست، به جامعه، به حیوة‌الدنیا مبنائاً متفاوت و از منظر کتاب‌الله نگاه کنیم.»

تاریخ فساد خاندان پهلوی

دست‌چینی از بهترین کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی



تاریخ فساد خاندان پهلوی



۶۰

طلم کتاب

بسته پیشنهادی

ماهنامه شیرازه کتاب
شماره ۲۲
فروردین ۱۳۹۶



پهلوی‌ه (جلد سوم)

فرهاد رستمی پویا

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



این کتاب تاریخی، مجموعه‌ای از اسناد مرتبط با محمدرضا پهلوی است که خلاصه‌ای از رویدادهای مهم دوران سلطنت وی می‌باشد. این اسناد شامل سه بخش می‌شوند: بخش درباره روابط بین الملل و تحولات داخلی، بخشی از قضایایی که در این کتاب بررسی شده‌اند عبارت‌اند از: وقایع شهریور ۱۳۲۰، از املاک واگذاری تا بنیاد پهلوی، وزارت درباره نفت، نامه‌های محمدرضا پهلوی، شرف عرضی‌ها، تبلیغات، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تغییر تقویم، رابطه با آمریکا، شوروی، انگلیس، اسرائیل، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، انتخابات، مطبوعات، اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی.

ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی

محمد تقی تقی‌پور

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



این کتاب به طور مستند به تشریح روابط پنهانی ایران و رژیم صهیونیستی در عصر پهلوی پرداخته است. رژیم پهلوی با شناسایی دوافکتوی رژیم صهیونیستی و تبادل نماینده سیاسی به گسترش روابط با آن دولت پرداخت. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت قدرت محمدرضا پهلوی نیز ایران به طور کامل در اختیار جهان استعمار و صهیونیسم به رهبری آمریکا قرار گرفت و در نقش مکمل سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا به همکاری گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی پرداخت.

تاراج بزرگ

محمد قلی مجد

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



در دوران پادشاهی رضاخان، هنگامی که پای آمریکایی‌ها و عوامل آن‌ها به ایران باز شد، تاراجی بزرگ از ثروت باستانی ایرانیان توسط آن‌ها انجام شد. این بخش از تاریخ که مورد اقبال تاریخ‌نگاران قرار گرفته است، یکی از تأسف‌بارترین مسائل تاریخ ایران است. کتاب، با استناد به اسناد وزارت خارجه آمریکا، از ماجرای تاراج بزرگ میراث ایران به دست آمریکاییان و عوامل داخلی آنان پرده برداشته شده است، شاید بسیاری از ایرانیان حتی اهل نظر ندانند این حجم عظیم از ثروت باستانی ایران چگونه به موزه

متروپولیتن، بوستون، شیکاگو و... راه یافته است و نیز شاید ندانند سی هزار قطعه لوح گلی فاخر و نفیس چگونه به صورت «امانت» و به بهانه رمزگشایی به شیکاگو منتقل شد و دیگر به ایران برگشت.

ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه تقی نجاری نژاد مرکز اسناد انقلاب اسلامی



این گونه نهادها در نظام‌های استبدادی و دیکتاتوری، مانند رژیم شاه، صرفاً برای حفظ و تحکیم پایه‌های رژیم استبدادی و دیکتاتوری، سازماندهی می‌شوند و در حقیقت در جهت خلاف منافع و مصالح مردم فعالیت می‌کنند. سرگذشت ساواک گواه این مدعاست. ساواک نیز در راستای همین هدف بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأسیس شد. لایحه تشکیل ساواک در سال ۱۳۳۵ ابتدا در مجلس سنا و سپس در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و سازمان امنیت از ابتدای سال ۱۳۳۶ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد.

پدر ساواک جواد عربانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی



پدر ساواک داستان زندگی سیاسی و اجتماعی سرلشگر تیمور بختیار است. کتاب در پنج فصل به این موارد می‌پردازد: از تولد تا فرمانداری نظامی، تیمور بختیار و تأسیس ساواک، حرکت روی تیغ، بختیار به عنوان یک اپوزیسیون و ترور در شکارگاه. در دوره ریاست بختیار بر ساواک، بیشتر کسانی مورد شکنجه قرار می‌گرفتند که اطلاعاتی در مورد سازمان‌های مخالف داشتند. در این دوره، بازجویی هنوز عملی نشده بود و برای اقرار گرفتن، از شکنجه استفاده می‌شد. فردوست مسئولیت اعمال شکنجه بر متهمان را متوجه تیمور بختیار و مصطفی امجدی (مدیر کل اداره سوم ساواک) می‌داند.

۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار ریحانه درودی مرکز اسناد انقلاب اسلامی



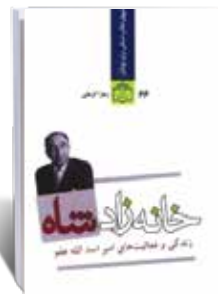
گروه هنر و ادبیات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پیش از این سه جلد از دوره «دربار به روایت دربار» را با نام‌های *فساد سیاسی دربار*، *فساد اقتصادی دربار* و *فساد اخلاقی دربار* منتشر کرده است و اینک، چهارمین جلد، با هدف بررسی جامعه‌ای که چنان درباری به آن حکومت می‌کرد، در دستان شماست. نگاهی به جامعه ایران در پنجاه و سه سال حکومت پهلوی به لحاظ ابعاد و شاخصه‌های درونی، از سطح معیشت و خدمات عمومی و رفاهی گرفته تا وضعیت آموزش و اداره و فرهنگی و غیره. این اثر گامی کوچک در جهت ترغیب ساختن خواننده به کشف حقایق مستور است



خانه‌زاد شاه

زهره کرمانی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



اسدالله علم، طراح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسبب اصلی فاجعه ۱۵ خرداد بود؛ او بود که فرمان سرکوب وحشیانه و خونین مردم را در آن روز صادر نمود. علم، پسر شوکت‌الملک؛ خان بیرجند و یار غار انگلیس‌ها بود. او به واسطه جایگاه پدر به دستگاه رژیم متصل شد و خیلی زود، پله‌های ترقی را پیمود. او در پس تمام کوشش‌های نوکرمآبانه، چیزی را جز جلب رضایت محمدرضانمی طلبید. کتاب، سیر اوج‌گیری و سقوط علم را بررسی می‌نماید. فصول کتاب عبارت است از: خان‌زاده بیرجند، در تکاپوی قدرت، عرض ارادت به شاه با شلیک گلوله به مردم، یخبندان باوره، دوران مرگ یا مرگ دوران.

رؤبایای بر بادرفته

عباس سلیمان‌نژاد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



این کتاب روایتگر زندگی محمدرضا پهلوی از تولد تا مرگ است. شیوه طرح افکار، احساسات، انگیزه‌ها و عکس‌العمل‌های شاه سابق ایران، به‌خصوص واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های اتخاذشده در مواقع بحران‌های سیاسی، در این کتاب به‌گونه‌ای است که آن را از قالب تشریفاتی معمول خارج کرده، با نثری خاطره‌گونه اسلوب تازه‌ای از نوشتار و زندگی‌نامه‌های تاریخی و سیاسی ارائه می‌کند.

شکنجه در رژیم شاه

سعید صمدی پور

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



کتاب، پس از مروری بر وضعیت شکنجه در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، به بررسی شکنجه در دوره پهلوی دوم، به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ پرداخته است. پس از کودتای ۲۸ مرداد، شرایط داخلی و بین‌المللی سبب ایجاد سیاست‌هایی شد که در زمینه عدم رعایت حقوق مردم، آثار بسیاری در ایران داشت. از آن جمله تأسیس ساواک است. کتاب در پنج فصل تدوین شده: تجسس و شکنجه از منظر اسلام و ادیان الهی، وضعیت شکنجه در دستگاه‌های امنیتی معاصر، دوران تأسیس و تثبیت ساواک، خشونت شدید تا سقوط ساواک و واکنش‌ها در قبال شکنجه.

پاسبان جهنمی زهراکرمانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی



این کتاب به زندگی و ظلم سپهبد نصیری می‌پردازد. نویسنده به شرح حال و زندگی نصیری، رسیدن او به مقامات نظامی و خوش خدمتی به شاه، چگونگی رسیدن به مقام ریاست ساواک و سرکوب قیام‌ها و شکنجه مردم انقلابی توسط نیروهای ساواک می‌پردازد. سپس زندگی سپهبد نصیری را پس از پیروزی انقلاب به تصویر می‌کشاند. نصیری در سال‌های پایانی عمر رژیم پهلوی بخش اعظمی از دارایی‌های خود را که از راه غیر مشروع به دست آورده بود به خارج از کشور انتقال داد، محمدرضاشاه که تا آن زمان برای حفظ تاج و تخت خود، در برابر اقدامات نصیری سکوت کرده بود، سرانجام در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج گرفتن اعتراضات مردم علیه حکومت، سپهبد نصیری را به زندان انداخت؛ به امید این که بتواند رضایت مردم را به دست آورد.

سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



این کتاب به بررسی سازمان‌ها، جمعیت‌ها و مؤسسات یهودی و صهیونیستی ایران در عصر پهلوی می‌پردازد. در این کتاب سعی شده است تا با تکیه بر اسناد ساواک، جریان‌های فوق را مورد بررسی قرار دهد. به گواهی تاریخ معاصر ایران، اقلیت یهود به‌ویژه پس از صعود رضاخان تا زمان سقوط محمدرضاشاه از جایگاه و موقعیت بسیار ممتاز و برجسته‌ای برخوردار بودند. سازمان‌ها و کانون‌های یهودی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نفوذ کرده بودند. دلالی و بورس بازی ایران، آنان را به تاجران بزرگی تبدیل کرده بود. برخی از افراد و محافل همین ثروت‌ها را در تقویت پایه‌های رژیم صهیونیستی خرج کردند. کتاب در مورد انتقال یهود به فلسطین و کمک‌های مالی یهودیان ایران دوره پهلوی به اسرائیل، اطلاعات ارزنده‌ای را ارائه می‌دهد. این کتاب در پنج فصل و به انضمام اسناد یهودیان موجود در ساواک چاپ شده است.

سقوط جمعی از نویسندگان مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



جلد اول از این کتاب، مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی است که در دوم اسفند ۱۳۸۲ به همت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و با همکاری فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. علی‌رغم این که متن مقالات ویراستاری شده‌اند، اما سعی گردیده تا تغییری در ماهیت و مفهوم مقالات ایجاد نشود؛ برای اتقان در این امر، پس از ویراستاری، مقالات توسط نویسندگان مربوط بازبینی شده است. جلد دوم «سقوط»، شامل مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دومین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی است که به کوشش «مجمع هماهنگی مراکز اسنادی، تاریخ‌پژوهی و بانک‌های اطلاعاتی»، در بهمن ۱۳۸۵ در دانشگاه تهران برگزار شد.



انقلاب دوازده ساله‌ها



رحیم مخدومی

شرایط حتی نباید پیرسم چرا؟ با احتیاط نگاهی به اطرافم انداختم. احساس کردم مسافران مینی بوس وانمود می کنند: آن جملات روی دیوار را نمی بینند. این برای اولین بار بود که چشمان من بانام خمینی آشنا می شد و گوش هایم نام او را از زبان خودم می شنید. در مقابل این نام، حالاتی در من شرطی می شد، ترس، اختفا، سکوت، خفقان شدید.

تازه داشتم می فهمیدم که چرا شعارنویسی هول هولکی، با دست های لرزان و لابد نیمه شب اتفاق افتاده است! وقتی رسیدیم خانه، من و برادرم می دانستیم باید بلافاصله راجع به چه چیزی صحبت کنیم. دیگر وقت آن رسیده بود او حرف هایی را که تا به حال از من مخفی می کرد، صاف و پوست کنده بگوید تا به قول خودش یک وقت دچار دردسر نشوم. آن جا بود که من با طاغوت و خمینی و ساواک و پدیده ای به نام انقلاب آشنا شدم.

از بهار تا پاییز ۵۷ اتفاقات زیادی افتاد و چشم و گوش و جرأت و جسارت همه را باز کرد. دیدن تصویر امام، اعلامیه های او، راهپیمایی های یواشکی، بگیروبیندها، سخنرانی های آتشین، همه و همه از دانش آموز دوازده ساله ای که تازه می خواست کلاس اول راهنمایی یا به قول امروزی ها ششم ابتدایی را شروع کند، داشت یک دانش آموز متفاوت می ساخت: یک انقلابی کوچک که قانع به وضع موجود پیرامون خود نباشد. بگردد ببیند چه چیزهایی هست که نباید باشد، چه چیزهایی نیست که باید باشد.

این بود که بر اساس همین بینش، اتفاق قصه نرگس شکل گرفت. قصه اعتراف دانش آموزان دوازده ساله به کیفیت حضور یک معلم در مدرسه.

سال ۱۳۵۶ تازه به انتها رسیده و نوروز ۱۳۵۷ آغاز شده بود. من دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی بودم. آن روز بعد از چند دیدوبازدید نوروزی، به اتفاق خانواده پر جمعیتی که من عضو وسطی آن بودم، خسته و کوفته داشتیم از شهرری به ورامین برمی گشتیم. مرکبمان یک مینی بوس زهوار دررفته خطی بود که جا برای نشستن نداشت. ما به ناچار در راهروی بین صندلی ها ایستاده بودیم و با تکان های شدید در جاده ناانجیب، به این طرف و آن طرف موج می خوردیم. خاطرم هست این مسیر، که امروز در عرض ۳۰ دقیقه طی می شود، آن روزها خیلی طولانی و خسته کننده بود. من از سر بی حوصلگی، تابلوها و دیوار نوشته ها را می خواندم. گاهی چنان غرق در خود بودم که ناگافل از اطرافیان، خواندنم صدا دار می شد و توجه آن ها را جلب می کرد.

آن روز دیوار نوشته هایی را دیدم که هول هولکی و با رنگ اسپری نوشته بودند! در یک فاصله پنج کیلومتری، چند بار آن نوشته بدخط، و از نظر من بی معنی، تکرار شده بود. با این حال من از لایه لای جمعیت متراکم در راهروی کوچک مینی بوس، سرک کشیده بودم سمت پنجره تا جمله را پیش از گذر مینی بوس ببینم و بخوانم.

- درود ... بر ... خمی ... ری.

منی دائم نویسنده، عبارت خمینی را ناخوانا یا اشتباه نوشته بود، با من اشتباه می خواندم. اما آنچه که سهواً داشت اتفاق می افتاد و از نظر برادرم بزرگم خیلی خطرناک بود، خوانش من با صدای بلند بود! غرق این کشف و شهود بودم که تلنگر او جمله را در کامم ناتمام گذاشت. وقتی سرم را بلند کردم، چهره برافروخته اش را دیدم که مرا از خواندن نهی می کرد.

ترسی ناشناخته وجودم را فراگرفت. طوری که حدس زدم در آن

بنده فکر می‌کنم خوب است که
محل‌های نماز جمعه، مرکز نمایش
کتاب‌های خوب و کتاب‌های روز و
کتاب‌های مطلوب باشد

مقام معظم رهبری در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

نماز جمعه
از بزرگترین عبادات حق تعالی
بر عهده سراسر اسلامی ایران است
روح الله محمدی

کتاب جمعه

۶۷

طعم کتاب
معرفی کتاب

بسته دی ماه

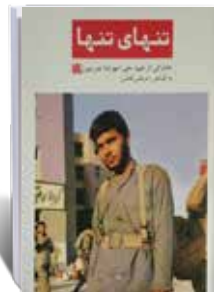
شورش اشراقیت بر جمهوریت حمیدرضا اسماعیلی مرکز اسناد انقلاب اسلامی



اتفاقات بعد از انتخابات سال ۸۸ در یک نگاه، غلبه روح طاغوتی و زیاده خواهی را تداعی می کند، زیرا جریان مربوط به برخی از کاندیداهای انتخاب شده و به عبارتی شکست خورده انتخابات را زیر سؤال برد و برخلاف تمام شعارهای خود، انتخابات را از اساس مردود خواند. در کتاب *شورش/اشراقیت بر جمهوریت* تلاش شده تاریخچه اتفاقات تلخ آن برهه از تاریخ انقلاب اسلامی واکاوی شود و به پرسش های مربوط به آن پاسخ داده شود.

در *شورش/اشراقیت بر جمهوریت*، با اشاره به راهبرد سیاسی جبهه دوم خرداد در طول دهه گذشته، و ارتباط آن با تولید خشونت سیاسی در جامعه و حکومت، نشان داده است که این جریان چگونه برای به آشوب کشیدن و ایجاد بحران در کشور، نه در سال ۸۸ بلکه از سال ۸۴ برنامه ریزی کرد، و برای رسیدن به این هدف، چگونه به گزینه مناسب خود یعنی یکی از سران فتنه رسید. نویسنده کتاب در *شورش/اشراقیت بر جمهوریت* بعد از تحلیل گفتمان سیاسی یکی دیگر از کاندیداهای انتخابات نهم تادهم ریاست جمهوری، با بررسی اهداف اصلی مورد نظر جریان فتنه، به استناد یازده دلیل نشان می دهد که جریان آشوب آفرین، با اینکه به سلامت انتخابات آگاه بود ولی دست به اغتشاش فاجعه باری زد. حمیدرضا اسماعیلی همچنین با بررسی «انقلاب مخملی» به رفتارشناسی بازیگران خارجی در حوادث فتنه ۸۸، و بررسی ائتلاف سه ضلعی میان بازیگران داخلی، در نهایت به نقش حکیمانه رهبری انقلاب اسلامی در شکست جریان فتنه و پیروزی ملت اشاره کرده است.

تنهای تنها مرتضی قاضی یا زهرا



کتاب *تنهای تنها* درباره زندگی یکی از شهدای دانشجوی جنگ تحمیلی است که وقتی به فیض شهادت نائل شد ۲۱ سال بیشتر نداشت اما راه سیر و سلوک به سوی معبود خود را طوری طی کرده بود که شنیدن آن، چشم ها و دل ها را خیره و حیرت زده می کند؛ شهید علی بلورچی، شاگرد مورد توجه عالم ربانی مرحوم آیت الله حق شناس، و دانشجوی باهوش و باذکاوت دانشگاه صنعتی شریف است. آنچه در کتاب *تنهای تنها* می خوانیم باعث می شود به مقام آن شهید

بزرگوار غبطه خوریم که شخصیت او با وجود اینکه در ابتدای مسیر جوانی قرار داشت، به چه کمالات بالایی دست یافته بود. مرتضی قاضی در کتاب *تنهای تنها* خاطرات اطرافیان شهید علی بلورچی از کودکی تا شهادت آن دانشجو شهید را طوری تنظیم کرده که روایت هایی متعدد و گوناگون در کنار هم به روایتی یک دست اما خواندنی و مهیج تبدیل شده اند. تلفیق عکس و متن نیز در هر یک از صفحات *تنهای تنها* با جذابیت بخشیدن به کتاب، باعث شده تا مخاطب در کنار خواندن هر صفحه از خاطرات شهید بلورچی، با آلبومی داستانی از زندگی او روبرو شود و با ورق زدن کتاب، تصویری واقعی از آن شهید بزرگوار از کودکی تا بزرگسالی را به نظاره بنشیند.

اینگ شوکران روایت فتح



مجموعه کتاب‌های/اینگ شوکران، نوشته‌هایی است درباره‌ی مردانی که در سال‌های جنگ، زخمی شدند، اما زخم‌هایشان ماند تا سال‌ها بعد از جنگ محملی شود برای نمادینشان؛ روایت‌هایی کوتاه و جذاب از زندگی مشترک با جانبازان هشت سال دفاع مقدس که در روایت‌های رسمی جنگ کمتر بیان شده است. کتاب‌های/اینگ شوکران از لحظه‌ی آشنایی همسر شهید، با او شروع می‌شود و با روزهای جنگ و گلوله ادامه می‌یابد، تا به دوران سخت مشکلات بعد از جنگ و تحمل فشارهای ناشی از زخم‌های به‌جامانده، می‌رسد. صبر و اعتقاد و عشق زن به همسر، و مجاهدت و پاکبازی و شرافت مرد در هر کدام از داستان‌های کتاب/اینگ شوکران، چهره‌ی دو قهرمان واقعی را به تصویر می‌کشد. صحنه‌هایی که در این مجموعه پنج‌جلدی از زبان همسران شهدا روایت شده، قطعاً خواننده را تحت تأثیر قرار خواهد داد، صحنه‌هایی تلخ اما آموزنده از زندگی مردان خدا که چنان شیرین روایت شده است که خواننده با تمام وجود، سختی‌ها و زیبایی‌های زندگی آن‌ها را لمس می‌کند. سختی‌هایی که زندگی با یک جانباز دارد کمتر در تریبون‌های رسمی بیان شده، و عنوان شدن آن‌ها در کتاب‌های/اینگ شوکران سبب شده تا مخاطبان به مطالعه‌ی کتاب‌های این مجموعه اقبال بیشتری نشان دهند، و گواه این مدعا تجدید چاپ‌های متعدد از این کتاب‌هاست. این اقبال تا جایی بود که سینما نیز نتوانست نسبت به آن بی‌توجه باشد و طی سال‌های پس از انتشار این کتاب‌ها دو فیلم با محوریت دو کتاب از این مجموعه اثر گذار، ساخته شد و بر روی پرده سینما به نمایش درآمد.

شب ظلمانی شاهنشاهی اصغر مددی انقلاب اسلامی



آن‌هایی که تجربه‌ی شنیدن و خواندن دیدگاه‌های تاریخی مقام معظم رهبری را داشته باشند حتماً بر این نکته دست تأیید خواهند گذاشت که تسلط ایشان بر تاریخ، مثال‌زدنی است. مقام معظم رهبری با توجه به احاطه‌ای که بر تاریخ دارند تحلیل‌هایی ارائه می‌کنند که از خصوصیات بارز ایشان است. کتاب *شب ظلمانی شاهنشاهی* چکیده‌ای از تاریخ شاهنشاهی در ایران از دوهزار و پانصد سال پیش تاکنون، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. خواننده کتاب *شب ظلمانی شاهنشاهی* پای سخنان شیوا و دلنشین مقام معظم رهبری می‌نشیند و به درس تاریخ گوش می‌دهد، و فراتر از یک نقل تاریخی صرف، به لایه‌های زیرین تاریخ سرک می‌کشد، و شاهد افشای اهداف پنهان سلاطین و شاهان ایران در برخی از اقداماتشان می‌شود.

به عنوان نمونه، در کتاب *شب ظلمانی شاهنشاهی* می‌توان با عنوان «اسلامی نبودن همه‌ی نظام‌های سلطنتی حتی با نام اسلام» ارائه شده است که در آن بخش، مقام معظم رهبری چهره‌ی واقعی حکومت‌های سلطنتی، حتی آن‌هایی که در ظاهر منادی اسلام بودند را بر ملا کرده و به خواننده نشان داده است که حتی آن‌هایی که به نام اسلام سکه ضرب کرده بودند، در عمل بویی از اسلام نبرده بودند، و به نکاتی اشاره می‌کنند که به دقت نظر و بصیرت خاصی در تحلیل تاریخ نیازمند است.

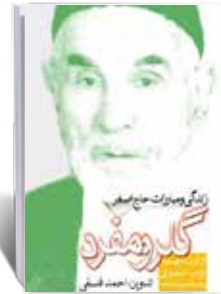


بسته بهمن ماه

زندگی و مبارزات حاج اصغر گلرو مفرد

احمد فلسفی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



مرحوم اصغر گلرو مفرد از اعضای اولیه جمعیت فدائیان اسلام و یاران شهید نواب صفوی بوده که هماهنگی جلسات فدائیان و دیدارهای خصوصی و عمومی شهید نواب را بر عهده داشته است، لذا روایت او از فعالیت‌های این گروه مبارز از اهمیت زیادی برخوردار است. حاج اصغر گلرو مفرد که پس از دستگیری نواب صفوی و یارانش، دستگیر شد و تحت شکنجه‌های سختی قرار گرفت، دیده‌ها و شنیده‌های ویژه‌ای از مبارزه و مقاومت خود و همراهان شهیدش در بازداشتگاه‌های مخوف رژیم

پهلوی را در این کتاب به تصویر کشیده است.

کتاب زندگی و مبارزات حاج اصغر گلرو مفرد علی‌رغم حجم کم و مطالب بسیار کوتاه، اطلاعات بسیار خوبی از شکل‌گیری جمعیت فدائیان اسلام و سیر مبارزات تاریخی آن گروه مجاهد، و حواشی آن مانند ملی شدن صنعت نفت ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که مخاطب در مدت کوتاهی می‌تواند با بخش مهمی از تاریخ مبارزات اسلامی در عصر حاضر آشنا شود و در صورت علاقه‌مند بودن به این بخش از تاریخ معاصر ایران، دامنه مطالعاتی خود را گسترش دهد.

تاریخ معاصر ایران

دکتر موسی نجفی و دکتر موسی حقانی

آرما



در باره اهمیت خواندن تاریخ و ارتباط آن با مسائل اجتماعی امروز کشور، باید توجه داشت که شناخت عمیق و تحلیلی تحولات پانصدساله ایران، مسأله‌ای است که برای شناخت صحیح هویت خود به آن نیازمندیم، هویت و موقعیتی که در آن هستیم و گاه از آن غافلیم. در کتاب تاریخ معاصر ایران سعی شده تا در خلال رصد تاریخی وقایع و رویدادهای پنج قرن اخیر ایران، از عصر صفویه تا انقلاب اسلامی، تاریخ نقلی و تاریخ تحلیلی بافق تاریخ تفکر در ایران توأمان شود. ریشه‌یابی تاریخی برخی از مسائل مهم امروز منطقه و جامعه ایران از قبیل بیداری اسلامی، اقتصاد مقاومتی، فراماسوئری و انجمن‌های مخفی از جمله ویژگی‌های کتاب تاریخ معاصر ایران است. نکته قابل توجه این است که کتاب تاریخ معاصر ایران در واقع ساده و خلاصه‌شده کتاب جامع‌تری به نام تاریخ تحولات سیاسی ایران از همین نویسندگان است که پیش از این منتشر شده و مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث تاریخی نیز قرار گرفته است.

راز درخت کاج

معصومه رامهرمزی

شاهد



کتاب راز درخت کاج، تصویری تأمل برانگیز از زندگی یکی از شهدای نوجوان انقلاب اسلامی است که نوع شهادت او با دیگر شهدای گرانقدر تاریخ انقلاب و دفاع مقدس تفاوت دارد و آن مبارزه شجاعانه و شهادت مظلومانه دختری چهاردهساله در جبهه مبارزه با منافقین کوردل است. شهید زینب کمایی، دختری نوجوان و انقلابی بود که در ابتدای دهه شصت و در کوران تحولات شوم سازمان منافقین، به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مذهبی‌اش مورد خشم و کینه اعضای این گروه منحوس

قرار گرفت و سرانجام به طرز دلخراشی ترور شد. کتاب راز درخت کاج روایت مادری مجاهد از زندگی دختر مجاهد خود است؛ مادری انقلابی که خود نیز پایه‌های دختران و پسرانش در میدان مبارزه و جهاد در مکتب اسلام حضور داشت. شهید زینب کمایی در کتاب راز درخت کاج، نوجوانی اهل خودسازی و برنامه‌ریزی برای رشد و تعالی روح و جسم خود است و از این جهت می‌تواند نمونه و الگویی مناسب و قابل درک برای سایر نوجوانان قرار بگیرد.

سه گانه کارنامه شیطان، خاطرات شیطان و اسرار شیطان

صالح قاسمی
سلمان پاک



کتاب‌های کارنامه شیطان، خاطرات شیطان و اسرار شیطان هر کدام بخشی از مداخلات و جنایت‌های شیطان بزرگ را در ایران و جهان فاش می‌کند. کتاب کارنامه شیطان نخستین جلد از این مجموعه سه‌جلدی است که نشان‌دهنده جایگاه استعماری ایالات متحده است. قاسمی در این بخش نشان داده که ایالات متحده از روز اولی که جایگزین استعمار انگلیس شد، دشمنی خود را با ایران آغاز کرده است، که شاخص‌ترین آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که حکومت قانونی را با کودتای نظامی ساقط کرد. جلد دوم این مجموعه با عنوان کتاب خاطرات شیطان نشان می‌دهد که آمریکا با وجود ادعای صیانت از حقوق بشر، ناقض آن بوده و بیشترین اقدامات ضد حقوق بشری را در جهان مرتکب شده است. کتاب اسرار شیطان نیز سومین جلد از این مجموعه است که به بررسی ناگفته‌هایی از ایالات متحده آمریکا پرداخته و با مروری بر بدعهدی‌های مکرر این شیطان بزرگ اثبات می‌کند که آمریکا بهترین دروغگوی دنیاست. بازخوانی نظرات امام راحل و رهبر معظم انقلاب درباره رابطه و مذاکره با ایالات متحده نیز از مهم‌ترین مباحث این سه کتاب است. این مجموعه، برای جوانان، به‌ویژه دانشجویان، بسیار مفید و کارآمد است.

آیات شیطانی؛ بارزترین جلوه دشمنی استکبار جهانی با اسلام

قدر ولایت



صدر فتوای تاریخی امام خمینی رحمه‌الله در بهمن‌ماه ۱۳۶۷ مبنی بر ارتداد سلمان رشدی، مؤلف کتاب موهون *آیات شیطانی* و وجوب اعدام او نشان از حساسیت موضوع توهین به مقدسات اسلامی و دشمنی‌های جهان غرب با اسلام داشت که همچنان پس از گذشت قریب به ۲۸ سال از صدور آن فتوا، بر قوت خود ماندگار است. این فتوا سرآغاز فصل جدیدی از انقلاب جهانی اسلام و مقابله کفر و ایمان گردید که در پی انتشار این خبر، جهان اسلام یک‌پارچه شور و حرکت شد و جهان

غرب دچار سردرگمی و اضطراب؛ به طوری که علیه این حکم مهم تاریخی، دست به تبلیغات گسترده‌ای زد. کتاب کم حجم *آیات شیطانی؛ بارزترین جلوه دشمنی استکبار جهانی با اسلام* اطلاعاتی غنی پیرامون کتاب موهون *آیات شیطانی* و حواشی آن دربر دارد و خواننده را از ابتدا تا انتها با ماجرای این کتاب، مؤلف و مخالفان و حامیان آن آشنا می‌کند. مهم‌ترین نکته‌ای که در مورد این کتاب وجود دارد این است که اغلب افراد، اطلاعات محدودی در ارتباط با قضیه سلمان رشدی دارند، آن هم اطلاعاتی است که از طریق رسانه‌ها بیان شده و فاقد عمق و محتوای مناسب است. از این رو خواننده پس از مطالعه این کتاب می‌تواند به مبنای جنجال‌های غرب علیه فتوای امام خمینی رحمه‌الله و همچنین مخالفت‌های کشورهای اسلامی با انتشار کتاب *آیات شیطانی* تا امروز پی ببرد. در این کتاب حتی مبنای فقهی حکم ارتداد سلمان رشدی و روایات اهل سنت و شیعیان در ارتباط با این قضیه با بیانی ساده ارائه شده است. همچنین اظهار نظر و تأییدات برخی از دانشمندان و متفکران غربی در مورد حکم تاریخی امام خمینی رحمه‌الله نیز بیان شده است.



خط اخبار پرونده ویژه طعم کتاب خانواده نشر



گفت‌وگو با محمدعلی گودینی | مسئولین در زمینه ادبیات مقاومت، دغدغه فرهنگی ندارند ۷۲

مسئولین در زمینه ادبیات مقاومت دغدغه فرهنگی ندارند

رضا شاعری

محمدعلی گودینی از جمله نویسندگانی است که با سختی‌های زیادی قد کشیده و نویسنده شده است، تلاش‌های او در نویسندگی و همچنین زندگی‌اش زیبایی یک فرد موفق را به تصویر می‌کشد. گودینی متولد شهرستان کنگاور از توابع استان کرمانشاه است. وی از سیزده سالگی برای کار و زندگی به تهران نقل مکان کرد. او پس از کار در کارگاه‌های مختلف نهایتاً به عنوان کارگر در کارگاه‌های مختلف به عنوان کارگر در کارخانه مشغول به کار شد و عضو سخنگویان انجمن کارگری شد. این تجربیات باعث شد به عنوان یک نویسنده کارگر، قلمی پرکشش برای بازگویی شرایط این قشر داشته باشد. اما گودینی در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس حرف‌های جدی برای گفتن دارد. آثار متعددی از این نویسنده پُر تلاش در جشنواره‌های متعددی، همچون «قلم‌زمین»، به عنوان پنجم اثر برگزیده انتخاب شده است. *آیت ولایت*، زندگی‌نامه داستانی شهید آیت، *تلاش برای پایداری*، *عبور از چارچوب*، *رازله عاشورا*، *سرباز وطن*، *چتر بازی در امواج*، *زندگی‌نامه شهید غواص جواد شاعری*، برخی از آثار این نویسنده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگو با محمدعلی گودینی در مورد چپستی و چرایی ادبیات مقاومت در حوزه داستان است.

پس از جنگ
تحمیلی، ادبیات
مقاومت در کشور
ایران شکل گرفت؛ اما
بعد از جنگ، به طور
جدی جان گرفت.
برای اینکه بسیاری
از نویسندگان ما
نوقلم بودند و مسئله
بعدی اینکه در آن
دوران، به ما میدان
نمی‌دادند. در آن
دوره، کسانی که
توانایی بیشتری در
نویسندگی داشتند،
بیشتر میدان داده
می‌شدند و آن‌ها با
شعار رمان ضد جنگ،
در صدد سیاه‌نمایی
دفاع مقدس بودند

و انقلاب اسلامی است. دورانی که با وجود چاپ هزاران کتاب از خاطرات رزمندگان و فرماندهان آن دوران، هنوز جای کار دارد که مطالب بیشتری از آن منتشر شود تا در تاریخ ماندگار گردد. رهبر معظم انقلاب هم چندین بار در این باره با تأکید فرمودند: «به نظر من تا پنجاه سال دیگر باید درباره دفاع مقدس کتاب بنویسند». این هم از عدم توجه به سخنان رهبری است.

پس از جنگ تحمیلی، ادبیات مقاومت در کشور ایران شکل گرفت؛ اما بعد از جنگ، به طور جدی جان گرفت. برای اینکه بسیاری از نویسندگان ما نوقلم بودند و مسئله بعدی اینکه در آن دوران، به ما میدان نمی‌دادند. در آن دوره، کسانی که توانایی بیشتری در نویسندگی داشتند، بیشتر میدان داده می‌شدند و آن‌ها با شعار رمان ضد جنگ، در صدد سیاه‌نمایی دفاع مقدس بودند. آن‌ها رشادت و پایداری جوانان این مردم را که برای دفاع از کیان کشور، به جنگ با دشمن بعثی می‌رفتند، ناجوانمردانه نادیده می‌گرفتند.

ارتباط و تأثیر متقابل میان ادبیات مقاومت اسلامی در ایران و سایر کشورها چگونه است؟

پیشینه ادبیات مقاومت در ایران به چه دورانی برمی‌گردد؟ و با توجه به تأکیدات رهبر انقلاب تا چه میزان به آن پرداخته شده است؟

اگر بخواهیم ادبیات مقاومت را تشریح کنیم، دو صورت دارد. یکی مقاومت در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، مانند جنگ بین ایران و روسیه در دوره قاجاریه است. ابدان بسیاری از سپاهیان ایران در آنجا ماند، سنگ‌هایی به نشانه مزار و یادبود کسانی که شهید شده بودند، در منطقه چالدران باقی مانده است. در آن زمان، کسانی مطالبی را به طور کلی از این وقایع، یادداشت می‌کردند. علما هم رساله‌ای در این خصوص تنظیم کردند که به «جهادیه» معروف شده بود. بعدها مجموعه این دست‌نوشته‌ها را در قالب یک کتاب منتشر کردند. البته متأسفانه امکانات کم بوده و این وقایع در تاریخ، به خوبی ثبت نشده است. در دوران ما نیز متولیان فرهنگی از نویسندگان، به طور ویژه حمایت نمی‌کنند تا با خواندن منابع تاریخی و حضور در آن مناطق و مشاهده مناطقی که این جنگ‌ها در آنجا صورت گرفته است، آن را به شیوه داستانی روایت کنند. این صورت نخست ادبیات مقاومت است. صورت دوم دوران با شکوه جنگ تحمیلی



اولاً؛ با جغرافیای آنجا آشنا نیستیم. ثانیاً؛ تاکنون فرصتی پیش نیامده تا پای صحبت یکی از این رزمندگان مدافع حرم بنشینیم. خب برای اینکه این وقایع در تاریخ بماند، نویسنده نیاز به مشاهده و تحقیق دارد. همین مراکز فرهنگی باید برای ثبت و نگارش، چند تن از نویسندگانی را که امتحان پس داده‌اند، به میدان نبرد در سوریه ببرند و از نزدیک درگیری‌ها، اتفاقات و فضا را ببینند یا اینکه تعدادی از رزمندگان را در مجموعه‌ای جمع کنند تا برای نویسندگان صحبت کنند. نقشه‌ها و جغرافیای آن را با فیلم و عکس توضیح دهند تا مطلب جابجفت.

بنده خودم در زمان جنگ، چند ماهی توفیق حضور در جبهه را داشته‌ام یا چندین مرتبه در برنامه‌های راهیان نور شرکت کرده‌ام؛ آثار باقی مانده جنگ را دیده‌ام و راحت‌تر می‌توانم قلم بزنم.

اما نمی‌دانم در جبهه سوریه چه می‌گذرد؛ مردم آنجا چگونه مبارزه می‌کنند؛ مثلاً آیا زنان هم در آنجا مبارزه می‌کنند که بتوان کتابی مانند فرنگیس را که سال گذشته، حوزه هنری منتشر کرد، بنویسم یا نه! تنها تصویری که از جنگ آنجا دارم، این است که وضعیت در این کشور، شبیه جنگ کردستان در ابتدای انقلاب بود. چندی پیش در تلویزیون، زنی را دیدم که در قابلمه‌ای ماکارونی درست کرده بود و به رزمندگان سوری می‌داد. اگر من آن صحنه را از نزدیک ببینم، طبیعتاً تأثیرگذاری‌اش بیشتر است. باید برای مکتوب شدن این رشادتها و منتشر شدن آن در قالب ادبیات دفاع مقدس، مسئولین فرهنگی بودجه، تخصیص بودجه بدهند و نویسندگان را در جلسه‌ای با رزمندگان ایرانی و لبنانی و غیره رودررو کرده و صحبت کنند.

در تکمیل این بحث باید گفت، مشاهده برای

به نظر من ادبیات دفاع مقدس و ادبیات مقاومت، آثار جهانی شدن انقلاب اسلامی است. گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمدند و به‌طور رسمی، رونمایی شدند. بسیاری از این گروه‌ها نیز هنوز معرفی نشده‌اند.

برای اینکه بتوان شعرا و نویسندگان را برای نوشتن در این حوزه ترغیب کرد، باید مراکز فرهنگی انقلابی حمایت‌های بیشتری از این قشر داشته باشند.

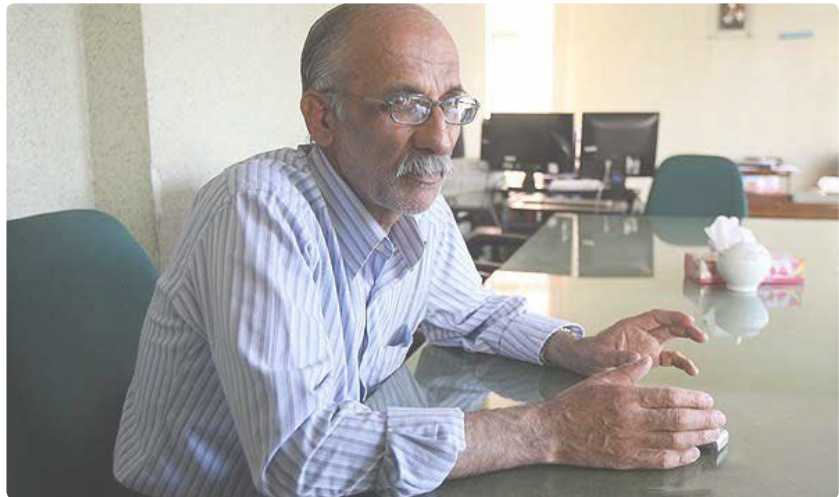
در فلسطین با توجه به سابقه طولانی آنها در بحث مقاومت، وضعیت ادبیات مقاومت چگونه است؟

به نظر من شاعران بیشتر از نویسندگان در کشور فلسطین فعال هستند. محمود درویش در این زمینه، شعرهای خوبی سروده است. غسان کنفانی هم رمان‌هایی نوشته و در ایران هم منتشر شده است. من به‌طور کامل نخوانده‌ام؛ اما آنچه متوجه شدم، این است که بیشتر در خصوص آوارگی‌ها و دربه‌داری‌هایشان نوشته و اتفاقات کتاب با موضوع مبارزه و مقاومت مردم فلسطین، کمتر به تصویر کشیده شده است.

متأسفانه سران کشور فلسطین پس از اشغال کشورشان، یکی در میان خائن بودند و هستند. محمود عباس، چریک پیری که سال‌ها جانشین یاسر عرفات بود، آشکاراً مردمش را می‌فروشد. مثل برخی آقازاده‌های ما که پسرانشان به این ملت خیانت می‌کنند.

نویسنده حوزه ادبیات مقاومت برای خلق اثر به چه ملزوماتی نیاز دارد؟

همین الان در کشور سوریه، نیروهای ما در حال جهاد هستند. اگر من به‌عنوان یک نویسنده بخواهم این رویداد را به‌صورت داستانی بنویسم، ملزوماتی نیاز دارم.



”ادبیات دفاع

مقدس و ادبیات

مقاومت، آثار

جهانی شدن انقلاب

اسلامی است.

گروه‌هایی مانند حماس

و حزب‌الله بعد از

انقلاب اسلامی به‌وجود

آمدند و به‌طور رسمی،

رونمایی شدند. بسیاری

از این گروه‌ها نیز هنوز

معرفی نشده‌اند

”باید برای

مکتوب شدن

این رشادتها و

منتشر شدن آن در

قالب ادبیات دفاع

مقدس، مسئولین

فرهنگی بودجه،

تخصیص بودجه بدهند

و نویسندگان را در

جلسه‌ای با رزمندگان

ایرانی و لبنانی و غیره

رودررو کرده و صحبت

کنند

جنگ هشت‌ساله نوشتیم. آثاری در دست چاپ داریم و کتاب‌های دیگری که هیچ‌کس از چاپ آن‌ها حمایت نمی‌کند. صدام در جنگ با صدام، بسیج چند میلیونی تشکیل داده بود؛ اما ظرف دو هفته متلاشی شد. کشور عراق شاید صد عنوان کتاب نیز از آن دوران نداشته باشد. حالا با اینکه در کتاب‌های زیادی که در کشور منتشر شده، خیلی از این خاطرات مکتوب شده است؛ اما متأسفانه مسئولین حمایت نمی‌کنند و اصلاً دغدغه فرهنگی ندارند. بنده خودم کتابی با عنوان *موج‌ها و کوسه‌های خلیج فارس*، با موضوع ناوچه پیکان و نبرد ناوهای ایران با آمریکا نوشتیم. در این کتاب، بیش از دویست بار نام خلیج فارس را آورده‌ام. این کتاب را در قالب رمان نوشتیم؛ اما تاکنون منتشر نشده است. من خودم گاهی در خصوص شهدا احساس تکلیف کرده‌ام و برای شهدا کتاب نوشتم. این در حالی است که مسئولین باید این نکته را به ما سفارش بدهند.

سال ۸۷ در سفری که به لبنان داشتیم، مترجم ما از مسئول روزنامه *السفير* پرسید: «شما چرا از ادبیات دفاع مقدس ما در نشریه‌تان چیزی منتشر نمی‌کنید؟» در جواب گفت: «ما هر هفته ویژه‌نامه‌ای مخصوص ادبیات چاپ می‌کنیم. این وظیفه شماس است که کتاب‌ها را ترجمه کنید و به ما برسانید». در کشور لبنان، چیزی به عنوان یارانه برای ترجمه آثار وجود ندارد. خب، این را که من نمی‌توانم ترجمه کنم. باید متولیان امور فرهنگی این کار را انجام دهند. آن‌ها باید آثار تولیدی در ادبیات مقاومت را ترجمه کنند و در کشورهای دیگر توزیع کنند.

سال ۸۵ کتابی با نام *روز سی و چهارم* برای جشنواره «سلام بر نصرالله» نوشتم که برگزیده شد. این سفر جایزه این جشنواره بود.

مکتوب کردن تاریخ شفاهی و ادبیات مقاومت، خیلی مهم است. خاطره‌ای را برای اینکه مطلب جا بیفتد، تعریف می‌کنم. سال ۵۳، بازی‌های المپیک آسیایی تهران برگزار می‌شد. من هم که نوجوان بودم، برای تماشای بازی بسکتبال به ورزشگاه رفتم. مردم هم مدام علیه موشه دایان شعار می‌دادند و می‌گفتند: «با قیچی بریدند دم موشه دایان را، عجب کره خری بود» حال و هوا و هیجان جوانی بر ما هم غلبه کرد. ظرف‌های آمیوه‌ای را که خریده بودیم، به طرف بازیکنان اسرائیل پرتاب کردیم؛ نیروهای شهربانی ما را گرفتند. هنوز صحنه‌ای که یکی از آژان‌ها، میج دستم را محکم گرفت، در مقابل چشمانم است. انگار همین دیروز برایم اتفاق افتاده است. خلاصه کلام اینکه من با مشاهده این وقایع و تأثیرپذیری از جریان آن روز، داستان کوتاهی با نام *چشم دیگر* نوشتم. وجه تسمیه نام کتاب هم به دلیل کوربودن وزیر دفاع رژیم صهیونیستی بود. ما در آن سال، انتفاضه مقدماتی را در ورزشگاه شروع کردیم. مشاهده واقعه‌ای در چهل و دو سال پیش، باعث شد تا من بیست سال بعد، داستانی برای فلسطین بنویسم. این داستان در مطبوعات نیز منتشر شده است.

کتاب دیگری که تحت تأثیر پیروزی حزب الله لبنان با توصیف حالات و خوشحالی مردم ایران، یک روز پس از این پیروزی نوشتم.

تلاش برای جهانی شدن داستان مقاومت اسلامی و کتاب‌هایی که بر افکار عمومی تأثیرگذار هستند تا به امروز چگونه بوده است؟ آیا نویسندگان این حوزه از سوی نهادهای فرهنگی حمایت می‌شوند؟

بعد از جنگ تحمیلی ما، هزاران جلد کتاب برای

۲۲ سال ۸۷ در

سفری که به لبنان داشتیم، مترجم ما از مسئول روزنامه *السفير* پرسید: «شما چرا از ادبیات دفاع مقدس ما در نشریه‌تان چیزی منتشر نمی‌کنید؟» در جواب گفت: «ما هر هفته ویژه‌نامه‌ای مخصوص ادبیات چاپ می‌کنیم. این وظیفه شماس است که کتاب‌ها را ترجمه کنید و به ما برسانید». در کشور لبنان، چیزی به عنوان یارانه برای ترجمه آثار وجود ندارد. خب، این را که من نمی‌توانم ترجمه کنم. باید متولیان امور فرهنگی این کار را انجام دهند. آن‌ها باید آثار تولیدی در ادبیات مقاومت را ترجمه کنند و در کشورهای دیگر توزیع کنند.

